مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

فریدون موحدنیا

بسم الله الرحمن الرحیم

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

نویسنده:

فریدون محدنیا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : عوامل گرایش نسل نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه / فریدون محدنیا

مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۱۴۷ ص.

شابک : ۹۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۸۰۸-۴۸-۸

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۲۰۷۵۰

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

جوان در اندیشه کشف هویت است و در برابر جاذبه های گوناگون، ناتوان جوان در آستانه تکوین هویت جدید خود قرار دارد، علاقه مند است که جامعه، شخصیت جدیدش را به رسمیت بشناسد. گذشتن از این دوره بحرانی و دست یابی به هویت راستین؛ احساسی عمیق، ارزشمند و اعتماد آفرین در او پدید می آورد.

باید دانست تهاجم فرهنگی نیز جوانان را هدف قرار داده است؛ زیرا این قشر از دیگر افراد جامعه آسیب پذیرترند. بررسی پیشینه تهاجم فرهنگی نشان می دهد که تهاجم، پدیده نوآمدی نیست، بلکه تهاجم کفر و استکبار به فرهنگ توصیه و توحید و عبودیت از همان ابتدای آفرینش آغاز شده است و با شیوه و ترفندهای گوناگون هم چنان ادامه دارد.

دشمن همواره می کوشد با مطرود دانستن امور نامحسوس و ماوراء الطبیعه، اعتباری و نسبی شمردن ارزش های انسانی، ناکارآمد پنداشتن دین در اداره جامعه به ویژه در عصر حاضر و تشکیک در ضروری ترین باورهای دینی، به هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی (به ویژه نسل نوجوان و جوان)، آسیب های جدی وارد کند.

از دیگر سو، ناآشنایی برخی کارگزاران دین و فرهنگ با احکام و معارف اسلامی، معرفی نادرست اسلام به نسل جدید، ترک فریضه امر به

معروف و نهی از منکر، کنترل نامناسب و نامتوازن بر گذرگاه های ادراکی به ویژه رادیو و تلویزیون، فیلم های سینمایی، کتاب و مطبوعات، نادیده انگاشتن توانایی های جوانان و بی توجهی به شرایط نسبی آنان، ارائه ندادن الگوی مناسب به جوانان، هم سویی ناخواسته بسیاری از خودباختگان با فرهنگ مهاجم در زمینه پوشش، مسکن، خوراک، آداب و رسوم و...، نارسایی های بسیاری پدید آورده است. گفتنی است این مسایل به دلیل دنیا گرایی و لذت جویی، بی توجهی کارگزاران فرهنگی و غفلت از داشته های فرهنگ خودی، به دوری از خداباوری و آخرت نگری، اختلاف و پراکندگی اجتماعی انجامیده است. بنابراین، شایسته است با شناخت ترفندها و شبیخون فرهنگی دشمن، با برنامه ریزی بهینه به رویارویی آن بپردازیم.

این اثر حاصل همکاری مشترک میان مرکز پژوهش های اسلامی و مؤسسه امام خمینی رحمه الله است که پژوهشگر ارجمند، جناب آقای فریدون موحدنیا آن را نگاشته است. با سپاس از ایشان و دست اندرکاران پژوهشی آن مرکز، امید می بریم درسایه تعامل علمی، شاهدشکوفایی آثار مشترک دیگری نیز باشیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

هدف این پژوهش، بررسی و شناخت انگیزه های جوانان در گرایش به فرهنگ غرب است. از آن جا که جوانان در آینده جامعه و کشور، نقش حساس و سازنده ای دارند، استکبار جهانی برای نفوذ و سیطره بر هر کشوری، نخست به تضعیف فرهنگ ملی و اسلامی می پردازد. سپس با روش های گوناگون، در جذب جوانان به فرهنگ غرب می کوشد. از این رو، دستگاه ها و نهادهای فرهنگی ــ تربیتی کشور بایستی هوشیارانه با تمام توان به مقابله با تهاجم فرهنگی برخیزند. این پژوهش کوشیده است به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

۱. چه عواملی سبب می شود نسل جوان با بی توجهی به باورها و رسوم دینی خود، از آن دست بردارند و به فرهنگ بیگانه روی آورند؟

۲. آیا اسلام می تواند از گرایش های نامناسب جوانان به فرهنگ بیگانه، جلوگیری کند؟

۳. زمینه های هدایت نسل جوان کدامند؟

نوجوانی و جوانی یکی از پیچیده ترین مراحل مسیر پر تلاطم زندگی و در عین حال، بهترین دوران زندگی و در اصل، بهار زندگانی آدمی است. این دوره، سرشار از شور و شوق، توانایی جسمی و روانی و تلاش و نوآوری است به گونه ای که دورنمای زندگی آینده انسان را بر

اساس عملکرد او در دوره جوانی می توان پیش بینی کرد. به همین دلیل این دوره از حیات انسان در روایت های امامان معصوم علیهم السلام و در گفتار بزرگان اندیشه، بسیار مورد توجّه و سفارش و تأکید قرار گرفته است.

اگر نوجوانان و جوانان کشوری در مسیر سازندگی و آبادانی آن جامعه گام بردارند و استعدادهای بالقوه خود را به فعلیّت برسانند آن کشور به سمت پیشرفت و بالندگی خواهد رفت و افق های رشد و کمال را در پیش خواهد گرفت. گفتنی است به دلیل همه این حساسیت هاست که دشمنان فرهنگ و تمدن اسلامی، نوجوانان و جوانان کشور را هدف گرفته و برای انحراف آنان سرمایه گذاری کرده اند تا اگر بتوانند با منحرف کردن این قشر توانای جامعه، به آسانی به دیگر اهداف خود برسند. این حساسیت و دغدغه در مورد ایران اسلامی چندین برابر است؛ زیرا:

۱. نزدیک به بیست میلیون نفر از جمعیّت کشور ما جوان هستند.

۲. ایران کشوری است که با سیاست ها و تجاوزگری های استکبار جهانی و جهان خواران مخالف است.

برای برحذر داشتن جوانان از شبیخون فرهنگی دشمن و پرورش جوانانی برومند، توانا، نوآور، با فکر و اندیشه و با غیرت، باید آنان را هدایت کرد. به این منظور، باید با روحیه جوان و نیازهای عاطفی و روانی او آشنا شد و زبان ارتباطی مناسب با او را جست وجو کرد.

امید که این مجموعه بتواند دور نمایی از رمز و رازهای دوران نوجوانی و جوانی را ترسیم کند و شمه ای از خلق و خوی آنان را بشناساند.

بخش اوّل: کلیّات

اشاره

بخش اوّل: کلیّات

زیر فصل ها

فصل اوّل: بیان مسأله

فصل دوّم: فرهنگ و عناصر آن

فصل سوّم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

فصل اوّل: بیان مسأله

اشاره

فصل اوّل: بیان مسأله

از آن جا که الگوسازی در تعلیم و تربیت و ویژگی های روحی و روانی جوانان نقش ویژه ای دارد، ضروری است که نظام تربیتی کشور، با در اختیار گذاشتن الگوهای سازنده و متناسب با روحیه نوجوانان و جوانان، آنان را از گرایش به الگوهای دروغین و ویرانگر بازدارد.

نوجوانان و جوانان، نیروهای سازنده هر جامعه هستند. جامعه ای سالم و پویا است که قشر نوجوان و جوان آن، از تربیت درست برخوردار باشد. دشمنان جامعه اسلامی با فهم این واقعیت، از سال ها پیش برای انحراف نسل جوان و در نهایت، فلج کردن بنیان های اصلی جامعه، برنامه ریزی کرده اند. بنابراین، برنامه سازان فرهنگی کشور باید با تمام توان، با این معضل بزرگ که آینده کشور را هدف تیر زهرآگین خود قرار داده است، مقابله کنند.

گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ غرب، پی آمدهای ناگواری مانند: تأثیرگذاری بر بینش ها، نگرش ها، منش ها و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و دینی به همراه خواهد داشت. در این پژوهش، بر آن نیستیم تا به بررسی تأثیرهای آن بپردازیم و تنها پرداختن به دلایل فراموشی هویت و خود باختگی افراد و دور شدن از ارزش های ملی و اسلامی جامعه، مورد نظر ماست. در این پژوهش، از روش کتابخانه ای بهره

برده ایم؛ یعنی محدوده پژوهش کتاب ها، رساله ها و مطبوعات است. در ادامه، به عوامل مهمی پرداخته شده است که در شتاب بخشیدن به گرایش جوانان به فرهنگ خودی تأثیر بسزایی دارد.

اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش

جوانان، سرمایه های با ارزش هر جامعه هستند و در آینده، مسؤولیّت اداره کشورشان را بر عهده خواهند گرفت. از این رو، استعمارگران در پی آنند تا با نفوذ در اندیشه آنان، پایه های چپاولگری خود را محکم تر سازند.

به همین دلیل، استعمار به جنبه های فرهنگی و ایدئولوژیکی، اهمیت بیشتری می دهد. بر یکایک مسلمانان واجب است که برای حفظ ارزش های ملی و هویت اصیل جوانان، با عواملی که می خواهند آنان را از فرهنگ ملی ـ اسلامی خود دور سازند، مقابله و با به کارگیری روش های مؤثر، از تهاجم فرهنگی جلوگیری کنند.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی و شناخت انگیزه های جوانان در گرایش به فرهنگ غرب و تأثیر تربیتی آن در جامعه است. در این جریان، تأثیر بیش از حد فرهنگ غرب در کشور و هم چنین توانایی اسلام در برخورد با فرهنگِ مهاجم مورد نظر بوده است و در ادامه، به عواملی پرداخته ایم که سبب کندی و ناکارآمدی روند مقابله با فرهنگ بیگانه در سال های گذشته شده است. هم چنین نقش دست اندرکارانِ حکومت را در رهبری و هدایت این نسل بررسی کرده ایم.

واژه شناسی

واژه شناسی

فرهنگ عبارت است از: «ادب، تربیت، دانش، معرفت و مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت.»(۱) در تعریفی دیگر، «فرهنگ عبارت است از: نیکویی پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوه مندی و هنر.»(۲) هم چنین در لغت نامه دهخدا در شرح واژه فرهنگ چنین آمده است: «ادب، تربیت، پرورش عقل و خرد، فضل و فضیلت، بزرگی، بزرگواری، دانش و وقار، شکوهمندی، حکمت، معرفت، فقه، علم، شریعت، صنعت، هنر، هوش، فراست.»(۳)

بنا بر عقیده بسیاری از استادان علم و ادب، واژه فرهنگ از دو بخش فر و هنگ تشکیل شده است. فر به معنای: شأن، شوکت، شکوه، برازندگی، زیبایی، پیرایش، نور، پرتو، تابش، آواز، آهنگ، عدالت، امامت، استقلال، سیاست، عقوبت، فوقانی، توانایی، سرافرازی بوده و هنگ به معنای: سنگینی، تمکین، وقار، قصد، اراده، آهنگ جایی و سویی، زور فراوان، زیرک، دریافت، فهم، قبیله، سپاه و نگهداری است».(۴)

در تعریف اصطلاحی آن نیز گفته اند «فرهنگ: عبارت است از مجموعه ای از معارف، اعتقادات، اخلاق و آداب و رسوم یک ملت.»(۵) به عقیده نیم کوف؛ جامعه شناس غربی، «فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار، امیال، الفاظ و تکاپوهای ما منعکس می گردد و

۱- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، ج دوم، واژه فرهنگ.

۲- فرهنگ نفیسی، علی اکبر نفیسی، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳- لغت نامه دهخدا، واژه فرهنگ.

۴- ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، صص ۱۹ _ ۲۰.

۵- نفوذ و استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله ، ص ۲۹.

حتی در اطوار و حرکات خفیف چهره ما راه دارد.»(۱) گرایش نیز به معنای «آهنگِ تمایل، میل و رغبت» است.(۲)

نوجوانی و جوانی

نوجوانی و جوانی

درباره سن نوجوانی و جوانی، تعریف های گوناگونی هست که در آغاز دوره نوجوانی یا جوانی با هم اختلاف دارند. در این میان، تعریفی که بیشتر مطرح است و بسیاری از صاحب نظران بر آن باورند، این است که نوجوانی را از ۱۳ تا ۱۸ سالگی می دانند و جوانی را از ۱۸ تا ۲۵ سالگی قلمداد می کنند.

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۱۸.

۲- فرهنگ عمید، حسن عمید، ج ۳، ص ۸۶۲.

فصل دوّم: فرهنگ و عناصر آن

اشاره

فصل دوّم: فرهنگ و عناصر آن

زیر فصل ها

مقوله فرهنگ

ویژگی مشترک فرهنگ ها

عناصر فرهنگ

فرهنگ

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

فرهنگ اسلامی

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

مقوله فرهنگ

مقوله فرهنگ

نگاهی از بام تیره و هوس آلود سده بیستم به گذشته، جهان را پهنه دگرگونی های بی شمار نشان می دهد؛ دگرگونی هایی که گاه نابودی و نامرادی، و زمانی، امید و کامروایی به ارمغان آورده و پرونده زندگی انسان را از لحظه های زشت و زیبا آکنده است. بررسی فراز و نشیب های تاریخ، بشر را بدین حقیقت رهنمون می کند که پدیده های خوب و بد جوامع انسانی، چیزی جز بازتاب فرهنگ ها نیست. به عبارت دیگر، فرهنگ، خاستگاه همه پیشرفت ها، نوآوری ها یا همه عقب ماندگی ها به شمار می آید.

فرهنگ، مقوله وسیعی است که در جامعه شناسی برای آن، بیش از پانصد تعریف بیان شده است. البته آن را به اختصار می توان این گونه تعریف کرد: «فرهنگ عبارت است از مجموعه مایه هایی که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و ممتاز

می سازد».(1) بر این اساس، فرهنگ، مجموعه پیچیـده ای است در بردارنـده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، گرایش های گوناگون، قابلیّت ها و عادت های روزانه که آدمی با عضویت در یک اجتماع، به دست می آورد.

۱- تهاجم فرهنگی، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسّسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۷۱.

ویژگی مشترک فرهنگ ها

ویژگی مشترک فرهنگ ها

همه فرهنگ ها، گذشته از خاستگاهشان، ویژگی های مشترکی دارند که بررسی آن ها می تواند در بررسی پدیده های اجتماعی سودمند افتد:

۱. فرهنگ، فرا گرفتنی است؛ یعنی فرهنگ قابل آموختن است و از راه وراثت، به دیگری انتقال نمی یابد. در واقع، فلسفه بودن آموزش و پرورش در جامعه انسانی نیز همین ویژگی است.

۲. خاستگاه فرهنگ، اجتماع بشری است. در واقع، فرهنگ یک موضوع اجتماعی است که در جامعه شکل می گیرد و بارور می شود و مفهوم می یابد.

۳. هر چند فرهنگ، بزرگ ترین نیاز جامعه بشری است، ولی اساسی ترین نیازمندی های زندگی انسان را برآورده می سازد.

۴. فرهنگ، ایستایی نمی پذیرد و با گذشت زمان پیوسته تحوّل می یابد.

۵. فرهنگ انتقال پذیر است و از نسلی به نسلی یا از ملّتی به ملّت دیگر منتقل می شود.(۱)

عناصر فرهنگ

عناصر فرهنگ

۱. عناصر عمومی: رفتارهایی که در میان مردم یک جامعه، مشترک است یا عمومیّت دارد.

۲. عناصر تخصّصی: رفتارهایی که در میان اعضای گروه های تخصصی، ظاهر می شوند.

۳. عناصر اختراعی: رفتارهای تازه ای که کم کم از سوی فرد یا افرادی

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۲۴.

در جامعه مطرح می شوند و ممکن است شیوه زندگی مردم را در پاره ای از شؤون اجتماعی تغییر دهند.

آموزش و پرورش از راه تقویت عناصر عمومی در جامعه، وحدت ایجاد می کند و برنامه های آموزشی ــ حرفه ای در سطح متوسّطه و عالی برای تشکیل عناصر تخصّصی طرح ریزی می گردد. تشویق افراد به اندیشیدن و آزاد اندیشی در زمینه های گوناگون نیز سبب پیدایش عناصر ابداعی می شود.(۱)

فرهنگ

اشاره

فرهنگ

به طور کلّی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادّی و الهی می توان تقسیم بندی کرد.

الف) فرهنگ مادی

الف) فرهنگ مادی

این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر از غرایز و سود پرستی، به جنبش در می آورد. در فرهنگ مادی؛ هدف، وسیله را توجیه می کند. بنابراین، پیروان چنین فرهنگی برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هرچه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ می شود و آمار بزه کاری ها فزونی می یابد. افزون بر آن، بشر در گرداب بی پناهی و

۱- تعلیم و تربیت اسلامی، علی شریعتمداری، ص ۱۲.

تنهایی گرفتار می آید و نگرانی و تشویش بر سراسر زندگی وی حاکم می شود.

ب) فرهنگ الهی

ب) فرهنگ الهی

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند. فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است و هدف خود را، دست یابی به کمالی می داند که در پرتو آفتاب وحی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند. قرآن مجید در این باره می فرماید: «اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللّه ِ اَتْقیکُمْ؛ به یقین، گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.»(۱)

اساسا برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات، باید به مطالعه و شناختِ عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه های حاکم بر آن فرهنگ پرداخت تا مشخص شود آیا شخصیّت مستقلّی دارد یا این که التقاطی بوده و پیرو فرهنگ های دیگر است؟

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته دست بشر است، این ویژگی منحصر به فرد را دارد که مستقل است و همواره به حیات خود ادامه داده است.(۲) اندیشمند بزرگ اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می فرماید:

فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ هایی را از یونانی، هندی، ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد. به اعتراف

۱- حجرات، ۱۳.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۸، ۱۹ و ۲۰.

محقّقان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدّن اسلامی در ردیف بزرگ ترین فرهنگ ها و تمدّن های بشری است.(۱)

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

زیربنای فرهنگ مادّی، اقتصاد و بهره منـدی از لـذّت های مادّی است. از این رو، انسان را تنها از این دیدگاه می نگرند و تمام هـدف را در رفاه، آسایش، کام یابی و لـذّت جویی خلاصه می کنند. قدرت و بهره جویی حیوانی را کمال انسانی می دانند و او را در این مسیر به پیش می راننـد. دنیای امروز، دنیای تبلیغات فریبنـده و میدان نمایش و عرضه کالاهای گوناگون مصرفی است؛ زیرا اخلاق، معنویت و ارزش های انسانی در این فرهنگ، جایی ندارد.

در فرهنـگ الهی که بر پـایه اخلاـق و ارزش هـای الهی ـ انسـانی بنـا نهاده شـده، وضع به گونه ای دیگر است. اقتصاد و بهره جویی از امور مـادی، وسـیله است نه هـدف؛ یعنی در این فرهنـگ، اخلاـق اصل است و رفاه و مادیات فرع هسـتند و آدمی به اعتـدال میان این دو رهنمون می گردد. در واقع، در این فرهنگ، هم بُعـد مادی در حد ضـرورت و نیاز مورد توجّه است و هم بُعد معنوی در عالی ترین میزان.

فرهنـگ الهی بـا طبیعت آدمی، نیازهـا و رشـد و تکامل او سازگار است. هم جنبه اجتماعی حیات را در نظر می گیرد و هم به نیازهـای اجتماعی و عقلانی انسان توجه دارد. هم احساسات و عواطف را تحریک می کنـد و هم میل به کنجکاوی و حقیقت جویی انسان را برآورده می سازد. فرهنگ مادی به دلیل نادیده گرفتن امور معنوی و اعتقاد به زندگی

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، مقدمه کتاب.

موقتی، بـا جنبه هـای عقلانـی انسان و نیز آرمان های اخلاقی و معنوی او در برقراری رابطه با دیگران و آفریـدگار جهان توافق نـدارد. هم چنین موقتی دانسـتن زنـدگی انسـان در فرهنگ مادی، انگیزه کار و تلاش را در افراد کاهش می دهـد، زنـدگی را برای انسـان به صورتی بی معنا در می آورد و افراد را به پوچی، بی هـدفی و احساس ناامنی و تزلزل دچار می سازد. در مقابل، فرهنـگ الهی، راه را برای رشـد و تکامـل همیشـگی و نامحـدود انسـان همـوار می سـازد و از این جهت، انسـانی را که از نظر فطری، کمال جو است، راضی می کند.(۱)

فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی

اسلام به عنوان تنها دینی که تمام شؤون زندگی انسان را دربرمی گیرد، فرهنگی غنی و پربار دارد که بر وحی مبتنی است و از آموزه های الهی سرچشـمه می گیرد. نفوذ فرهنگ اسـلامی در ایران، پس از ورود اسلام به این سرزمین آغاز شد و سعه صدر اسلام و پررنگ بودن جنبه مردمی و عقلانی آن سبب گردید مردم ایران از این آیین استقبال کنند.

نفوذ اسـلام در ادبیّات، فلسـفه، هنر، آداب و رسوم و افکار و عقاید مردم ایران به صورت گسترده به چشم می خورد و آن چه مانع حاکمیت اسلام بر تمام جنبه های زندگی مردمان این سرزمین شد، وجود حاکمان و پادشاهان خودکامه بود. گفتنی است این امر بـا پیروزی انقلاـب اسـلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله و پشتیبانی توده مردم از میان برداشـته شـد و نظام پلید ستم شاهی سرنگون گردید.

۱- تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۳۶ _ ۳۷ با گزینش.

اکنون وقت آن است که با الهام از آموزه های حیات بخش اسلام و زیر نظر ولایت فقیه که رهبری نظام اسلامی به دست اوست، دگرگونی های بنیادی در فرهنگ جامعه به وجود آوریم و فرهنگ اسلامی را که در کنار ارایه معارف الهی و ارزش های معنوی، از آزادی، حاکمیّت ملّی، استقلال، عدالت، علم و هنر اصیل نیز دفاع می کند، در تمام جنبه های زندگی خود برجسته و آشکار سازیم.(۱)

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

۱ ــ نخستین عنصر، باورها و عقاید مردم به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان طبیعت؛ یعنی همان اصول دین شامل توحید، نبوت و معاد است که فلسفه، آن را شناخت بینش های انسانی یا هستی شناسی می نامد.

۲ ــ ارزش ها، همان خوب و بدهاست و اسلام یک سلسله خوب و بدهای ثابت و ابدی را به ما ارایه می دهد. البته این بدان معنا نیست که احکام در هیچ زمانی تغییر نمی کند، بلکه احکام اموری جزیی و تغییرپذیرند و منظور از ارزش های ثابت، اصول و مبانی ارزشی است.

۳ ــ عنصر سوم، شیوه های رفتاری خاص است که از آن، بینش ها و ارزش برمی خیزد.

این سه، عناصر اصلی فرهنگ اسلام اند؛ یعنی آن چه را باید بدان معتقد باشیم، خوب و بدِ شیوه رفتار ما را مشخص می کند. این همان اصول دین، اخلاق و احکام اسلامی است. لهجه ها و لباس های گوناگون محلّی و گویش ها، ارتباطی با فرهنگ ندارد. انسان نباید پیرو دشمنان خدا شود و رنگ دشمن به خود بگیرد، بلکه باید استقلال خود را حفظ

۱- آشنایی با علوم اسلامی، مقدمه کتاب.

کند. این که لباس یقه داشته باشد یا نه، به اسلام مربوط نیست. شاید این مسأله زمانی نشانه استقلال باشد، ولی عنصر اصلی فرهنگ اسلام نیست.(۱)

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

۱ ـ پرستش خدا (اساسی ترین ارزش دین): شناخت خدا و ایمان به او و پرستش او، هدف اساسی نظام عقیدتی اسلام است. قرآن مجید در این زمینه می فرماید:

و ما خلقتُ الجِنَّ و الانس الاّ لِیَعْبُدون. (ذاریات: ۵۶)

ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت.

خداشناسی و پرستش خدا، بنیان استواری است که نه تنها حرکت همیشگی انسان را به سوی کمال و رشد تضمین می کند، بلکه به شکلی اطمینان بخش، جلو کج روی های فردی و گروهی را می گیرد، انسان را به خدا می پیوندد، او را از پلیدی ها، بیدادگری ها، هوا و هوس و گرایش های بی ارزش و خودخواهی ها می رهاند و تسلیم خدا می گرداند. هم چنین انسان را از شر طاغوت ها و نفوذ قدرت های اهریمنی آزاد می سازد.(۲)

۲ ـ پرورش روح عدالت خواهی: عدالت از ارکان اصلی زندگی انسان است. در جامعه ای که ستم و بی عدالتی برقرار باشد، انسانیت انسان نابود می گردد. جامعه ای اسلامی است که نظام عدل الهی در آن حاکم باشد. در این جامعه، کار و کوشش اساس مالکیت است و استثمار و بهره کشی از انسان ها، گناه نابخشودنی به شمار می رود. اسلام نیز رسالت پیامبران را اقامه عدل می داند.(۳) قرآن مجید در این باره می فرماید:

لَقَدْ اَرسَلنا رُسلَنا بِالبَیّناتِ و اَنزَلْنا مَعَهُمُ الکتابَ و الْمیزانَ لِیقومَ الناسُ

۱- تهاجم فرهنگی، محمّدتقی مصباح یزدی، ص ۱۰۳.
۲- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۲۹.
۳- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۵۱.

بِالقِسط. (حدید: ۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرو فرستادیم و با آن ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

۳ ـ مسؤولیت فردی: از دیدگاه اسلام، فرد هم مسؤول رفتار خویش است و هم نسبت به اجتماع خود مسؤولیّت هایی دارد که پی آمد حرکت ها و رفتارهایش متوجه او خواهدشد. از سوی دیگر، بی تفاوتی و تعهّد نداشتن به مسایل اجتماعی نیز به شدّت نکوهیده شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه فرمود:

کُلُّکم راعٍ و کُلُّکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعیتَّهِ.(۱)

همه شما در برابر یکدیگر مسؤول هستید.

۴ ـ پرورش روح اجتماعی: در فرهنگ اسلامی، تلاش برای چاره گشایی از مشکل مسلمانان، به اندازه ای اهمیّت دارد که پیامبر عظیم الشأن اسلام می فرماید:

مَنْ اَصْبَحَ وَ لَمْ یَهْتَمَّ بِاُمُورِ الْمُسْلِمین فَلَیْسَ بِمُسْلِم.(۲)

کسی که صبح کند و برای حل دشواری های مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست.

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- اصولی کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۲۳۸.

فصل سوّم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل سوّم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

امروزه پیشرفت شتابان دانش، مرز میان ملّت ها را درهم شکسته و پدید آمدن سیستم های ارتباطی، جوامع پراکنده انسانی را در یک مجموعه فرهنگی یگانه، جای داده است. به این ترتیب، در اثر ارتباط و نزدیکی روزافزون ملت های گوناگون، انتقال ارزش ها و تأثیر و تأثرهای متقابل فرهنگی، مجموعه ای به نام دهکده جهانی با گستردگی و شتاب باور نکردنی در حال شکل گیری است.

پس باید میان دو مقوله تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی تفاوت گذاشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه ای در این زمینه می فرماید:

تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است و هیچ ملّتی از این که معارفی را در تمام زمینه ها ــ از جمله فرهنگ و مسایلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می شود ــ از ملّت های دیگر بیاموزد، بی نیاز نیست. در همیشه تاریخ همین طور بوده و ملّت ها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب، زندگی، خلقیات، علم، لباس پوشیدن، آداب و معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فرا گرفته اند. این مهم ترین مبادله ملّت ها با هم بوده که از تبادل اقتصادی و کالا هم مهم تر بوده است.(۱)

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سخنان رهبر معظم انقلاب ۲۱ / ۵ / ۷۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چ ۴، ص ۱۹.

ما ایرانی هستیم؛ باید بگردیم همان چیزی را که متعلّق به خود ماست، پیدا کنیم. البته این به این معنا نیست که زیبایی های دیگران را یاد نگیریم. انسان هر چیز خوب و زیبایی را از دیگران می آموزد، ولی خوب است آن را در فرهنگ خودش حل کند و از آن استفاده کند. من یک وقت که پیرامون فرهنگ صحبت می کردم، گفتم: گرفتن فرهنگ دیگران ایرادی ندارد، منتها همان طور که جسم انسان، عنصر خارجی را دو جور می گیرد، فرهنگ دیگران را هم دو جور می شود گرفت. یک وقت هست که انسان یک غذایی را که ویتامین های گوناگونی در آن هست می خورد، با بزاق دهانش مخلوط می کند و به داخل معده می فرستد. معده انسان آن مواد لازم را که با بدنش مناسب است، می گیرد و مواد زاید آن را دفع می کند. این گرفتن سالم است. یک وقت هم هست که یک نفر را می خوابانند، دست و پایش را هم می بندند و یک آمپولی را که خود او نمی خواهد، در بدنش تزریق می کنند. این یک جور گرفتن مواد بیگانه است که با آن قبلی یکسان نیست. حالا اگر آن کسی که به بدن تزریق می کند، یک طبیب دلسوز و علاقه مندی بود، می گوییم روی چشم، ولی اگر دشمن بود، تکلیف چیست؟

الآن ما داریم فرهنگ بیگانه را متأسفانه این طور، مصرف می کنیم؛ یعنی یک چیزی را همین طور به بدن ما وصل کرده اند و تزریق می کنند؛ ما هم هیچ عکس العملی انجام نمی دهیم. آن وقت همین که گفته می شود تهاجم فرهنگی، یک عده ای خیال می کنند طرف قضیه آن ها هستند. حال این که تهاجم فرهنگی از طرف غرب و از طرف دشمن است و ما باید بیدار باشیم. به دشمن که نمی شود گفت آقا دشمنی نکن! طبیعت دشمن، دشمنی است. من و شما باید بیدار باشیم و نگذاریم دشمنی کند. بله، ما اگر در معلومات غرب چیز مناسبی را یافتیم، مثل یک انسان سالمی که می نشیند غذایی را می خورد، خوبش را جذب می کند و بدش را دفع می کند، باید خوبش را بگیریم و جذب کنیم؛ یعنی همان طور که یک موجود زنده، با عامل خارجی برخورد می کند.

چرا بایـد فرهنـگ بیگـانه را این گونه به ما تزریق کننـد؟ در حالی که ما خودمان می توانیم آن چه را که مناسب است انتخاب کنیم، ولی امروز عکس این است. منتها با سوزن تزریق نمی کننـد، بلکه با رادیو و تلویزیون و کتابچه، مُـد و مجله و تبلیغات و جار و جنجال تزریق می کنند.(۱)

گرفتن دانش و مهارت های گوناگون و کشف مجهولات و نمونه برداری از ابزار کار و زندگی دیگر ملّت ها، بخشی از تبادل فرهنگی به شمار می رود. این همان چیزی است که اسلام آن را تأیید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

اُطلبُ الْعِلْمِ و لو کان بالصّینِ.(۲)

دانش را فرا بگیرید، هر چند لازم باشد به چین بروید.

بنابراین، تبادل فرهنگی که همان ارتباط منطقی و درست فرهنگ هاست، می توانـد در پیشـرفت ارزش های انسانی و به سازی زندگی بشـر سودمند افتد؛ زیرا همه مردم جهان از تجربه آگاهی و باورهای درست یکدیگر بهره می برند و از آزمایش روش هـای نـادرستِ آزموده شـده بی نیـاز می شونـد. بر این اسـاس، بایـد از تبادل فرهنگی اسـتقبال کرد. البته بایـد توجه داشت که خودباوری، اعتماد به نفس، شـناخت و ایمان به ارزش های انسانی و الهی فرهنگ خودی، پیش شـرط پیروزی در عرصه تبادل فرهنگی است.

پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی

پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، پدیده ای نو و تازه نیست که در قرن بیستم و با پیروزی

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، صص ۱۶ ـ ۱۷.ژ

۲- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۷.

انقلاب اسـلامی به وجود آمـده باشد، بلکه پیشـینه ای به درازای تاریخ دارد. برخلاف پندار ماده گرایان و برخی روشن فکران مـادّی؛ جنگ تاریـخ، جنگ اقتصادی و تضاد طبقاتی نیست، بلکه همه جنگ های تاریـخ، جنگ فرهنگی و جنگ اقتصادی و ارزش هـا بوده است.(۱) مبـارزه پیـامبران الهی بـا مظـاهر اسـتکبار و طـاغوت هـا در طول تاریـخ، نبرد دو فرهنـگ بوده است: فرهنگ متعالی حق مدار و فرهنگ باطل.

فرهنـگ حق، بینش توحیـدی، اعتقـاد به آزادی و آزادگی انسـان هـا از زنجیر معبودهـا و طاغوت های بیرونی و خواهش ها و هوس هـای درونی و برپـایی قسـط و عـدل در جهـان را ترویـج می کنـد. در مقابل، فرهنگ باطل دربردارنـده دوگانه پرستی، بردگی و بنـدگی انسـان هـا، اسارت در دام بت هـای گونـاگون، پیروی از هواهـای نفسانی و حاکمیت جور و سـتم است.(۲) سرنوشت پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسـی، عیسـی، لوط، هود، شعیب و صالح که در قرآن کریم بدان ها اشاره شده است، این حقیقت را تأییـد می کنـد. بنابراین، تهاجم فرهنگی چیزی نیست که امروزه به عنوان شـیوه ای جدیـد به کار رود، بلکه در طول تاریخ بشر به شکل های گوناگون علیه انبیای الهی و حرکت های انقلابی به کار گرفته شده است.(۳) در تاریخ پر فراز و نشـیب اسـلام، دشـمن بارها از این ابزار اسـتفاده کرده که داستان غم انگیز و عبرت آموز مسلمانان در اندلس، نمونه ای از این تهاجم است.

تجدید حیات فرهنگی (رنسانس) در غرب و ظهور اندیشه و فرهنگ

۱- تهاجم فرهنگی، ستار هدایت خواه، اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان، ص ۱۴.

۲- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، جواد منصوری، صص ۴۰ _ ۴۱.

۳- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، جواد منصوری، صص ۴۰ _ ۴۱.

جدید، ملاک ها و ارزش هایی را عرضه کرد که با فرهنگ و ارزش های جامعه های دیگر، تفاوت اساسی داشت. پیشرفت فن آوری و ایجاد تمدن صنعتی در غرب، به گسترش ارزش های نوین کمک کرد و این فرهنگ جدید، زمینه را برای ظهور قدرت های سرمایه داری و نظام کاپیتالیستی فراهم آورد.

قدرت های جدید غربی که برای استحکام و گسترش نظام سرمایه ای خود به منابع دست نخورده نیاز داشتند، به استعمار سرزمین های جهان دست زدند و کشورهای آفریقایی و آسیایی را زیرسلطه خویش گرفتند. پیدایش استعمار، دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی گسترده ای را در سرزمین های زیرسلطه پدید آورد. استعمارگران غربی برای تثبیت سلطه خود بر سرزمین های جدید، به زدودن موانع فرهنگی در کشورهای زیرسلطه خود پرداختند. ساختن مدرسه ها به سبک غربی، وارد کردن کالاهای ساخت فرنگ و راه انداختن جریان های سیاسی و مذهبی از جمله اقدام های آنان برای مقابله با فرهنگ بومی است. آشنایی جوامع گوناگون شرقی از جمله سرزمین های اسلامی با تحولات غرب و نیز نفوذ عناصر آموزش دیده در مراکز تصمیم گیری حکومت ها و بی خبری رهبران این کشورها، زمینه را برای نفوذ فرهنگ غرب آماده ساخته. اندیشمندان و نویسندگان سرزمین های اسلامی نیز که پیشرفت های علمی و اجتماعی غرب بر آنان سخت تأثیر گذاشته بود، مبلّغ فرهنگ جدید غربی شدند. جور و ستم حاکمان، فساد درباریان و طبقات بالا، ورشکستی اوضاع اقتصادی و اجتماعی از یک سو، زمینه را برای تحول فراهم و از سوی دیگر، راه را برای نفوذ سازمان های غربی مانند:

فراماسونری باز می کرد.(۱)

پس از تجزیه امپراتوری عثمانی، بسیاری از سرزمین های اسلامی به صورت کشورهای جدید و بر اساس ناسیونالیسم شکل گرفتند و استعمار غرب به طور غیر مستقیم، به گسترش فرهنگ خود در این کشورها پرداخت. در این شرایط، جریان های اصلاح طلب که خواهان دگرگونی های اجتماعی و سیاسی بودند، زمینه رشد پیدا کردند. برخی از این جریان ها وابسته بودند و برخی دیگر به صورت خودجوش و تنها تحت تأثیر دگرگونی های جهان غرب، به اصلاح طلبی گراییده بودند. گفتنی است در بیشتر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی، این مسأله با مبارزه ضد استعماری همراه بود. توده مردم این کشورها بیشتر به مبارزه با استعمار و استقرار عدالت تکیه داشتند، ولی رهبران و روشن فکران آن به دمکراسی و آزادی می اندیشیدند. تمامی روشن فکرانی که درس خوانده غرب بودند یا با آن فرهنگ آشنایی داشتند، به تقلید از رنسانس، خواستار تحول فرهنگی و مذهبی در جامعه اسلامی خود بودند. غرب نیز به چنین جریان هایی دامن می زد یا خود، چنین جنبش هایی را به راه می انداخت.

باید دانست مهم ترین مانع بر سر راه غرب برای نفوذ در سرزمین های اسلامی فکر دینی و فرهنگ اسلامی بود که هیچ گونه نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی غرب را تحمل نمی کرد.

به طور کلی، اصلاح طلبان را می توان در سه گروه دسته بندی کرد:

۱. اصلاح طلبانی که دین جدیدی را عرضه می کردند. فرقه هایی

۱- تهاجم فرهنگی، صص ۱۶ _ ۲۰.

مانند: قادیانیه در هند، وهابیت در عربستان و بهایی گری در ایران که می توان تمامی آنان را «وابسته» دانست.

۲. روشن فکرانی که اساسا رنگ مذهبی نداشتند و اصلاح طلبی آنان بدین معنی بود که دین را مانع هرگونه تحول و پیشرفتی می دانستند و خواستار حذف دین از همه شؤون اجتماعی _ سیاسی بودند. در ایران، افرادی مانند آخوندزاده و میرزا مَلْکُم خان از این گروه بودند.

۳. کسانی که به تلفیق ارزش های جدید غربی و فرهنگ اسلامی معتقد بودند و ستیز با مذهب را روا نمی دانستند.

به طور کلی، هر سه گروه معتقد بودند که برای رسیدن به قافله تمدن و پیشرفت می بایست تحولی فرهنگی، در جامعه صورت گیرد. آنان چاره این کار را در دین پیرایی می دانستند و از شعار سه گانه فراماسونری؛ یعنی آزادی، برادری و برابری هواداری می کردند.(۱)

فرهنگ و تمدن غرب پس از رنسانس، با اصالت دادن به انسان و ترویج اومانیسم، در صدد نفی مذهب ها و فرهنگ های غیر غربی برآمد.

نظریّه پردازان و اندیشمندان غربی به ویژه صاحب نظران علوم اجتماعی و تربیتی با طرد دین باوری و آموزه های آسمانی کوشیدند انسان را جای گزین خدا و دانش را به جای دین و مذهب معرفی کنند. آنان حتی دین را زاییده ترس و جهل بشری و افیون جامعه معرفی و دوران مکتب های آسمانی را پایان یافته قلمداد کردند.

غربیان برای گسترش حاکمیت اقتصادی شان بر دیگر کشورها و به دست آوردن منابع و منافع بیشتر کوشیدند با تحریف و مسخ فرهنگِ

۱- ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، ص ۳۲.

دیگران، آنان را از خود بیگانه و بی هدف کنند و فرهنگ غربی را در میانشان حاکم گردانند. آنان برای رسیدن به این هدف، با به کارگیری ابزارها و روش های آشکار و پنهان و با ترس و وحشت افکنی ، زمینه گسترش فرهنگ غرب را در سطح جهان فراهم آوردند.

با این حال، باید گفت فرهنگ غرب با وجود دست آوردهای شگرف و حیرت انگیز فنی و تکنولوژی اش نتوانسته است نابسامانی های فکری و روانی بشر را پاسخ گوید. انسان سرگشته و نگران معاصر، بیش از هر زمان دیگر از ابتذال فرهنگی و سقوط مبانی اخلاقی، خودکامگی ها، قدرت پرستی ها و ستمگری های هم نوعانش رنج می برد، به گونه ای که صاحب نظران آزاده غربی نیز فروپاشی تمدن غرب را پیش بینی می کنند و در پی ترسیم آینده ای متفاوت با وضع موجود هستند. آنان معتقدند فروپاشی اخلاقی غرب در نتیجه ترویج مکتب های منحرف فکری مانند: اومانیسم (انسان مداری)، لیبرالیسم (آزادی بی حد و مرز) و در پی آن نهیلیسم (پوچ گرایی) است که پس از جنبش رنسانس در راستای مذهب ستیزی، پایه گذاری شدند. بدین سان بشر امروز با اصالت دادن به فن آوری و اقتصاد، در چنگال زندگی ماشینی گرفتار آمده و سیطره فن آوری، شأن او را نیز در حدیک ماشین کاهش داده است، به گونه ای که زندگی اش بدون معنا و فضیلت و هدف شده و به پوچی روی آورده است.

سلطه گران در سراسر نیم قرن اخیر با همه توان کوشیدند جهان بینی اومانیسم را در همه جهان به ویژه کشورهای اسلامی گسترش دهند وبا ایجاد سرسپردگی مطلق و وابستگی همه جانبه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، به غارت فرهنگ و منابع این کشورها بپردازند. آنان در این

راستا، با برانگیختن عناصر خود باخته آن کشورها، فرستادن میسیونرهای مسیحی به عنوان سپاهیان صلح و با به کارگیری توان فن آوری فرا مدرن در صنعت ارتباطات برنامه هایشان را پیش بردند. غربیان با به کارگیری تمام شیوه ها و ابزارهای ویران کننده، بر آن هستند تا فرهنگ الهی کشور را که بر محور بینش توحیدی پایه گذاری شده است و مانند سد مستحکمی عمل می کند، از میان بردارند.

آن چه امروزه سلطه گران را بیش از هر چیز دیگری به وحشت انداخته است، قدرت اسلام و حضور فعال آن در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. از این رو، طبیعی است که استکبار جهانی، جهان اسلام را که همواره در برابر تجاوزهای فرهنگ غرب ایستاده است، به شدت آماج یورش شدید فرهنگی خود قرار دهد. غرب با ترویج فرهنگ و اندیشه مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده دنیای صنعتی بر آن است تا در فرهنگ اصیل اسلامی رخنه کند، ارزش ها و باورهای دینی را سست سازد و کم کم ریشه باورهای امت اسلامی را بخشکاند. سپس دست آورد تمدن غرب؛ یعنی فن آوری جدید (البته سراب گونه و رنگ آمیزی شده آن) را به مردم نشان دهد و سرانجام آنان را در منجلاب فساد _ که زاییده فرهنگ جدید غرب است _ غرق سازد!

انگیزه این تهاجم در نخستین گام، ایجاد فضای خودباختگی و روح بی تفاوتی در جامعه نسبت به ارزش های اصیل خودی و ویرانی هویت مذهبی و ملی آن جامعه و در گام بعد، ایجاد جامعه ای تازه است که اندیشه ها و باورهای جهان غرب را بپذیرد و عقاید و ارزش های دینی و فکری خود را دور بریزد. در این صورت، با نابود شدن فرهنگ ملّی یک کشور، زمینه برای سلطه همه جانبه استکبار جهانی هموار خواهد شد.

آن چه امروز سلطه گران با بهره گیری از فن آوری ارتباطات و برنامه های ماهواره ای و با شعار تحقق دهکده جهانی و همسان سازی فرهنگی برای جهانی کردن فرهنگ خود تبلیغ می کنند، در راستای همین اهداف شیطانی طرح ریزی شده است.

باید دانست در دوران معاصر به ویژه در نیم قرن اخیر، با جریان سازمان یافته ای علیه فرهنگ اسلامی و انسانی در کشورمان روبه رو هستیم که برخی موارد آن بدین شرح است:

۱. شکستن جامعه سنتی ایرانی و نفی ارزش های حاکم بر آن.

۲. گسستن رابطه نسل جدید ایران با تاریخ و فرهنگ پر بار این کشور.

۳. گسترش فساد و فحشا.

۴. گسترش دنیاگرایی و زندگی مصرفی.

۵. سرگرم کردن مردم به مسایل بی ارزش و بازداشتن آنان از اندیشیدن.

۶. تفرقه افکنی میان گروه های گوناگون مردم.

۷. ایجاد بدبینی به معارف اسلامی.

۸. کمک به گسترش بی سوادی.

۹. تبلیغ جدایی دین از سیاست.

۱۰. سست کردن مردم در تقلید از مراجع دینی.

پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

دگرگونی و تحول در فرهنگ ها در پی دو علت پدید می آید:

۱. علت پذیرندگی؛

۲. علت فاعلی.

تـا زمـانی که روح فرهنگی مستقل در جـامعه ای زنـده است و مردم به ویژه اندیشـمندان جامعه نسبت به حقیقت آن فرهنگ اشراف دارند، هرگز فرهنگ دیگری نمی تواند به آن جامعه هجوم آورد و آن را نابود کند.

تاریخ بیـانگر این حقیقت است که فرهنـگ هـای زنـده از تمامی فرهنگ ها بهره برده و آن ها را در خود حل کرده انـد. البته وقتی به هر دلیلی، روح حاکم بر فرهنگ ملی از میان برود و مردم به ویژه اندیشـمندان، آشنایی خود را با آن فرهنگ از دست بدهنـد، آن فرهنگ آسـیب پذیر می شود و هر فرهنگ مسـلط دیگری را می پذیرد. این حالت انفعالی، علّت پذیرندگی است. در این صورت، فرهنـگ بیگـانه می توانـد به سـرعت در این فرهنگ فراگیر شود تا جایی که ماهیت آن را نیز تغییر دهـد. این علت دوم را علّت فاعلی گویند.

تاریـخ ایران از گذشـته تـا کنون، شاهـد دگرگونی هـای بنیادین بوده است. در زمان حمله اسـکندر مقـدونی به ایران، فرهنگ ایرانی در حـال رکـود بـود و اندیشـمندان ایرانی نسـبت به حقیقت آن بیگـانه بودنـد. به همین دلیـل، اسـکندر تـوانست پس از پیروزی نظـامی بر نیروهـای ایرانی، فرهنـگ و تمـدن آن را به شـدت دیگرگون کنـد. تا جایی که ایران حتی پس از حکومت سرسخت ساسانی، نتوانست خود را از آموزه های فرهنگ یونانی که به وسیله اسکندر و جانشینان وی حاکم شده بود، برهاند.

هم چنین ایران در عصر اسلامی پس از تجربه بسیار پربار و نشان دادن جلوه های برتری از تمدن اسلامی، در زمان صفویه، کم کم زمینه ای (پذیرنده ای) برای نفوذپذیری یافت. از آن پس، گروهی از جمله میسیونرهای (مبلغان مسیحی) مذهبی از غرب راهی ایران شدند و توانستند بنیاد اندیشه غربی را نخست در میان درباریان و سپس در مجامع علمی، فرهنگی، همگانی سازند. تا جایی که حاصل فعالیت آنها به توده جامعه ایرانی نیز کشیده شد. جامعه ایرانی تا پیش از صفویه با وجود ارتباط با فرهنگ ها و تمدن های گوناگون، به ویژه چین که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته بود، هرگز نسبت به آن ها خودباختگی نشان نداد و فرهنگ و تمدن مستقل اسلامی خود را نگاه داشت و آثاری پدید آورد که امروزه نیز جزء شاه کارهای بزرگ تاریخ بشر به شمار می آید.(۱)

نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران

نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران

برژنسکی در کتاب «میسیونرهای کلیسای انجیلی در رابطه امریکا با ایران دوره پهلوی» می نویسد: ۴۹ سال پیش از آن که نخستین دیپلمات امریکایی استوارنامه خود را در تهران تسلیم کند، میسیونرهای کلیسای انجیلی وارد ایران شدند، آن ها پیش از جنگ دوم جهانی زنجیره ای از مدرسه ها و بیمارستان ها را در ایران اداره می کردند. این مدرسه ها نخستین بار در ایران، آموزش به سبک غربی را رایج کردند. میسیونرها می کوشیدند مردم ایران را به نسخه های محلی و پروتستان های مدرن

۱- تهاجم فرهنگی، صص ۳۳ و ۳۴.

امریکـایی تبـدیل کننـد. برژنسـکی، فعالیت های آموزشـی گروه های میسـیونری را در ایران گسترده توصـیف می کنـد، و می گوید:

میسـیونرها برای آموزش ادبیات غربی، ریاضیات، علوم و انجیل، مدرسه هایی تأسیس کردند. آن ها می خواستند ایران را تغییر دهند و به صـراحت می گفتند: مدرسه های ما طعمه هایی است که با آن ها مسلمانان را شکار می کنیم. هیأت های میسیونری در ایران، از قـدرت و ارتباطـات قوی بـا حکومت برخوردار بودنـد. مقـام های امریکایی به دربار ایران گفته بودنـد که اعضای کلیسای انجیلی، شـغل های مهمی دارند و اگر ایران می خواهد در امریکا سابقه خوبی داشته باشد، به یقین به سود تهران است که اثر خوبی در میانشان بر جای بگذارد.(۱)

۱- ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، صص ۲۹ ـ ۳۴.

بخش دوّم: آسیب شناسی جوان

اشاره

بخش دوّم: آسیب شناسی جوان

زیر فصل ها

فصل اوّل: آسیب شناسی نسل جوان

اشاره

فصل اوّل: آسیب شناسی نسل جوان

زیر فصل ها

اهمیّت دوران جوانی

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

آسیب های نسل نوجوان و جوان

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

عوامل دین گریزی

اهمیّت دوران جوانی

اهمیّت دوران جوانی

نوجوانی و جوانی مهم ترین دوران زندگی انسان است. در این دوران، دگرگونی هایی در دو جنبه جسمی و روحی در فرد روی می دهد.

جنبه جسمی آن، در نتیجه افزایش ترشح غدد فوق کلیوی و غدد جنسی رخ می دهد که سبب ورود فرد به سن بلوغ و بروز آثار آن می شود. جنبه روحی آن نیز سبب افزایش احساسات و هیجان ها و لطافت روح فرد می گردد.

نوجوان در مرز بلوغ و جوانی، از طفیلی بودن می رنجد و می خواهد به خود متکی باشد. نیروی خواستن در او افزایش می یابد. دوستی هایش عاشقانه است و قهر و نزاع هایش تا مرز انتقام پیش می رود. در همه کارها از جمله دوستی ها و دشمنی هایش، اخلاص دارد. تندروی، غرور، خودشناسی، تردید، نگرانی، خواب و خیال، بی باکی، استدلال قوی و هوش وی، در بالاترین درجه قرار دارد و استعدادهایش به اوج می رسد.

این سال ها، فرصتی طلایی است. گویی رشد و تعالی انسان و نیز کج روی ها و لغزش هایش در همین سال ها شکل می گیرد. هم چنین حاکم شدن عقل بر احساسات، از همین دوران، آغاز می شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم تبلیغ خویش را از میان جوانان آغاز کرد؛ همان کسانی که شکنجه می شدند و پایداری می کردند و دست از ایمان خود بر نمی داشتند. مُصعَب، نماینده پیامبر در مدینه برای تبلیغ

اسلام و اُسامَه، فرمانده لشکر اسلام در یکی از جنگ ها از همین جوانان بودند.

بـا بیـان این مقـدمات دربـاره اهمیّت دورانِ جوانی، خطیر بودن وظیفه پـدر و مـادر و مربیـان روشن تر می شود. بنابراین، برای موفقیّت بیشتر در هـدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، باید هماهنگی و همکاری میان پدر و مادر و مربیان هرچه بیشتر افزایش یابد.

نوجوان و جوانی که در خـانواده ای نابسامـان و محیطی آمیخته بـا اختلافـات خـانوادگی پرورش یـافته است، زمینه کمی برای تربیت پـذیری خواهـد داشت. اگر پـدر و مـادر بیش از نیازهـای مـادّی فرزنـدانشان، به جنبه هـای روحی آنـان می پرداختنـد، مشـکلاتِ کمتری به بـار می آمـد و بزه کاری ها (فساد، اعتیاد و ...) کاهش می یافت. بیشتر کودکان بزهکار، از نبودنِ عاطفه در روابط خانوادگی و کمبود محبّت گلایه داشته اند.

از این رو، ویژگی هـای دوران بلـوغ و نوجـوانی، نیازهـای خاصـی را در پی دارد. سـرعت زیـاد رشـد در دوران نوجوانی (که برخی آن را تولد دوباره می نامند، نیاز به تغذیه مناسب در این دوره را آشـکار می کند. هم چنین شـرایط روانی حاکم بر این دوران بیـانگر آن است که نوجوان و جوان به آرامش روانی بیشتر و ارتبـاط صـمیمانه و دوسـتانه نیاز دارد. او همـدم و دوستی می جوید که وجودش را درک کند و هم چون او، طعم ناخوشایند انتقاد، تهدید، تحقیر و روابط آمرانه را چشیده باشد. کسی را می خواهد که به دور از روابط آمرانه، حاکمانه و ناصحانه، با او دوستانه و صمیمانه سخن بگوید.(۱)

جوان نیاز دارد که دیگران وجودش را آن گونه که هست، درک

۱- والدین و تربیت نسل جوان، حمید اسماعیلی، صص ۸ _ ۱۰.

کننـد! در اهمیّت این دوران همین بس که بر اسـاس حـدیث پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله وسـلم یکی از مهم ترین چیزهـا که در قیـامت، از آن پرسـیده خواهـد شـد، دوران جوانی اسـت(۱). به همین دلیـل، آن حضـرت دربـاره جوانـان چنین سفارش فرموده است:

اوُصیکُمْ بِالشَّبَانِ خیرا؛ فَانَّهُمْ اَرَقُّ اَفْئِدَهً(۲).

به جوانان نیکی کنید؛ زیرا دل های نازکی دارند [و دارای روحی فضیلت پذیرند].

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

اشاره

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

از آن جـا که تربیت نوجوان و جوان، رسـالت هر خـانواده و جـامعه ای است و این دوره زنـدگی انسـان، ویژگی های خاصّ‌ی دارد، بایـد از مشـخصّه هـای این دوران، نیازهـا و ویژگی هـای جسـمی، عاطفی و اجتماعی جوانان آگاهی داشت. در این جا، نمونه هایی از ویژگی های دوره نوجوانی و جوانی را به اختصار برمی شماریم.

۱. مهم و پر حادثه بودن

۱. مهم و پر حادثه بودن

این دوره بر رفتار و دیـدگاه فرد، تأثیرهای ناگهانی می گـذارد. که تا مـدت ها ادامه خواهد داشت. تأثیرهای یادشده در زمینه جسمی روانی رخ می دهد.(۳)

۲. دگرگونی

۲. دگرگونی

میزان تغییر در نگرش و رفتار، در این دوره بسیار زیاد است. پنج نوع

۱- تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب یعقوبی، ص ۲۹.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۳- دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، صص ۵۰ و ۵۱.

تغییر در دوره نوجوانی و جوانی پدید می آید:

الف) زندگی عاطفی (انفعالی) توسعه می یابد.

ب) سرعت دگرگونی هایی که با رشد جنسی همراه است، نوجوانان را به خود و استعدادهایشان نامطمئن می سازد. به همین دلیل، آنان به شدّت احساس بی ثباتی می کنند؛ احساسی که با رفتارهای مبهم پدر و مادر و مربیان، شدیدتر می شود.

ج) در این دوره در بدن، خواست ها و نقش هایی که در اجتماع از آنان انتظار می رود، دگرگونی هایی پدید می آید. این دگرگونی ها برای نوجوانان بیشتر است و کم تر حل شدنی به نظر می رسد.

د) هم چنان که الگوهای خواهشی و رفتاری تغییر می یابد، ارزش ها نیز دگرگون می شوند. آن چه در دوران کودکی برایشان مهمّ بود، اکنون در آستانه بزرگ سالی، کم تر اهمیت دارد. مثلاً ـ برای بیشتر نوجوانان، رفت و آمد با دوستانی از گروه هم سالان که هم تیپ و جذّاب باشند، مهم تر است تا دوستان بسیاری که ممکن است با او سنخیّت روحی نداشته باشند. آنان در این دوره به کیفیّت بیشتر از کمیّت اهمیّت می دهند.

ه) برخی نوجوانان دمدمی مزاج اند؛ آنان هرچند استقلال می خواهند، ولی از مسؤولیت هایی که همراه با استقلال باشد، هراس دارند.(۱)

۳. هویت یابی

۳. هویت یابی

یکی از تلاش های نوجوانان در جامعه، یافتن پاسخ این پرسش است که: «من کیستم و باید چگونه باشم؟»(۲)

در جامعه هایی که پیچیدگی و گونه گونی رفتارها زیاد به چشم

۱- دنیای نوجوان، صص ۵۲ و ۵۳.

۲- رشد و شخصیت کودک، پاول هنری ماسین، برگردان: مهشید یاسایی، ص ۵۷۸.

می خورد، الگوهای گوناگونی در برابر نوجوان خواهد بود که او را در گزینش یک یا چند الگو برای همانند سازی ـ یعنی شیوه ای برای زیستن با الهام از آن الگوها ـ با مشکل روبه رو می سازد. در چنین جامعه هایی، هویت یابی نسل جوان، مشکل خواهد داشت؛ یعنی گاهی هویت های گوناگون را مورد آزمون و خطا قرار می دهد، برای نمونه، برخی نوجوانان درس خواندن را ترک می کنند و به کارهای دیگر روی می آورند یا گاهی شغل خود را پیاپی تغییر می دهند.

اریکسون، روان شناس غربی می گوید:

نوجوانان و بزرگ سالانی که احساس هویت در آنان نیرومند است، خود را افرادی جداگانه و برجسته از دیگران می دانند. واژه «فرد» که معادل واژه «شخص» است، نشان دهنده نیاز همگانی به درک خود است؛ به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران، از آن ها جداست. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز با آن نیاز همگانی به درک خود ارتباط نزدیک دارد. وقتی از یکپارچگی خود سخن می گوییم، مقصود ما جدایی از دیگران و در همان حال به معنای یگانگی خود؛ یعنی انسجام عملی نیازها، انگیزه ها و الگوهای واکنش شخص است. سرانجام این که درک هویت خود، مستلزم «تقابلی روانی ـ اجتماعی» است. به عبارت دیگر، نوجوان باید میان تصوری که از خود دارد و تصوری که از انتظار دیگران از خودش دارد، هماهنگی ایجاد کند.(۱)

۴. رشد اجتماعی

اشاره

۴. رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در مرحله جوانی و نوجوانی ویژگی های خاصی دارد که به چند نمونه می پردازیم:

۱- رشد و شخصیت کودک، ص ۵۷۸.

الف) میل به جنس مخالف

فرد در آغاز نوجوانی به جنس مخالف گرایش می یابد و این گرایش در رفتارها و کوشش های روزانه او اثر می گذارد. میل به جنس مخالف، به طور پنهانی آغاز می شود سپس به شکل برجسته ای بروز می کند. پس از آن دگرگونی می یابد و به زندگی واقعی روزانه نزدیک تر می شود. نوجوان در این حال می کوشد به روش های گوناگون، توجه جنس مخالف را به سوی خود جلب کند.

ب) پیروی از همگنان

نوجوان دوست دارد از رفتارها، روش ها، کارکردها و دستورهای دوستان و هم سالانش پیروی کند، به گونه ای که بریدن او از خانواده و پیوستن به هم سالان تقویت می شود؛ یعنی محبّت او از خانواده، به گروه هم سالان می گراید.

ج) اعتماد به نفس

نوجوان با سبک شمردن سلطه خانواده، در پی اثباتِ مقام و موقعیت خود برمی آید و می کوشد اطرافیانش را وادار کند که به توان مندی های زیاد او اعتراف کنند. از این رو، در تعریف از خود و نشان دادن خویش افراط می کند و برای جلب توجه دیگران، به آرایش ظاهری روی می آورد.

د) سرکشی

نوجوان می خواهد از چیرگی خانواده بر خودش، آزاد گردد تا استقلال فردی خود را بیابد. گاهی در این آزادی، زیاده روی می کند و به سرکشی می پردازد و بر سلطه خانواده می شورد. گویا بدین ترتیب، می خواهد علیه کودکی خود _ که در آن مرحله پیرو و فرمان بردار امر و

نهی خانواده اش بود ــ انقلاب کند.

ه) تمسخر

در این دوره، ایمان نوجوان به عقاید و آرمان های افراد خانواده، سست می شود و به استهزا و تمسخر آن می پردازد. البته پس از چندی، آن گاه که به رشد و کمال رسید، به واقعیت نزدیک تر می شود و از آسمان خیال هایش، به زندگی واقعی روزانه برمی گردد.

و) تعصب

تعصب و پافشاری نوجوان بر باورها و گرایش های گروه هم سالان و اندیشه ها و روش های دوستانش ــ به ویژه در ۱۲ تا ۱۶ سالگی ــ افزایش می یابد. سپس با نزدیک شدن به مرحله کمال، از تندی و شور این تعصب کاسته می شود. تعصّب در نوجوانان عامل های زیادی دارد که عبارت اند از: خانواده، برخوردهای اجتماعی، نوع فرهنگِ محیط زندگی، آداب و رسوم دینی جامعه، طبقه اجتماعی که عضو آن است و شخصیت نوجوان. گاه تعصب وی به شکل رفتاری دشمن گونه در واژگان زشت و رکیک و انتقاد بروز می یابد.

ز) رقابت

نوجوان و جوان برای نشان دادن جایگاه خود به دیگران، در بازی، تحصیل و کارهای روزانه، با هم سالانش به رقابت می پردازد. البته گاه زیاده روی در رقابت فردی، او را از رسیدن به معیارهای درست برای رشد، باز می دارد.(۱)

۵. گرایش های دینی

۵. گرایش های دینی

بر خلاف تصوّر برخی، نوجوانان به دین و مذهب علاقه دارند و به نقش

۱- روان شناسی رشد، علی اکبر شعاری نژاد، صص ۵۶۰ ــ ۵۶۱.

مهم دین در زندگی شان آگاهند؛ در مراسم دینی حضور فعّال دارند و درباره مفاهیم دینی از بزرگ ترها می پرسند. از این رو، دوره نوجوانی را دوران تردید دینی نامیده اند؛ زیرا در این سال ها، نوجوان می خواهد باورهایش را از نو بسازد، از تقلید کورکورانه بیرون آید و با استدلال عقلانی در باورهای خود تجدیدنظر کند.(۱)

۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی

۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی

نوجوان و جوان در پی محیطی است تا در آن، به رشد ذهنی دست یابد و نوآوری های خود را نشان دهد تا رفتارش مورد تأیید قرار گیرد.

۷. حبّ ذات

۷. حبّ ذات

موجودات جهان هستی، یک ویژگی مشترک به نام حبّ ذات دارند؛ یعنی خودشان را دوست دارند و اگر چیزی قصد آسیب رساندن به آن ها را داشته باشد، از خود واکنش نشان می دهند. انسان نیز چنین است و از کودکی این صفت را همراه دارد. توجّه به این نکته، در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین، کتک زدن به هیچ وجه برای تربیت مؤثّر نیست و سرزنش و ناسزاگویی به آنان نیز سودی نمی بخشد؛ چون برضد حب ذات است.

پس اگر بخواهیم کاری کنیم که در ایشان تأثیرگذار باشد، باید در حبّ ذاتشان تأثیر بخشد. مثلاً عاطفه با حب ذات همگون و خشونت با حبّ ذات ناهمگون است.(۲)

۸. الگوپذیری

۸. الگوپذیری

تقلید، غریزه نیرومندی است که از کودکی آغاز می شود و در پنج تا شش سالگی به اوج خود می رسد. کودک در این سن، افزون بر تقلید در

۱- مجلّه علمی و تخصّصی معرفت، شماره ۳۸، صص ۲۸ _ ۳۸.

۲- والدین و تربیت نسل جوان، صص ۱۳ _ ۱۷.

خوردن، لباس پوشیدن و ...، حالت های روانی را نیز تقلید می کند. از این رو، ترسو بودن یا شجاعت مادر (یا هر کسی که مورد تقلید اوست) در او اثر می گذارد. پدران و مادران باید در برابر کودکان، مواظب کارها و رفتارهای خود باشند. یک آینه، تا هنگامی که کسی در برابرش باشد، تصویر را نشان می دهد، ولی ذهن انسان قوی تر از آینه است و با از میان رفتن فرد، هم چنان تصویر او باقی می ماند. مربیان و پدر و مادر در این امر نقش بسزایی دارند؛ چون این غریزه در دوران نوجوانی نیز به فعالیّت خود ادامه می دهد و نوجوان افزون بر مربیان و پدر و مادر، تا اندازه زیادی به تقلید از هم سالان خویش گرایش پیدا می کند.

مرحله تقلید در نوجوان از دوازده سالگی آغاز می شود. او از هم سالان ویژه (از نظر ویژگی درسی یا اخلاقی مانند: شلوغ کردن یا منظم بودن) تقلید می کند. این ویژگی بیشتر در پسران به چشم می خورد. آن چه در این مرحله باید بدان توجّه کرد، انواع تقلید است که گاهی کورکورانه و گاهی آگاهانه است. در تقلید کورکورانه، تقلیدگر از هر عمل زیان آور یا سودمندی، ناآگاهانه پیروی می کند، ولی در تقلید آگاهانه تقلیدگر، نکات مثبت الگویش را انتخاب و از آن پیروی می کند و کردارهای ناشایست را تشخیص می دهد و کنار می گذارد. از این رو، پدر و مادر و مربیان باید نوجوانان و جوانان را آگاه سازند که در مسایل زندگی، کورکورانه تقلید نکنند؛ زیرا چنین تقلیدی به نابودی شخصیت فرد می انجامد.(۱)

۹. افتخار به شخصیّت

۹. افتخار به شخصیّت

تشخّص طلبی یکی از گرایش های غریزی بشر به شمار می رود که در نسل جوان بسیار نیرومندتر است. نوجوان به نوع لباس، آرایش مو و نوع

۱- والدین و تربیت نسل جوان، صص ۱۸ و ۱۹.

واکنش هـایش در برخوردهـا افتخـار می کنـد و به اصـطلاح در جمـع هم سالاـن خـود قیـافه می گیرد. او به ابراز شخصـیّت و خودنمایی می پردازد تا بفهمانـد که بزرگ شده است. در این راسـتا، پدر و مادر باید با برخورد مناسب و احترام به شخصـیّت نوجوان، او را در برگزیدن لباس های مناسب و نوع برخوردهایش هدایت کنند.

۱۰. میل به آزادی

۱۰. میل به آزادی

یکی از گرایش هـا و ویژگی هـایی کـه در این دوران شـدّت می یابـد، میـل به آزادی بی مرز و بی قیـد و شـرط است. او می خواهـد قراردادهای اجتماعی را نادیـده بگیرد و در راه برآوردن امیال خویش، از آزادی های بی رویه اسـتفاده کند. از آن جا که آزادی های بی قید و شرط به کج روی ها و مشکلات خواهد انجامید، باید با روش های درست و گفت وگوهای دوستانه نظارت گردد.

۱۱. تعادل اجتماعی

۱۱. تعادل اجتماعی

تعادل دو صورت دارد:

۱. تعادل منفی؛

۲. تعادل مثبت.

اگر ویژگی های اجتماعی منفی در نوجوان و جوان پرورش یابـد، او در همان ویژگی ها به تعادل می رسد و چنان چه ویژگی های اجتماعی مثبت در او پرورش یابد، در همان مشـخصه ها به تعادل خواهد رسـید؛ یعنی نوجوان در دوران دبیرستان، در هر کـدام از دو حالت یاد شـده به تعادل برسـد، در همان تعادل باقی خواهد ماند. در بیشتر موارد، این تعادل، هم چنان تغییرناپذیر باقی می ماند.

۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی

اشاره

۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی

میزان رشـد در دوران کـودکی بـه ویژه در نوجـوانی و جـوانی در بالاـترین حـد قرار دارد. در این جـا نخست، رشـد جسـمانی نوجوانان و جوانان را با عنوان بلوغ بررسی می کنیم. سپس به ویژگی های غریزه جنسی در این دوران می پردازیم:

بلوغ و دگرگونی های آن

بلوغ به معنای رسیدن و کامل شدن است. در آدمی، رسیدن به سن نوجوانی و جوانی را بلوغ نامیده اند؛ چون با رسیدن به این دوران، رشد بسیاری از اعضا، کامل می شود و دگرگونی های جسمانی، عاطفی و عقلانی در وجود فرد پدید می آید.

در رشد جسـمانی، اسـتخوان بندی نوجوان سـرعت می گیرد، اعضا و اندامش ناهمگون می شود، حرکت های ناشیانه از او سر می زند و غُدد و هورمون های جنسی شکوفا می شوند.

غریزه جنسی

غریزه جنسـی یکی از غرایز نیرومنـد و حسّـاس انسـان است. این غریزه در حیـات روانی و جسـمانی انسـان، تأثیر فراوانی دارد. بسـیاری از رفتارها حتی بیماری های جسـمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می گیرد. اگر این غریزه، به گونه ای درست و با روشـی عاقلانه پرورش یابـد، زنـدگی آسایش می یابـد و اگر در مسـیر افراط یا تفریط قرار گیرد، ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی در پی داشته باشد.

پـدر و مادر و مربیانِ حساس به آینـده نسل جوان، نمی تواننـد نسبت به این غریزه بی تفاوت باشـند و چون تربیت درست میل جنسـی یکی از دشوارترین و حسـاس ترین انواع تربیت است، بایـد بـا دقّت کامـل صورت بگیرد. بنـابراین، پـدر و مادر وظیفه دارند با به دست آوردن آگاهی های

لازم از دگرگونی های این سال ها، با روشی دوستانه و بدون هیچ گونه تحریک، این مسایل را برای نوجوانان شرح دهند.(۱)

پدر و مادر باید این نکته را به خاطر داشته باشند که اگر مسایل مربوط به بلوغ را خود، برای نوجوانان بازگو نکنند، آنان برای به دست آوردن آگاهی هایی در این زمینه، به دوستان ناباب مراجعه می کنند که این مسأله به انحراف آنان خواهد انجامید.(۲)

آسیب های نسل نوجوان و جوان

آسیب های نسل نوجوان و جوان

یکی از موارد ضروری، شناخت دغدغه های فکری نسل نوجوان و جوان است. باید دانست که خواسته ها و دغدغه های آنان همیشه نشانه ناهنجاری نیست، بلکه گاه نشانه بیداری نیز به شمار می رود.

پس از شناسایی دردها باید به درمان آن پرداخت و هنگام درمان نیز باید با آن، برخوردی مناسب و منطقی داشت؛ زیرا نداشتن برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به کج روی های گوناگون از جمله کج فکری می کشاند و ممکن است آنان را به دامن مکتب ها و اندیشه های الحادی بکشاند.

استاد مطهری یکی از عوامل گرایش نسل جوان به مکتب های الحادی (در مسیحیّت یا جوامع اسلامی) را پاسخ غیر منطقی و نامعقول به نیازها و پرسش های این نسل و برخوردهای منفی با آنان می داند. از این رو، بر این باور است که نباید آنان را از خود برانیم، بلکه باید بکوشیم برای پرسش های دینی و نیازهای اساسی آنان، پاسخ های معقول، منطقی و

۱- والدین و تربیت نسل جوان، صص ۳۰ _ ۳۱.

۲- والدین و تربیت نسل جوان، ص ۳۲.

حقیقی بیابیم. «فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت این نسل، هرگونه اقدامی بی مورد است. پس از شناخت درد باید به فکر درمان و چاره بود. اتّفاقا دیگران از راه شناختن نیازها، آرمان ها و دردهای این نسل و پاسخ درست به آن ها، آنان را منحرف کرده اند؛ مانند مکتب ماتریالیسم در ایران».(۱)

به گفته ایشان «ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه لای افکار و عقاید آنان باید جُست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر فوق العاده نیازمند است».(۲)

استاد مطهری، زایش و پیدایش پرسش های جدید و نیازهای تازه را نشانه کج روی و انحطاط و زاییده هوس ها و شهوت های نسل جوان نمی داند، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می شمارد. البته به شرط آن که اندیشمندان دینی به وظیفه خود در پاسخ گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند. شاید به همین دلیل، استاد مطهری، خود، هیچ اندیشه و اندیشمندی را تکفیر و طرد نکرد، بلکه همواره آنان را به مناظره و مباحثه فرا می خواند و دیگران را پیوسته به این روش عقلانی سفارش می کرد.(۳)

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

اشاره

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

زیر فصل ها

۱. درک نکردن روحیه جوان

۲. الگوهای نامناسب

۳. تضاد در روش تربیتی

۴. فاصله طبقاتی

۵. کم توجّهی خانواده ها

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

۷. استفاده ابزاری از دین

۸. تهاجم فرهنگی

۹. کم توجهی به مشکلات

۱۰. تساهل و تسامح

۱. درک نکردن روحیه جوان

۱. درک نکردن روحیه جوان

ما جوانان و نیازهای آنان را نمی شناسیم. بیشتر جوانان افرادی سرگردان اند. به گونه ای که نتوانسته اند راه خود را برگزینند و تضاد در

۱- ده گفتار، مرتضی مطهری، صص ۱۸۳ _ ۱۸۷.

۲- مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۱۳.

۳- استاد مطهری در گذر اندیشه ها، علی باقی نصرآبادی، ص ۵۹.

درون آن ها غوغا می کند. این افراد که دوران کودکی را پشت سر نهاده و هنوز به بزرگ سالی نرسیده اند، در برزخ به سر می برند. اگر ما بتوانیم روحیه جوان را بشناسیم، باید برنامه های خانه، مدرسه و اجتماع را بر اساس آن روحیه تنظیم کنیم؛ چون در غیر این صورت، با واکنش منفی وی روبه رو خواهیم بود.

به عنوان مثال، اگر خانواده ای با دختر یا پسر جوان ۱۷ _ ۱۸ ساله اش، همان برخوردی را داشته باشد که در سن ۷ _ ۸ سالگی داشته است و کوچک شمردن و توهین های پیشین را در حق آنان روا دارد، آن نوجوان یا جوان به دلیل غرور و تحمّل ناپذیری این برخوردها، از خانه فراری می شود و به خیابان ها پناه می برد. اگر پدر و مادر نتوانند در خانه خود برای نوجوانان و جوانان محیط گرمی فراهم کنند، آنان نسبت به پدر و مادر بیگانه می شوند و این مسأله، زمینه را برای جوانان فراهم می سازد. به همین دلیل، برای پی بردن به روحیه آنان باید آگاهی کافی داشت و نباید روحیه جوانان را با معیارهای خود سنجید، بلکه باید خود را به سطح فکری آنان بُرد و بررسی و ارزیابی کرد.

۲. الگوهای نامناسب

۲. الگوهای نامناسب

مسأله دیگر، کارهای ناشایست کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان ها توجّه می کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل انحراف جوانان می گردد. جوان هنوز پختگی لازم را ندارد و به آن حد از شناخت نرسیده است تا حساب ها را از هم جدا کند و لغزش افراد را به حساب خود آن ها بگذارد نه دین و مذهب شان. به همین دلیل، به محض دیدن خلاف و اشتباه در کارهای الگوها، آن را به حساب دین و حکومت دینی می گذارد و با فرو ریختن یک باره تمام دیدگاه ها و

آرزوهایش به همه چیز بـدبین می شود. از این رو، گفته انـد لغزش الگو خطرناک ترین وضع برای نسل جوان است. البته برای افرادی که دین و آموزه های مذهبی کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسایل دشواری ایجاد نمی کند؛ زیرا آنان می دانند که هر شخصـی ممکن است دچار خطا و اشـتباه گردد. شایـد هم هوای نفس بر شـخص غالب شود و کارهایی را بر خلاف دین و مـذهب انجام دهـد که کارهای چنین فردی را نبایـد به حساب دین او گـذارد. در مقابل، جوانی که تازه به دین روی آورده و بـدان معتقد شده است و در این راه از الگوهای مذهبی پیروی می کند، کارهای ناشایست الگوها را به حساب دین می گذارد و کارهای شخص الگو را تمام دین قلمداد می کند.

در این مورد می توان گفت که الگوهـای زنـده و مشهور بایـد در مورد هـدایت نسل نو، احساس مسؤولیّت بیشتری کننـد. هم چنین توجه به اصالت دین جدا از کارهای دین داران باید به نسل جوان، تفهیم شود.

۳. تضاد در روش تربیتی

۳. تضاد در روش تربیتی

تربیـت در هر یـک از محیـط هـای خـانواده، آموزشـگاه و جـامعه بـه گـونه ای اسـت که جـوان در گزینش هر یـک از آن ها سر گردان می شود. در روان شناسی بحثی به نام یادگیری های شرطی است که بازتاب شرطی دارد.

در این مورد، دو صـندوق همسـان درست کردنـد؛ هریـک دری داشت که بـا چرخانـدن دسـتگیره ای باز می شـد. در یکی از صنـدوق ها، مقـداری گوشت قرار دادند و صـندوق دیگر را به برق ضـعیفی متّصل کردند. وقتی گربه ای را رها کردند که به سراغ صـندوق ها برود، گربه در تماس با صـندوق برق دار، به دلیل برق گرفتگی فرار کرد و به سوی صـندوق دیگر رفت و با چرخاندن دستگیره، در آن را گشود و گوشت را خورد. این

عمل هر روز در ساعت معیّنی انجام می گرفت و گربه عادت کرد که پیاپی و همیشه به سراغ صندوقی برود که گوشت دارد و گوشت های داخل آن را بخورد. روزی بدون اطّلاع گربه، جای صندوق ها را عوض کردند. گربه به محض ورود، به عادت همیشگی، به سراغ صندوقچه ای رفت که هر روز درون آن گوشت بود، ولی ناگهان دچار برق گرفتگی شد و فرار کرد. سپس می خواست به سراغ صندوق دیگر برود، ولی چون از آن صندوق نیز از پیش خاطره بدی داشت، دچار هیجان و سردرگمی شد و راه فرار را در پیش گرفت.

با استفاده از این گونه آزمایش ها، درباره مسأله تربیت می توان گفت: اگر انسان در انتخاب و یادگیری ها دچار تضاد شود، تعادل روانی اش را از دست می دهد و به حالت های گیج کننده و ناهنجار روی می آورد.

وقتی شیوه تربیت خانه، مدرسه و جامعه باهم متفاوت و متضاد باشد، افراد به ویژه نسل جوان، دچار تردید و سردرگمی می شوند. مثلاً ـ اگر پدر و مادر در منزل همواره از مال و ثروت و تجمّلات صحبت کنند و آن ها را معیار بدانند و برعکس، آموزگاران در مدرسه از معنویات بگویند و ارزش را در فضیلت و تقوا بدانند نه مال و ثروت؛ چنین فردی به دلیل این که به هر دو محیط علاقه مند است نمی تواند راه درست را انتخاب کند. در نتیجه، در حالت سردرگمی و گیجی، می ماند که وضع بسیار خطرناکی است.

از این رو، باید کوشید تا نظام پرورشی در محیط های خانه، مدرسه و جامعه یکسان عمل کنند و در یک جهت قرار گیرند.

۴. فاصله طبقاتی

۴. فاصله طبقاتی

اسلام، اقتصاد را زیر بنا نمی داند و در این مسأله نیز شکی نیست که

اخلاق، معنویات، علم، اراده و تصمیم خود فرد است که می توانـد زیر بنا قرار گیرد، ولی در عین حال، نقش اقتصاد را نمی توان نادیده گرفت. اگر خانواده ای از کم ترین میزان رفاه برخوردار نباشد، ممکن است فرزندان این خانواده حالت سرکشی، شورش، نگرانی و ناهنجاری داشته باشند. در این میان، وظیفه ثروتمندان جامعه سنگین تر است. حضرت علی علیه السلام به جابر می فرماید:

یا جابر! قِوامُ الدّین و الدُنیا بِأَربَعَهٍ: عالِمِ مُسْتَعْمِلٍ عِلمَهُ و جاهِلٍ لا یَسْتنکِفُ اَنْ یَتَعَلَّمَ و جوادٍ لا یَبْخَلُ بمعرُوفِه و فقیرٍ لا یَبیعُ آخِرَتَهُ بدنیاهُ.(۱) فاذا ضَیَّعَ العالِمُ عِلمَهُ استنکَفَ الجاهلُ اَن یَتَعَلَّمَ و اذا بَخَل الْغَنِی بِمَعروفه، باعَ الفقیرُ آخِرَتَهُ بِدُنیاهُ.

ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: دانشمندی که به علم خود عمل کند؛ نادانی که از یادگیری کوتاهی نکند؛ ثروت مندی که در بذل و بخشش بخل نورزد؛ تهی دستی که آخرتش را به دنیایش نفروشد. پس اگر عالِمی از بخشیدن علم خودداری کرد، جاهل دیگر در پی یادگیری نمی رود. اگر ثروتمند هم بخل بورزد و به تهی دستان کمک نکند، فقیر و بی نوا [نیز برای رفع نیاز زندگی]، آخرتش را به دنیایش خواهد فروخت.

بنابراین، در مسایل اقتصادی، هر کس باید در حدّ توان خود به یاری دیگران بشتابد تا آنان در دشواری های فقر و تنگ دستی، دچار بن بست نشوند و خدای ناکرده به شیوه های ناهنجار اخلاقی گرایش نیابند.

۵. کم توجّهی خانواده ها

۵. کم توجّهی خانواده ها

از میان مهم ترین عوامل بیرونی در ناهنجاری نوجوانان و جوانان، به کم توجهی یا بی توجهی برخی خانواده ها به تربیت دینی فرزندانشان

۱- نهج البلاغه، قصارالحکم، ح ۳۶۴.

می توان اشاره کرد. امروزه مشکلات خانواده ها به ویژه تنگنای معیشتی از یک سو و سستی و اهمیت ندادن برخی خانواده ها از سوی دیگر، نقش خانواده را در تربیت فرزندان کم رنگ کرده است. چه بسا پدرانی که از نداشتن تغذیه و لباس مناسب فرزندان خویش ناراحت می شوند، ولی از دروغ گویی، اعتیاد، بی هویتی شخصیت فرزند و بزه کاری او ناراحت نیستند. چه پدرانی که تمام هم و غمشان، درآمد و تجارت، حفظ مقام و ریاست و خوش گذرانی و سیاحت است، در حالی که فرزندانشان در آتش گمراهی و منجلاب بی هویتی گرفتارند و دیر یا زود شعله های آتش انحراف، آنان را به کام خود فرو می برد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

وای بر فرزندان آخرالزمان از رفتار ناپسند پدرانشان. گفتند: یا رسول اللّه ! پدران مشرکشان؟ فرمود: خیر، [بلکه] پدران مسلمان که چیزی از واجبات و معارف دینی را به فرزندانشان نمی آموزند و اگر هم خودشان بخواهند یاد بگیرند، آنان را باز می دارند.(۱)

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

دیگر عامل مهم در گرایش نسل جوان به فرهنگ بیگانه، ضعف و ناکارآمدی کانون های دینی و مذهبی است. آیا به راستی مراکز دینی آن گونه که بایسته است، به رسالت خویش عمل کرده اند؟ آیا پس از انقلاب شکوه مند اسلامی، کانون های دینی متناسب با نیازهای نسل جوان و نوجوان گام برداشته اند؟ آیا مراکزی برای سنجش نیازهای دینی و طبقه بندی و رسیدگی به آن ها تشکیل شده است؟ چند درصد از مراکز پژوهشی به پژوهش درباره مسایل تربیتی و ناهنجاری جوانان پرداخته اند

۱- مستدرک الوسائل، میرزاحسین نوری طبرسی، ج ۲، ص ۶۲۵.

و چه کارهایی در این زمینه ها صورت گرفته است؟!(۱)

۷. استفاده ابزاری از دین

۷. استفاده ابزاری از دین

عامل آسیب زای دیگر، برداشت های سست و نادرست و عرضه نامناسب دین است؛ برداشت ها و تفسیرهای نادرست از دین گاه از سوی کسانی است که بدون داشتن شناخت کافی از دین، در تفسیر و تبلیغ دین دخالت می کنند. گاهی این برداشت نادرست از سوی کانون های دینی است که به ظاهر با معارف دینی آشنایند و داعیه دین داری دارند، ولی در عمل، برخی احتیاط های نابه جا و برداشت های نادرست و خشک از دین ارایه می دهند که در حقیقت، گوهر دین از آن ها دور است. تأسف آورتر این که حتی گاهی از کانون ها و مراکز دینی، استفاده ابزاری صورت می گیرد و برخی قلم به دستان و مطبوعاتیان از آن برای رسیدن به مقاصد سیاسی خویش بهره می جویند.(۲)

۸. تهاجم فرهنگی

۸. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از واقعیت های مسلّم جامعه ماست. امروزه با گسترش فن آوری اطلاع رسانی، تهاجم فرهنگی به مسأله ای جهانی تبدیل شده و حتی رهبران و حاکمان کشورهای غیر اسلامی با پذیرش این واقعیت در صدد چاره اندیشی و مقابله با آن بر آمده اند.

البته این واقعیّت در کشور ما، جنبه ها و جلوه های بیشتری دارد. انقلاب اسلامی ایران، با طرح اندیشه های جدیدی مانند: مردم سالاری دینی، تجربه جدیدی را در سطح سیاست جهانی عرضه کرده است، و به همین دلیل بیش از دیگر کشورها و نظام های حکومتی، مورد تهاجم فرهنگی قرار گرفته است. در این تهاجم که در جنبه های گسترده و به

۱- تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ص ۱۷۴.

۲- تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ص ۱۷۵.

شیوه هـای گونـاگونی تحقق می پـذیرد، نوجوانان و جوانان، مهم ترین هـدف تهاجم و آسـیب پـذیرترین قشـر جامعه هسـتند. امروزه شـبهه افکنی و شـبهه سـازی در حوزه فرهنگ دینی و ناکارآمـد معرفی کردن نظام، یکی از پر خطرترین جلوه های این تهاجم فرهنگی است.

۹. کم توجهی به مشکلات

۹. کم توجهی به مشکلات

دشواری هـای ویژه جوانـان، نخستین مشـکل نظـام هـای حکومتی است و نـدادن پاسـخِ به هنگـام و کامل به آن ها، سرچشـمه بسـیاری از گرفتـاری های دیگر خواهدشـد. در جامعه ای که نظام حکومتی دینی و اسـلامی دارد، این مشـکلات پی آمـدهای خاصـی دارد. از مهم ترین پی آمدهای این مسأله آن است که این گرفتاری ها را به حساب نظامی اسلامی و دست اندر کاران و حاکمـان آن بگذارنـد. صـرف نظر از نکته بالاـ وجود برخی مشـکلات، زمینه سـاز انحراف و بزه کـاری است؛ بی کـاری و نداشـتن توان مـالی برای ازدواج، همه مایه انحراف است. جوانی که در آتش غریزه جنسـی می سوزد یا جوانی که به دلیل بی کاری، در ناامیدی به سر می برد، دست به هر کار ناشایستی خواهد زد.

بـه دلیـل همین پی آمـدهای نـاگوار است که دین عقلاـنی و حکمت مـدار اسـلام، در کنـار مسایـل معنـوی، بر امـور مـادی و اقتصادی تأکید می کند و فقر و تنگ دستی را مایه کفر(۱) می شمارد.(۲)

۱۰. تساهل و تسامح

۱۰. تساهل و تسامح

تساهل و تسامح برخی خواص (که در غفلت، جهل یا تأثیرپذیری از جریان روشن فکری افراطی ریشه دارد) در سال های اخیر سبب شـده است که رونـد اسـتحاله فرهنگی انقلاب شـتاب بگیرد. هواداران نظریه تساهل و تسامـح که گاه ممکن است آن را نقابی برای خود کرده باشند،

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲- تربیت اسلامی، ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، ص ۱۷۶.

خود آگاه یا ناخودآگاه زمینه پیروزی استراتژی نفوذ و استحاله را فراهم ساخته اند.

یکی از عناصر ارتجاع روشن فکری و عضو تشکیلات فراماسونری در ماهنامه پَر وابسته به بنیاد پَر که در امریکا منتشر می شود، چنین می نویسد: «در نتیجه این تساهل حکومت، نشریاتی چون آدینه، مفید، چیستا و گردون به بازار آمدند».(۱) به استناد همین سخن می توان گفت بیشترین تسامح و تساهل، در حوزه انتشارات صورت گرفته است. بنابراین، منتقدان به نظریه تسامح و تساهل در عمل باعث شده اند که، راه برای هجوم به دین و ارزش های دینی و انقلابی هموار گردد.(۲)

نظریه تسامح و تساهل نخست در حوزه دین و فرهنگ سپس در حوزه سیاست ظهور کرد و به پیدایش مُدارای سیاسی انجامید. به موجب این نظر، افراد جامعه و دولت نباید در فعالیت ها یا باورهای دیگران مداخله کنند یا در برابر رفتارها و ایده های دیگران، حساسیت اخلاقی و اعتقادی از خود نشان دهند. هر چند این رفتارها از نظر آنان نادرست، غیر اخلاقی و گمراه کننده باشد.

این امر با مبانی اسلام به ویژه امر به معروف و نهی از منکر تضاد دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

کُلُّکُمْ راعٍ و کلُّکُمْ مسئولٌ عَنَ رَعِیَّتِهِ.(۳)

همه شما (نسبت به دین و جامعه) نگهبانید و همه شما نسبت به آن چه نگهبانید، مسؤولیت دارید.

مُدارا، تسامح و تساهل را جان لاک؛ فیلسوف انگلیسی در سال

۱- نفوذ و استحاله، ص ۸۷.

۲- نفوذ و استحاله، ص ۸۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۶۸۵م. در رساله ای با عنوان مکتوبی در باب تساهل و مدارا مطرح کرد. به گفته وی، دولت، کلیسا و افراد جامعه نباید در کارهای یکدیگر مداخله کنند. از همین زمان، کثرت گرایی دینی (پلورالیزم دینی) و جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) معنا و مفهومی جدّی تر به خود گرفت. به یقین با پذیرش سکولاریسم؛ تسامح و تساهل در حوزه دین و فرهنگ، به تسامح و تساهل در حوزه سیاست می انجامد. متأسّفانه فریب خوردگان و تجدّد طلبان دینی با برداشت نادرست از احادیث نبوی می کوشند این نظریه را به حوزه فرهنگ و اندیشه وارد کنند و بدین ترتیب، هجوم واپس گرایان را به دین و ارزش های دینی توجیه کنند. هواداران تسامح و تساهل دانسته یا ندانسته به غیرت و تعصب دینی جوانان و مردم تعرض می کنند؛ غافل از آن که روحیه دفاع از دین در فرهنگ عاشورایی ریشه دارد و یکی از دلایل مهم دوام مکتب تشیّع در طول تاریخ، همین غیرت و تعصّب دینی مردم بوده است. بنابراین، تسامح و تساهل در حوزه فرهنگ و اندیشه که از سوی گروهی از خواص صورت می پذیرد، در حقیقت زمینه سازی برای استراتژی نفوذ و استحاله انقلاب اسلامی است.(۱)

عوامل دین گریزی

عوامل دین گریزی

دین گریزی گروهی از جوانان ــ به ویژه طیفی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب است ــ باید حکومت، دست اندرکاران آموزش و پرورش، رسانه ها، خانواده ها و عالمان دینی را به چاره اندیشی وادارد. دین گریزی تنها معلول تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست، بلکه علت های گونه گونی دارد. تا این علت ها به صورت واقع بینانه و درست،

۱- نفوذ و استحاله، ص ۸۹.

آسیب شناسی نشود، معلول هم چنان باقی خواهد ماند و مانند بیماری تمام اعضای جامعه را افسرده و رنجور خواهد ساخت. در این جا، به برخی از این علت ها اشاره می کنیم:

۱ ــ بیان نامعقول برخی از مفاهیم دینی.

۲ ــ عملی نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه با وجود شعارهای فراوان.

۳ ــ توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان هم چون: ازدواج، کار و مسکن.

۴ ــ استفاده ابزاری از دین به دست برخی سیاست بازان برای منافع شخصی و گروهی.

۵ ــ نبود برنامه ریزی درست فرهنگی برای نسل جوان.

۶ ــ تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی برای انحراف نسل جوان.

در اهمیّت جایگاه و نقش جوانان در پویایی و تداوم حیات اجتماعی جامعه نباید تردید کرد. تلاش و تکاپوی فکری و عملی نسل جوان می تواند معجزه آفرین باشد؛ چنان که در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدّس شاهد آن بودیم. بر عکس، سستی و انحراف نسل جوان می تواند پایه های یک تمدن دیرپای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دینی را فرو ریزد. پس بر اندیشمندان دینی و حکومت لازم است که به گونه ای شایسته و بایسته برای هدایت و رهبری نسل جوان برنامه ریزی کنند و عوامل انحراف و دین گریزی و موانع رشد آنان را برطرف سازند.

وظیفه و مسؤولیت هدایت و رهبری نسل جوان، مسؤولیّتی همگانی

است: «کُلُّکُم راعٍ و کُلُّکُمْ مَسئول عَنْ رَعِیَّتِهِ»،(۱) ولی این مسؤولیت بیش از همه بر دوش فرهیختگان جامعه، مانند: عالمان دینی، استادان دانشگاه ها و آموزش و پرورش، نویسندگان، هنرمندان و حکومت دینی سنگینی می کند.(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- معرفت دینی از دیدگاه شهیدمطهری، علی دژاکام، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی، ص ۸۱.

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی

امروزه، سلطه گران جهانی پس از سال ها تجربه در چپاول و غارت، به خوبی پی برده اند که برای تداوم سلطه، باید روش های گوناگون و جدیدتری به کار گیرند. از این رو، به شیوه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی روی آورده اند و با نفوذ در فرهنگ کشورهای دیگر به ویژه کشورهای اسلامی می کوشند مردم را متقاعد سازند که معیارها و ارزش های ارایه شده از سوی آنان، همان خواسته ملّت ها و متناسب با جایگاه والای انسان متمدّن و پیشرفته است.

کشور اسلامی ما نیز از جمله کشورهایی است که آماج این یورش فرهنگی بوده و هست. گرچه تهاجم فرهنگی استکبار جهانی به ایران، پیشینه ای دراز دارد، ولی تحول بخش فرهنگی در جامعه ایران، به طور مشخص از زمان رضاخان آغاز شد. این حرکت شوم که برای اجرای اصول دیکته شده استعمارگران با خشونت وحشیانه ای همراه بود، نقطه عطفی در مبارزه با فرهنگ پر بار اسلام به شمار می آید.

مبارزه با حجاب و ترویج بی حجابی، جلوگیری از برگزاری مجالس مذهبی و سوگواری اهل بیت علیهم السلام ، در انزوا قرار دادن روحانیت و خلع لباس آنان، برگزاری مراسم های سیاسی به شیوه غربیان، بستن مدرسه های علوم دینی و... اموری بود که استبداد رضاخانی برای استحاله

فرهنگی ایران از آن ها بهره جست.

با سقوط رضاخان و روی کار آمدن فرزند فاسد او همان دستورهای دیکته شده پیشین به صورت پیچیده تر و متفاوت تر از گذشته به اجرا درآمد. عوامل استکبار این بار در کنار غیر عقلانی جلوه دادن ارزش های ملّی ـ اسلامی، از سیاست نرمش با مخالفان بهره جستند و برای گسترش فرهنگ تحمیلی و وارداتی خود، به راه اندازی و گسترش تفریح گاه ها، روزنامه ها، مجله ها، رادیو و تلویزیون، مدارس، دانشگاه ها، کاباره ها، دانسینگ ها و دیگر مراکز تأثیرگذار بر فرهنگ مردم پرداختند. این بار احساس خطر مردم به اندازه ای بود که مقاومت، بیداری و خیزش مردم مسلمان ایران را در پی داشت و سرانجام، به سرنگونی و فروپاشی حکومت پهلوی انجامید.

استکبار جهانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل از دست دادن منافع خود و با هدف از میان بردن آرمان های اسلامی و نیروهای انقلابی، از شیوه های گوناگونی هم چون: محاصره اقتصادی، سیاسی، نظامی و انواع شیوه های فشار و ترس و تهدید استفاده کرد. هنگامی که هیچ کدام از این راه ها نتوانست دشمن را در رسیدن به اهداف پلیدش یاری کند، تهاجم فرهنگی را به عنوان تنها راه کارساز، در دستور کار خود قرار داد. البته در طول سال های پر التهاب جنگ تحمیلی، به سبب شور و هیجان موجود و فضای معنوی حاکم بر جامعه که در پرتو فداکاری ها و حماسه آفرینی های رزمندگان اسلام به وجود آمده بود، دشمن در این زمینه نیز همانند جبهه نظامی توفیقی نداشت. پس از گذشت چندین سال از پیروزی انقلاب ـ به ویژه پس از فروکش کردن بحران جنگ، دشمن فرهنگی بار دیگر به درون مرزها راه یافت و آثار آن

در خیابان ها، اداره ها، روزنامه ها، مجله ها و بوتیک ها در شکل کالاهای لوکس مصرفی، محموله های مواد مخدر، مدل های مبتذل لباس، الگوهای مصرف غربی، تحلیل های نادرست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، طرح های هنری، فیلم ها، نمایش نامه ها، کلوپ های فساد و بی بند و باری و ده ها برنامه فسادانگیز دیگر ظاهر شد.(۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه ای در این باره می فرماید:

دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی شود از بین برد. محاسبه قبلی آن ها غلط از آب درآمده بود. همین طور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود کاری کرد ... لذا فهمیدند که باید عقبه ما را بمباران کنند ... عقبه ما در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود. منطقه عقبه ما عبارت از اخلاق اسلامی، توکّل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام بود.(۲)

شیوه هایی که فرهنگ سلطه گر جهانی برای به دام انداختن ملّت های مستضعف جهان به کار گرفته، بسیار گوناگون است. در این جا به عنوان نمونه، به برخی از مهم ترین این شیوه ها اشاره می کنیم:

۱ _ تربیت دست آموزها

۱ _ تربیت دست آموزها

سیاست مداران، استادان دانشگاه، دانشجویانِ درس خوانده در غرب، بازرگانان، اهل قلم، هنرمندان و شاعران می توانند بهترین عوامل برای نفوذ و نشر فرهنگ بیگانه باشند. اینان اگر از هویت فرهنگی _ ملّی خود بیگانه شده و به مهره های ساخته و پرداخته استعمار تبدیل گردند، با زبان

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۱۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۵.

و قلم خویش و با بهترین شیوه می کوشند فرهنگ مبتذل غرب را جای گزین فرهنگ ملّی و بومی خود سازند. آنان هم چنان که خودشان شیفته بی بند و باری های فرهنگ بیگانه شده اند، تلاش خواهند کرد ملّت خود را نیز از ارزش های فرهنگ خودی تهی کنند و گرفتار جلوه های فرهنگ و تمدن غرب سازند. در این میان، آنان که دوره های آموزشی و تخصّصی خود را در غرب گذرانده اند و اکنون به عنوان استاد دانشگاه و متخصّص به کشور خود باز می گردند، می توانند این نقش ویرانگر فرهنگی را به بهترین وجه ایفا کنند.(۱) مگر آن که پیش از آن، در پای بندی به فرهنگ دینی و ملّی خود استوار و وارسته باشند. ژان پل سارتر؛ فیلسوف و سیاست مدار فرانسوی در مقدمه خود بر کتاب دوزخیان روی زمین نوشته فرانتس فانون، می نویسد:

نخبگان اروپا به ساختن و پرداختن بومیان نخبه دست یازیدند؛ جوان هایی را برگزیدند و داغ اصول فرهنگ و تمدّن غربی را بر پیشانی آنان زدند و دهانشان را از حرف های گنده خمیرمانند و دندان چسب، پر کردند و پس از یک اقامت کوتاه در «متروپل قلب شده»روانه وطنشان ساختند.(۲)

با کمال تأسف، کشور ما نیز از افراد وابسته و دل بسته به غرب خالی نبوده و نیست؛ زیرا پیش از انقلاب اسلامی، افراد درس خوانده در داخل و خارج کشور _ که داعیه روشن فکری داشتند _ به گونه ای تربیت می شدند که فرهنگ غرب را بهترین و کامل ترین فرهنگ ها بپندارند. تقی زاده یکی از این دست آموزان بیگانه پرست عصر مشروطیت در مجله

۱- تحلیل استعمار فرهنگی، محمدعلی جاودان، ص ۳۳ با گزینش.

۲- دوزخیان روی زمین، فرانتس فانون، برگرفته از: مقدمه سارتر، ص ۲.

کاوه می نویسد:

... سه چیز است که هرچه درباره شدت لزوم آن مبالغه شود، کم تر از حقیقت گفته شده است: قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و زندگانی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا ... و خلاصه این که ایران باید ظاهرا، باطنا، جسما و روحا فرنگی مآب شود و بس.(۱)

۲ _ ترویج الگوهای غربی

۲ _ ترویج الگوهای غربی

کارکرد اساسی تحمیل فرهنگ و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که ملّت های زیرسلطه، شخصیت اصلی شان را از دست دهند و در خدمت کشور استعمارگر درآیند؛ آن هم به گونه ای که اصول تفکّر و فرهنگ بیگانه را به صورت بهترین ارمغان بپذیرد و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بدانند. به دیگر سخن، کورکورانه به برتری بی چون و چرای فرهنگ بیگانه گردن نهند.(۲)

بر همین اساس، استعمار با ارایه الگوهایی برای افراد دیگر جامعه ها، در راه نهادینه کردن وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملت های استعمار شده، فرهنگ اصیل خویش را رها کنند و شیفته فرهنگ او شوند.

چرا مدهای گوناگون پوشش، آرایش، دکوراسیون و تزیین خانه ها، ویلاها، باغ ها و گلخانه ها و مدل های پیشرفته و لوکس خودروهای غربی برای کشورهای زیرسلطه، فریبنده است؟ باید گفت فرهنگ غرب،

۱- تاریخ ادبی ایران، ادوارد براون، برگردان: رشید یاسمی، ج ۳، صص ۳۴۰ _ ۳۴۱.
۲- تحلیل استعمار فرهنگی، ص ۱۲.

این نوع جنس هـای لوکس و تجمّلی را در کتـاب هـا، مجلّه ها، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، کلاس های درس و رسانه های گروهی آن چنـان زیبـا جلوه می دهـد که آمـال و آرزوهـای نوجوانـان و جوانان و زنان و مردان از خود بیگانه و غرب زده را برآورده کنـد. بر اساس این انـدیشه و فرهنگ تحمیلی، یک زن هر چنـد از نیکویی صورت و سـیرت برخوردار باشد، تنها آن گاه زیباست که سر تا پا در آرایش به شیوه غربی غرق باشد.(۱)

۳ _ تضعیف باورهای دینی

۳ _ تضعیف باورهای دینی

جوانان، سازنـدگان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بپرورانند، هدایت گران جامعه خواهنـد شد. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ متعالی و پویای اسـلام درهم آمیزد، به بار خواهد نشـست و همگان از نتیجه های آن بهره مند خواهند شد. دشـمنان اسلام با آگاهی از این مهم، باورهای اسلامی را در تیررس یورش خود قرار داده اند و می کوشـند از هر راهی، باورهـای مـذهبی جوانـان را سـست و کم رنگ کننـد؛ زیرا با وجود فرهنگ اسـلامی _ که با فطرت انسانی به ویژه فطرت بی آلایش جوانان سازگار است _ جای هیچ گونه نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای از این توطئه شوم این گونه نقاب بر گرفته است:

یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را از پای بندی های متعصبانه به ایمان _ همان چیزی که یک تمدن را نگه می دارد _ منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن های گذشته

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۱۵.

در «انـدلس» [اسپانیای فعلی] کردند. جوان ها را ریختند در عالم فساد، شـهوت رانی و می گساری. این کارها در حال حاضـر دارد انجام می گیرد.(۱)

لجام گسیختگی و شهوت رانی در میان جوانان از رایج ترین و شایـد آسان ترین روش های به تباهی کشیدن این قشر مهم جامعه باشد. استکبار جهانی برای این منظور کوشیده است از روش های گوناگون مانند: به کارگیری ماهواره، پخش نوارها و سی دی های صوتی ـ تصویری، عکس های مبتذل، کتاب و مجله و ... بهره جوید.

رفتار انسان محصول اندیشه و بینش اوست و مجموعه جهان بینی ها، اندیشه و رفتار آدمیان را شکل می دهند. به دیگر سخن، هر فردی بر اساس جهان بینی و باورهای دینی خویش رفتار می کند.

ای برادر تو همه اندیشه ای

ما بقی خود استخوان و ریشه ای

غرب با القای شبهه های عقیدتی، بزرگ نمایی مشکلات فکری، غافل ساختن نسل جوان از مبانی استدلالی و منطقی، ترویج سطحی نگری و واپس گرایی و در نتیجه، آسیب پذیر ساختن جوان از نظر عقیدتی، در تلاش است تا ساحت مقدس اسلام را خدشه دار کند و این مکتب را در پاسخ گویی به نیازهای فکری و فرهنگی نسل جوان در عصر حاضر، ناتوان جلوه دهد.(۲)

۴ ـ تخریب و ترور شخصیّت های خودی

۴ ـ تخریب و ترور شخصیّت های خودی

قهرمانان و شخصیّت های واقعی هر ملّت، از عوامل پویایی و بالنـدگی آن ملّت انـد. آنان چون قله های بلند در جامعه خویش می درخشند و

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۱.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۴۲.

نسل های جدید را به تلاش و کوشش فرا می خوانند. دشمنان با گستردن دام های گوناگون، برای تخریب چهره آنان می کوشند و در صورت موفق نبودن در این راه، با شایعه افکنی و دروغ سازی، به ترور شخصیّت افراد تأثیرگذار در جامعه می پردازند. سرانجام، در صورت نتیجه ندادن همه حربه های آزموده شده، دست خود را به خون پاک اندیشمندان و مجاهدان ملّت آغشته می سازند.

تاریخ شکوه مند انقلاب اسلامی نمونه های فراوانی از این گونه ترفندها و دشمنی ها را به خود دیده است.(۱)

۵ _ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب

۵ _ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب

امروز واژه دموکراسی بیش از هر زمان دیگری بر سر زبان هاست. باید گفت ترویج بی بند و باری، هم جنس بازی و روابط جنسی نامشروع و صدها فساد دیگر در پرتو دموکراسی یکی از شیوه های تهاجم فرهنگی استکبار علیه کشورهاست. هم چنین جهان غرب با تبلیغ این که زن باید از هر بندی آزاد باشد، می کوشد فساد و هرزگی را در جامعه گسترش دهد. بدین منظور، از روش های گوناگونی هم چون انتشار کتاب ها، فیلم ها و عکس های خلاف عفّت سود می جوید. برگزاری مراسم های ویژه برای انتخاب ملکه زیبایی در همین راستا برنامه ریزی می شود.(۲)

۶ _ به کارگیری مذهب علیه مذهب

۶ _ به کارگیری مذهب علیه مذهب

یکی از روش های دیرین دشمن برای گسترش سلطه خویش، استفاده از باورهای انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اسلام اصیل است. آنان می کوشند مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ستم ستیزی، عدالت گستری

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۴۵.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۰۹.

و فراهم آورنده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیر، انزواطلبی، ستم پذیری، واپس گرایی، رهبانیت و امری شخصی تبدیل کنند؛ یعنی به تعبیر امام خمینی رحمه الله ، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را به اسلام امریکایی مبدّل سازند.(۱)

تأکید بر اختلاف های مذهبی، تکیه کردن افراطی بر تفاوت های شیعه و سنّی، ترویج خرافه گرایی، ترویج مذهب های دروغین، تحریف مفاهیم والایی هم چون: انتظار، توکّل، دعا، قضا و قدر و تعبّد و نیز ارایه نظریه های ویرانگر گوناگون علیه مذهب همه در راستای این هدف شوم سازمان دهی و اجرا می شوند.

۷ _ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

۷ _ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

شیوه دیگر استکبار برای مخدوش ساختن فرهنگ ملّی کشورها، راه اندازی مطبوعات وابسته است. آنان با شعار آزادی مطبوعات می کوشند هر کشوری را که با آنان همراه نیست، مخالف آزادی مطبوعات جلوه دهند. این دروغ گویی استکبار با وجود انتشار صدها مجلّه و روزنامه در ایران، بی شرمی و گستاخی زیادی می خواهد. رهبر فرزانه انقلاب فرمود:

مزدوران قلم به دست، در نوشته هاشان دشنام و ناسزا می دهند تا ما را به جنگ مطبوعات بکشانند و بعد فریاد برآورند که در جمهوری اسلامی آزادی وجود ندارد؛ ولی ما فریب آن ها را نمی خوریم. در بحبوبه جنگ که کشورها آزادی مطبوعات را سلب می کنند، ما در ایران، آزادی مطبوعات داشتیم. امروز مطبوعات آزاد هستند، تا هر آن چه را که

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۰۹.

می خواهند بنویسند، ولی انتشار مطالب بی اساس نمی تواند آزادی مطبوعات را متزلزل کند.(۱)

البته مستکبران زیاده خواه غرب، شیوه های پست دیگری را نیز در این راه به کار می گیرند که فرصت بررسی بیشتر آن ها در این جا نیست.

۸ _ ایجاد گسست تاریخی

۸ _ ایجاد گسست تاریخی

گذشته هر ملّت چراغ راه آینده او است. ایجاد گسست میان گذشته و حال هر فرهنگی، سبب بی هویتی و آسیب پذیری جامعه می گردد. مهاجمان فرهنگی با تحریف و تخریب گذشته به ویژه تخریب گذشته اسلامی یک کشور، در راه بی هویت ساختن آن اجتماع گام بر می دارند.(۲)

در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی شرقیان، در پرتو فرهنگ آسمانی شان رقم می خورد. بدان معنا که غرب ما را با بحث های عرفانی و معارف الهی مان می شناسد. اگر امروزه غرب با فن آوری پیشرفته اش شناخته می شود، شرق نیز با معنویت و انسانیّت، اخلاق و عاطفه و فلسفه و حکمت متافیزیکی اش هویت می یابد. به همین دلیل امروزه سلطه گران غربی می کوشند تاریخ پرافتخار و ارزش های انسانی و معنوی ملّت ها را از میان ببرند.

دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ این سرزمین، به چشم خود دیده اند که هرجا پرچم آزادگی و مبارزه با ستم و استعمار برافراشته شده، قدرت دینی و ارزش های دینی حاکم بر جامعه پشتوانه آن بوده است و پرچمدار این گونه جنبش ها نیز عالمان دینی بوده اند. برای نمونه،

۱- تهاجم فرهنگی، ص ۱۲۷؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶/۱۱/۷۱.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۵۰.

وقتی غربیان در قضیّه تحریم تنباکو، قدرت و نفوذ فتوای آیت اللّه شیرازی رحمه الله را که از پشتوانه چند صد ساله دینی برخوردار بود، دیدند و در جریان مشروطه نیز مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت قیام کردند، به مقابله و ستیزه گری با دین پرداختند. سرانجام، در بزرگ ترین معجزه قرن؛ یعنی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ابرقدرت ها هراس تاریخی از تجلّی دین در عرصه های گوناگون را بار دیگر با تمام وجود احساس کردند.

بنابراین، ستیز استعمارگران غربی با دین و ایجاد گسست تاریخی در ایران، به ویژه تاریخ پرافتخار شیعه، از برنامه های همیشگی صهیونیسم بین الملل بوده است.

۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی

۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی

از دیگر شیوه های عملی دشمن برای نابودی فرهنگ ملی و دینی کشورها، ارایه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن به افراد جامعه است. آنان تنها به بُعد مادّی انسان می پردازند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را اگر از سرمایه های مادی بی بهره باشد، انسانی عقب مانده و نامتمدن می دانند، ولی انسان بی بند و بار، رفاه طلب، سودجو، ثروت اندوز، چپاولگر و بی دین را، انسانی متمدن معرفی می کنند.

بی توجّهی به آینده و بسنده کردن به زمان حال _ و به تعبیر فرهنگ قرآنی، تنها به فکر دنیا بودن _ از جمله معیارهایی است که نظام های استکباری برای انسان ترسیم می کنند و در نتیجه، باورها و اخلاق فردی و اجتماعی را از انسان ها می گیرند. در این صورت، هیچ اعتقادی به معاد

و آخرت در میان نخواهد بود و ارزش های اخلاقی و انسانی فدای زندگی مادّی و روزانه خواهد شد.(۱)

۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملّیتی

۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملّیتی

مستشاران خارجی اعم از نظامی و اقتصادی با هدایت دولت های خود، از عوامل گسترش غرب گرایی در دیگر کشورها بوده اند. مستشاران نظامی غرب در کشورهایی مانند ایرانِ پیش از انقلاب، با در دست گرفتن ارتش، مانع شکوفایی جنبش اسلامی و عامل مهم اجرای سیاست های غرب گرایانه دولت بودند. بر اساس گزارش سیاسی امریکا در سال ۱۹۷۵ م. شانزده هزار امریکایی در سازمان نیروهای مسلح ایران کار می کردند که تا پایان حکومت پهلوی، این رقم به پنجاه هزار نفر رسیده بود.

شرکت های اقتصادی خارجی نیز همان نقش را در جهان سوم بازی می کنند. مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۲۹، دلیل مخالفت خود را با به رسمیت شناختن قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس (که در سال ۱۳۱۲ امضا شده بود) چنین بیان می کند: «در دنیا، دو عامل قوی سرنوشت ممالک عقب افتاده را تعیین می کند: یکی پول و دیگری زور. شرکت نفت ایران و انگلیس که هر دو عامل را در اختیار دارد و در شؤون اجتماعی کشور رخنه کرده و مانع رشد ملّت ایران شده است و در مظاهر مختلف زندگی اجتماعی ایران، نفوذِ مخرّب شرکت، مشهود است. مثلاً در برنامه های درس و تعلیم و تربیت، در امور بهداشت، در اخلاق عمومی، در وضع مناطقی که شرکت در آن عمل می کند و خلاصه

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۰۴.

در تضعیف روحیه عمال دولت».(۱)

باید دانست چنین شرکت هایی در مدت طولانی اقامت خود در یک کشور، با شیوه های گوناگون، فرهنگ خود را که چیزی جز تباهی انسان و رو آوردن به مادیّات و دور شدن از اخلاق و معنویات نبوده به مردم القا می کردند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

وقتی اروپایی ها، تهاجم فرهنگی را به کشور شروع کردند، روحیه وقت شناسی، شجاعت، خطر کردن در مسایل و تجسّس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاورند و سعی نکردند تا با تعلیمات و تبلیغات، پیکره ملّت ایران یک ملّت دارای وجدان کار و وجدان علمی شود. آن ها فقط بی بند و باری جنسی را وارد کشور ما کردند.(۲)

۱۱ _ گسترش بی بند و باری

۱۱ _ گسترش بی بند و باری

پرورش روح انسانی بدون محدود کردن شهوت ها امکان پذیر نیست. اگر خواهش های نفسانی انسان عنان گسیخته باشد، همانند چارپایان می شود و برای رسیدن به کمال، رشد انسانی نخواهد داشت. از این رو، دین به ویژه اسلام برای ارضای شهوت ها، قاعده و حدود تعیین کرده است.

بر همین اساس، یکی از راه های مبارزه با دین در یک جامعه، عنان گسیختگی شهوت است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی ها در گذشته، در کشورهای اسلامی انجام دادند و جوانان را در فساد و می گساری غرق کردند.

چنان که در کتاب «نفوذ و استحاله» آمده است؛ همفر(۳) _ جاسوس انگلیسی درسرزمین های اسلامی _ در سال ۱۷۱۰ م در خاطرات خود که

۱- برداشت از: روزشمار تاریخ از مشروطیّت تا انقلاب اسلامی، باقر عاقلی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۱.

۳- Hamfer.

وزارت مستعمرات انگلیس آن را گردآوری کرده است، راه های نابودسازی مسلمانان را در ۲۳ بند خلاصه و تأکید می کند که بر اساس پیش بینی این رساله، پس از یک قرن، تنها نام اسلام در جهان بر جای خواهد ماند. موارد گفته شده در این رساله بدین قرار است: «ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوت رانی، ترغیب به زیر پا نهادن دستورهای اسلام و سرکشی از اوامر و نواهی آن، نفوذ در خانواده ها و تیره کردن روابط میان فرزندان و پدر و مادر به گونه ای که زیر بار تربیت و نصیحت آنان نروند و به سمت فرهنگ استعماری هدایت شوند تا در نهایت از حوزه نفوذ باورهای دینی خارج شوند و روابط آنان با عالمان دینی قطع گردد.»

رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه می فرماید:

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند.(۱)

۱۲ _ دور کردن مردم از هویّت ملی _ اسلامی

۱۲ _ دور کردن مردم از هویّت ملی _ اسلامی

میهن دوستی نه تنها نکوهیده نیست، بلکه می تواند سبب ایجاد باورهای مشخّص و مشترک شود و عامل شکل گیری و استحکام یک ملّت گردد. از همه مهم تر، این موضوع در هنگام خطر، مردم را برای دفاع از کیان خود و هویّت ملّی شان آماده می کند. علاقه به میهن می تواند مانع سلطه استعمارگران شود و حتی افکار عمومی را علیه آنان برانگیزاند.

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۳/۴/۷۱.

میهن دوستی در هنگام صلح نیز، عامل شکوفایی و رشد اقتصادی خواهدبود.

بی تردید، در دوران شکل گیری نهضت اسلامی ایران، یکی از عوامل انزجار و خشم مردم از رژیم منحوس پهلوی، تلاش رژیم برای بی هویّت کردن ملّت و خوار شمردن هویّت ملّی مردم بود.

برای مثال، پرداخت حق توحّش به امریکا از سوی رژیم شاه، خوار شمردن هویّت ملّی و فرهنگی ایرانیان بود که مردم نمی توانستند آن را تحمل کنند.

هویت ملی ما

هویت ملی ما در حقیقت، آمیزه ای از هویت ایرانی و اسلامی است. وطن دوستی بخشی از آموزه ها و دستورهای دینی به شمار می رود که همین آموزه ها به استقلال، سرافرازی و بزرگواری و عزّت ملّت مسلمان ایران انجامیده است. هرچه آموزش های دینی مردم بیشتر باشد و دین در جامعه بیشتر تجلی یابد، دفاع در برابر متجاوزان پر رنگ تر می شود. نقطه عطف این امر، حماسه دفاع مقدس است. باید دانست در ۱۸۰ سال گذشته _ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی _ یک میلیون کیلومتر مربع از خاک کشور ایران در جنگ های گوناگون و زیاده خواهی قدرت های استعمارگر از پیکر کشور ما جدا شده بود، ولی وقتی دشمنانِ انقلاب اسلامی (در داخل و خارج) به این نظام نوپا هجوم آوردند، نتوانستند حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی را جدا کنند.

دشمنان انقلاب اسلامی و دست پروردگان داخلی آنان می کوشند با ترویج تک بعدی فرهنگ ملی دوگانگی هویت ایرانی و اسلامی را ثابت کنند و با تکیه بر هویت ایرانی، هویت اسلامی و ارزش های دینی را از

ملت بگیرند.

با تأسف، ترویج نام های غیر اسـلامی و حتی غربی در برنامه های صدا و سـیما به افزایش نام های غربی و غیر اسلامی در میان مردم انجامیـده است. برای مثـال، در سـال هـای گذشـته نام هایی ماننـد سـحر، افسانه، شـراره، پروانه، آناهیتا و... رو به افزایش است. در راهنمای پیکار (رهنمودهای گروهک سلطنت طلب درفش کاویانی) آمده است:

بزرگداشت سـنت ها و آداب و رسوم ایران، گذاشـتن نام های فارسـی بر روی فرزندان، به کار بردن واژه های فارسی، تشویق نویسندگان و هنرمندان ایران و ... جلوه هایی از پیکار فرهنگی است.

ایرانیان، به ویژه جوانان باید هرچه بیشتر به شاهنامه روی آورند؛ باید با داستان های شاهنامه آشنا شوند و ...

همین گروهک با عنوان مبارزه با نظام مقدس اسلامی سفارش می کند:

با اجرای مراسمی مثل نوروز، چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه سوری) و مهرگان و سره و ... با رژیم مبارزه کنید.(۱)

گفتنی است برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله در زمان رژیم پهلوی نیز در همین راستا بود.

۱۳ ـ ترویج فرقه های ساختگی

۱۳ ـ ترویج فرقه های ساختگی

طراحـان اسـتحاله فرهنگی انقلاـب اسـلامی برای مقـابله با دین و ارزش های دینی، فرقه سازی را نیز در برنامه کاری خود قرار داده اند؛ چون جریان فرقه سازی ها، به سرخوردگی و دین گریز شدن نسل جوان و انحراف آنان می انجامد.

۱- نفوذ و استحاله، ص ۴۳.

ترویج صوفی مسلکی ها نیز در همین راستاست. رابطه قطب های این فرقه ها با رژیم گذشته و لژهای فراماسونری و جای گرفتن سران آن ها در مهد استعمارِ انگلیس، به خوبی نقش آن ها را در سناریوی ستیزه جویی با دین نشان می دهد.

طراحان استحاله فرهنگی در ستیز با اسلام ناب، با راه اندازی این فرقه ها و کمک مالی به آن ها، قصدِ دارند باورهای دینی مردم را منحرف کنند. نکته جالب توجه آن است که سرانجامِ بیشتر این فرقه ها، به ابتذال، فساد اخلاقی و تباهی پیروان طریقتشان انجامیده است.

باری، دشمنان اسلام از یک سو، به کانون ترویج اسلام ناب هجوم می آورند و از سوی دیگر، می کوشند اسلام را دینی واپس گرا، تحمّل ناپذیر و خشن وانمود کنند.

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

از آن جا که رویکرد انسان در زندگی فردی و اجتماعی، به سه عامل توان، نیاز و آگاهی بستگی دارد، استکبار جهانی نیز با به کارگیری ابزارهای پیشرفته درصدد است تا از این سه عامل برای رسیدن به منافع خود بهره گیرد.

با نگاهی گذرا به این ابزارها می توان آزادگان جهان را از عمق تهاجم به فرهنگ ملّت ها آگاه کرد و آنان را برای مبارزه با این پدیده ویرانگر یاری رساند. اینک ابزارهای بیگانگان برای تهاجم فرهنگی را برمی شماریم:

۱ ـ خبرگزاری های بین المللی

۱ ـ خبرگزاری های بین المللی

سرعت در گردآوری و پخش خبر، از شرایط کام یابی رسانه های گروهی به ویژه روزنامه ها و شبکه های خبررسانی به شمار می آید. از این رو، استکبار جهانی از دیرباز، با هدف کنترل آشکار رسانه های گروهی جهان، سازمان های بزرگ خبررسانی را بنیان نهاده است. این نهادها، چشمان پیدا و پنهان خویش را در سراسر جهان گسترانیده اند و با هزاران نشریه و شبکه های رادیو و تلویزیونی، خبرهای مهم را در کم ترین زمان به دست می آورند.

آسوشیتدپرس و یونایتدپرس امریکایی، رویتر انگلیسی و فرانس پرس

فرانسوی، هر یک با هزاران خبرنگار، مزدوران ناشناخته استکبار در جهان به شمار می آیند که با تلاش خستگی ناپذیر، رسانه های گروهی را در جهت اهداف استکبار هدایت می کنند.

ارایه تفسیر و تحلیل های جهت دار، مخابره رویدادهای دروغین، گزارش نکردن آن چه به زیان سرمایه داران غرب باشد، بزرگ نمایی برخی رویدادهای کوچک برای مخدوش ساختن چهره انقلاب های ضد استکباری، ناچیز جلوه دادن جنبش های آزادی بخش و تزریق فرهنگ مصرفی غرب، بخشی از برنامه این خبرگزاری ها برای کنترل رسانه های گروهی به شمار می آید.(۱)

۲ _ مطبوعات

۲ _ مطبوعات

می توان مطبوعات را آینه افکار جامعه به شمار آورد. در روزگار ما با پیشرفت ابزار چاپ و امکانات پخش، همه روزه هزاران عنوان کتاب، مجلّه، روزنامه و بولتن های رنگارنگ در کمترین زمان در دسترس مردم قرار می گیرد. وقتی این امکانات در دست دشمنان جامعه باشد، از آن با هدفی خاص و برای انحراف افکار عمومی از واقعیت ها بهره خواهند گرفت.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

مجله ها با مقاله ها و عکس های (افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه ها با مسابقات و مقالات ضد فرهنگی و ضد اسلامی خویش، با افتخار، مردم _ به ویژه طبقه جوان و مؤثّر _ را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند.(۲)

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۳.

۲- صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۳ _ رادیو و تلویزیون

۳ _ رادیو و تلویزیون

رادیو و تلویزیون، آسان تر با مردم پیوند برقرار می کند و بر اندیشه ها و رفتار و کردار افراد جامعه، تأثیر ژرف تری می گذارد. استکبار از دیر زمان نقش این پدیده ها را دریافته و کنترل آن ها را به دست گرفته است.

بی ارزش جلوه دادن فرهنگ، آیین و آداب و رسوم بومی جوامع از یک سو، و ارائه الگوهای نادرست در نوع اندیشه، پوشش و مصرف از سوی دیگر، بخشی از برنامه هایی است که استکبار، روزانه برای پخش به آنتن های رادیو و تلویزیون در سراسر جهان می فرستد.

۴ _ سینما و تئاتر

۴ _ سینما و تئاتر

دشمنان با چنگ اندازی به مرزهای هنر و سرمایه گذاری در صنعت فیلم، خون های آلوده فرهنگ خویش را به پیکر نحیف جهان سوم تزریق می کنند. آنان با بهره گیری از شیوه های پیچیده و مدرن تولید فیلم، ارزش های واقعی دیگر فرهنگ ها را نابود می کنند و با تهی ساختن جامعه از معنویات، راه را برای چپاول هرچه بیشتر خود هموار می سازند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

تمام این رسانه های گروهی را اجیر کرده اند که طبقه جوان را به واسطه رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مطبوعات و مجلّات و ... سرگرم به عیاشی کنند و عیاش بارشان بیاورند.(۱)

۵ _ موادّ مخدّر

۵ _ موادّ مخدّر

سرمایه داران غرب با این دیدگاه، هر انسان شرقی آگاه و متعهّد به اصول انسانی را آتشفشانی خاموش می بینند که ممکن است برای منافع آنان خطرآفرین باشد. از این رو، هدف آنان از گرفتار ساختن مردم جهان

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۱.

سوم ـ به ویژه طبقه جوان و تحصیل کرده ـ در دام اعتیاد و فساد، تنها یک برنامه و توطئه ساده نیست، بلکه نوعی یورش به عقبه ملّت ها و به آتش کشیدن آن است. افرادی که در دام اعتیاد می افتند، نه تنها دیگر تولید کننده و اندیشمند نخواهند بود، بلکه با بدل شدن به انگلی نیمه جان در جامعه، به ارزان ترین وسیله دشمن برای به تباهی کشیدن بنیادهای استقلال جامعه تبدیل می گردند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

شما این را یک مسأله اتّفاقی ندانید که مِن باب اتّفاق یک دسته ای هرویین فروش شده اند و یک دسته ای هم مبتلا شده اند. این همه یک توطئه ای است که قدرت های بزرگ به این وسیله ضربه می زنند.

قشر جوان قشری است که می تواند اقتصاد ما را اداره کند. قشر جوان می تواند خود را در مقابل هجمات فرهنگی، نظامی و سیاسی مجهّز کند. این جوان، در حالی که جوانی اش ارزشمند است، افکارش آن قدر عمیق نیست که توطئه ها را تا آخر بتواند بخواند. خیال می کند که خوب، حالا، دلمان می خواهد که تریاک یا هرویین بکشیم. این یک نقشه ای است که ... برای فلج کردن جوان های ماست. یک آدم هروئینی نمی تواند در سیاست فکر کند. نمی تواند در اقتصاد عمل کند و اگر یک گرفتاری پیش بیاید، نمی تواند در جنگ شرکت کند.(۱)

۶ ـ کالاهای صادراتی

۶ ـ کالاهای صادراتی

سودجویان غرب همه اهرم های ممکن را برای برقراری سلطه همه جانبه و چیرگی سیاسی و اقتصادی خود به کار می گیرند. حتی کشورهای زیرسلطه را در گزینش کالاهای وارداتی، آزاد نمی گذارند. آنان با استفاده از فقر مادی و نیازمندی های علمی، صنعتی و فنی

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۸۱.

کشورهای جهان سوم، با ترفندهای گوناگون، زمینه ورود فرهنگ خویش را فراهم می سازند و با دست های پنهان و آشکار خویش، به چپاول منابع ارزنده آنان می پردازند.

آنان با این شیوه ضد انسانی؛ یعنی وارد کردن کالاهای مصرفی مانند لوازم آرایش، پوشش نامناسب و تحریک کننده و خودروها و وسایل پر زرق و برق، تجمّل گرایی، مصرف زدگی و روحیه اشرافی گری را در میان سران و مردم کشورها گسترش می دهند و از غفلت و ناآگاهی قشرهای گوناگون مردم بهره می گیرند. آنان با تشدید و ترویج این گسستگی فکری، ملّت ها را در دام استحاله فرهنگی گرفتار می سازند. ورود این کالاها افزون بر این که بار فرهنگی ویژه ای به همراه دارد، از به جریان افتادن اندیشه و سرمایه های این کشورها در راه سازندگی پیش گیری می کند. مردمی که با کالاهای مصرفی غرب خو بگیرند، از یک سو، با در اختیار داشتن انبوه کالاهای مصرفی ارزان، انگیزه تولید را از دست می دهند و از سوی دیگر، با فرو رفتن در منجلاب فسادانگیز رفاه دروغین غرب، از اندیشیدن درباره آرمان های ملّی و مذهبی و احساس خطر کردن برای آن ها، باز می مانند.(۱)

امام خمینی رحمه الله می فرمود:

مبادا چنان که در افراد سطحی غافل، دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره به مصرف و تجمّل های پوچ و گرایش های غیر انقلابی روی بیاورند.(۲)

۷ _ ابزارهای ادبی

۷ _ ابزارهای ادبی

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۳۷.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/۸/۶۸.

ادبیات هر ملّت نشانِ دهنده آرمان ها، اندیشه ها، باورها، آرزوها و تاریخ آن ملّت است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود. ادبیات که نمودی از ذوق هنری انسان و برآمده از سرشت زیبایی خواهی اوست، به عنوان وسیله ارتباطی میان انسان ها عمل می کند. شاعر یا نویسنده می خواهد پیام خویش را در قالب شعر، داستان، رمان، تاریخ و غیره به دیگران منتقل سازد. با توجه به کارآیی و تأثیرگذاری عمیق این وسیله ارتباطی، دشمنان می کوشند تا از این راه، فرهنگ خویش را به دیگران انتقال دهند. نگارش، ترجمه و ترویج رمان های مبتذل، شعرهایی با محتوای پوچ گرایانه، سرد و بی هویّت و مقاله های مأیوس کننده از نمونه هایی است که غربیان به کمک آن ها می کوشند مبانی فرهنگی نسل جوان را در جامعه امروز ما ویران کنند.(۱)

۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای

۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای

بسیاری از سازمان ها و بنیادهایی که با هدف های مقدّس و بشر دوستانه پدید آمده اند و در سطح جهانی و میان ملّت ها به فعالیّت های اقتصادی، اجتماعی، علمی، ادبی و فرهنگی می پردازند، امروزه به ابزاری در دست امپریالیسم فرهنگی تبدیل شده اند.

آنان با پذیرش اهداف نظم جدید جهانی می کوشند ارزش ها و باورهای مبتنی بر فرهنگ و تمدّن غرب را برقرار سازند. مهاجمان کوشیده اند از این امکانات، استفاده و در پوشش انجمن های یادشده، مبانی فرهنگی خویش را ترویج کنند. سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، آژانس بین المللی اتمی و حتی بنیادهای اقتصادی مانند: بنیاد

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۳۷.

فورد، کارنگی و راکفلر، هر یک به گونه ای در تثبیت و گسترش مبانی فرهنگی غرب نقش دارند.(۱)

۹ _ ورزش و میدان های ورزشی

۹ _ ورزش و میدان های ورزشی

تربیت بدنی و ورزش یک نیاز اساسی انسانی است. ورزش می تواند در ایجاد شادابی و نشاط، برقراری روابط مناسب اجتماعی و پربار سازی اوقات فراغت و ... تأثیرگذار باشد. مهاجمان فرهنگی با فهم این واقعیت کوشیده اند از این پدیده نیز همانند دیگر پدیده ها برای تحمیل فرهنگ و ارزش های خویش بهره گیرند و آن را وسیله ای برای انتقال پیام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود سازند. انواع تبلیغات فرهنگی و تجاری در میدان های ورزشی برگزاری مسابقه های جهانی با اهداف سیاسی، تأکید بیش از حدّ بر ورزش به ویژه در جهان سوم و بازداری آنان از کاروتلاش و سازندگی فردی و اجتماعی، همه از ابزاری بودن این پدیده اجتماعی در جهان امروز حکایت می کند.

۱۰ _ استفاده ابزاری از زنان

۱۰ _ استفاده ابزاری از زنان

بیگانگان بر خلاف ادعاهای خویش در ارزش نهادن به مقام والای زنان و برابر دانستن آنان با مردان، نه تنها زنان و دختران را هدف تیرهای زهرآگین شان قرار داده اند، بلکه کوشیده اند از ایشان ابزاری برای انتقال فرهنگ مبتذل غرب به دیگر کشورها بسازند. استفاده نادرست از حضور اجتماعی زنان و شرکت دادن آنان در فیلم های مبتذل، چاپ عکس آنان در مجله ها، تبلیغ کالاهای تجاری با استفاده ابزاری از دختران، همه از نگرشی ابزارگونه به این قشر سازنده و مؤثر جامعه حکایت دارد.(۲)

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۴۱.

۲- نک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی، حداد عادل، ص ۴۰.

۱۱ ــ فن آوری برتر

۱۱ ــ فن آوری برتر

تمدن جدید غرب با تکیه بر دانش تجربی، موفّق به شناخت، کشف و ساخت ابزار و تکنولوژی های فراوان شد، به گونه ای که حجم اطلاعات، دانش ها و فن آوری پیشرفته امروزی با هیچ یک از دوره های تاریخی گذشته قابل مقایسه نیست.

با تأسف، دشمنان بشر برای رسیدن به سود شخصی یا گروهی و در راستای ویران کردن مبانی دیگر فرهنگ ها، حتی از فن آوری علمی نیز برای تهاجم فرهنگی استفاده می کنند. آنان از رایانه، اینترنت و لوح های فشرده (CD) صوتی و تصویری که به قیمت ارزان در دسترس جوانان قرار می گیرد، برای ستیز با ریشه های فرهنگ ملی و دینی فرزندان دیگر فرهنگ ها سود می جویند.(۱)

از هیپی گری تا رپ مسلکی

از هیپی گری تا رپ مسلکی

بی بند و باری، بی فرجامی، پوچی و ژولیدگی واژه هایی هستند که جوانانِ بی هدف، به آن ها افتخار می کنند. با تأسف، این بی هدفی در میان برخی نوجوانان و جوانان در روزگاری به چشم می خورد که انسان، پا را از کره خاکی فراتر نهاده و به بررسی کهکشان ها پرداخته است؛ یعنی انسان امروزی با وجود همه پیشرفت ها، در برابر معضل های اجتماعی که دیگرگونی ارزش ها، یکی از اساسی ترین آن هاست، به زانو درآمده است. در حقیقت، این عصر را می توان عصر شکست سنّت ها دانست. امروزه، در نتیجه تلاش استکبار جهانی، فرهنگ و سنّتی نیست که مورد تردید قرار نگیرد. یکی از عوامل اصلی شکست سنّت ها و دگرگونی ارزش ها،

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۳۹.

تهی بودن انسان از امید به آینده است. بی تکیه گاه بودن و بی پناهی انسان در نتیجه دلهره، نگرانی، پریشانی و آشفتگی روحی انسان ها پیش می آید. که در سستی ایمان و پایه های اعتقادی او ریشه دارد.

روزگار ما را عصر نگرانی و اضطراب خوانده اند. پس باید درد این نسل را شناخت و در پی درمان آن برآمد؛ دردی که نسل جوان احساس می کند، ولی نسل گذشته احساس نمی کرد. در گذشته، زندگی بشر در فضای بسته ای جریان داشت که کم تر کسی از اوضاع دیگر جامعه ها آگاه بود، ولی امروزه، مردمان دنیا رویدادهای گوناگون جهانی را به طور مستقیم زیر نظر دارند. نسل جدید بشر با دیدن پیشرفت دیگران، گسترش قدرت های اقتصادی، نظامی و سیاسی دنیا و قیام ها و انقلاب ها از خود می پرسد: راه پیشرفت کشور ما در عرصه جهانی چیست؟ او حق دارد کشور خویش را با کشورهای پیشرفته مقایسه کند و عقب ماندگی کشور خودش را بشناسد و در پی درمان آن برآید.

امروز، نسل جوان ما نیز نیازمند یافتن پاسخ های مناسب برای پرسش های خود است و اگر پاسخ های درستی به او داده نشود، دیگران با ارایه پاسخ های انحرافی، این نسل و جامعه را به انحراف خواهند کشید. استعمار برای ایجاد این انحراف، راه های نادرست و دروغین را جای گزین پاسخ های منطقی می سازد و ذهن نسل جوان را با دسیسه های گوناگون سیاسی ـ فرهنگی پر می کند تا دیگر برای ذهنیّت های اصولی، جایی باقی نماند.

باید دانست که تمام گروه هایی که امروزه در امریکا و غرب به عنوان الگوی مدها، رقص ها و آوازها مطرح اند، در آغاز پیدایش، به نشانه اعتراض به اوضاع سیاسی در امریکا و امریکای لاتین پدیدار شده بودند،

ولی کم کم به دست سیاست سازان، منحرف شده و از رقص و آواز سر در آوردند. اکنون این گروه ها به صورت ابزاری در دست قدرت های حاکم درآمده اند تا جوانان را به انحراف بکشانند و قدرت ها را از مزاحمت های آن ها رها سازند. البته شاید پیش بینی نکرده بودند که روزی مشکلات نسل جوان، بر مسایل سیاسی نیز تأثیر می گذارد و حاکمان را با دشواری جدی روبه رو خواهد ساخت. برای نمونه، بیماری کشنده و علاج ناپذیر ایدز، سوغات غرب برای بشر امروز به شمار می رود که به یقین، ره آورد بی بند و باری ها و مفاسد اخلاقی در غرب است.

گفتنی است پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م و رشد گسترده و شتاب ناک فن آوری، ماشین وارگی و قدرت صنعتی، جهان غرب شاهد پیدایش دو پدیده جدید در زمینه سیاسی و اجتماعی در میان چپ گرایان فرانسوی بود:

۱. هیپی گری در زمینه اجتماعی؛

۲. رپ مسلکی در زمینه سیاسی.

جنبش هیپی ها در آغاز، جنبشی علیه نظم اجتماعی ماشین وارگی در جوامع مدرن بود، به گونه ای که ادوارد مورن به عنوان جامعه شناس مبارز، آن را جریانی ستیزه گر و مخالف با فرهنگ، باورها و آداب و رسوم جوامع موجود دانسته و می گوید جامعه هیپی ها همانند جامعه ای جدید است که از جامعه قدیم سر بر آورده است:

هیپی ها، فرهنگ اجتماعی جامعه خود را به حال انسان ها زیان آور و تنها فرهنگ مفید و جای گزین را فرهنگ خود می دانستند. آنان معتقد بودند باید قید و بندها و سنّت های موجود مانند: پوشش، رعایت ارزش ها، خور و خواب، زندگی، محل زیستن و ... از همه جنبه های

اجتماعی رخت بر بندد.

بایـد گفت حرکت هیپی هـا بـا حرکـت قـدرت گـل (Flower Povier) همراه بـود کـه در سـال ۱۹۶۶م. در شـهر سانفرانسیسکوی امریکا به اوج خود رسید. هـدف اساسی هیپی ها این بود که می کوشیدند با وضع پوشش، نوع زندگی و خوراک و آرایش ظاهری و ... به فرهنگ موجود جامعه خود اعتراض کنند.

رپی ها نیز خودباختگانی زاییـده فرهنگ غرب هستند که از فرهنگ خود بیگانه شـده انـد و درد خودباختگی و خودنمایی در آنان رخنه کرده است. آنان ماهیّت واقعی خود را از دست داده انـد و تقلید کورکورانه در زندگی شان، به صورت یک رسم درآمده است.

رپ مسلکی از انـدیشه های پوچ گرایی ناشی می شود؛ اندیشه هایی که ریشه ندارند. رپی ها انسان های بی اراده ای هستند که از هرچه به صورت مُد در می آیـد، بـا کمـال افتخـار استقبال می کننـد. هم چنین رپی هـا به نسبی بودن فرهنگ و تحول پـذیری آن معتقدنـد. تا جایی که تی شرت هایی را با عبارت های زننده، همچون «من دنبال شوهر می گردم»، می توان بر تن دختران و پسران رپ دید.

لباس غرب گرا

لباس غرب گرا

لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی است که بر بام سرای وجود خویش بر می افرازد و با آن اعلام می دارد که از کـدام فرهنگ پیروی می کنـد. هم چنـان که هر ملّتی، بـا وفاداری و احترام به پرچم خود، باورهای خود را به هویت ملی و سیاسی اش ابراز می دارد، هر فردی نیز تا هنگامی که به یک شبکه ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته باشد،

لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن نخواهد کند.(۱)

جوانان غرب گرا در انتخاب لباس، به فلسفه اصلی آن که همانا رهایی بدن از گرما و سرما و آسیب های محیط و مهم تر از آن، حفظ حریم بدن است، توجهی ندارند. آنان برازندگی و راحتی لباس را نیز در نظر نمی گیرند، بلکه هدف اصلی شان از لباس شیک، جلب توجه بیشتر دیگران به خود است تا جایی که به معیارهای ارزشی جامعه، دهن کجی می کنند.(۲) آنان هرگاه ناچار باشند از مدل و الگوی ویژه ای، پیروی کنند؛ می کوشند پوشش متناسب با مُد روز باشد حتی اگر به مسخره شدن آن لباس بینجامد.

گرایش به پوشیدن لباس های تنگ، چسبان و کوتاه با پارچه های نازک در میان نوجوانان غرب گرا بیشتر به چشم می خورد. آنان در هیچ چیز به اندازه لباس، در مدپرستی افراط نمی کنند. آنان هم چنین از لباس هایی با رنگ های تند، جلف و زننده و بی تناسب با جامعه خود استفاده می کنند. نوجوانان غرب گرا شیفته لباس های خارجی اند و هرچه را که نام و نشانِ خارجی داشته یا منتسب به غرب باشد، بی چون و چرا می پذیرند؛ حال آن چیز به هر شکلی و کیفیّتی باشد، برای آنان تفاوتی نمی کند.

آنان حتی لباس های دست دوم و آلوده و شاید صاحب مرده خارجی را ترجیح می دهند. کفش تابستان و زمستان، کفش های مهمانی و مدرسه و کفش تفریح و ورزش شان، همان الگوهای زشت و بی قواره غربی است که نه پوشیدن آن آسان و نه بیرون آوردنش ساده است. رعایت

۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

۲- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۱.

نکردن پوشش اسلامی، پوشیدن روسری های رنگارنگ و خیره کننده، استفاده از جوراب های بدن نما، پوشیدن لباس و کفش با رنگ های تحریک کننده، پوشیدن تی شرت های عکس دار با نشان گروه های منحرف غربی، همگی نمودهایی از جایگاه فرهنگ نفوذی غرب در میان جوانان است.

رفتار جوانان غرب گرا

رفتار جوانان غرب گرا

از ویژگی های رفتاری جوان غرب گرا به موارد زیر می توان اشاره کرد:

بیرون نهادن بخشی از موی سر، آرایش مو و صورت، به کارگیری عطرهای تحریک کننده و وسایل تزیینی غیرمعمول، به همراه داشتن وسایلی چون زنجیر، چاقو، گردنبند و نشان های بیگانه، تزیین کیف و کتاب با نشان و خط بیگانه، غرورآمیز جلوه دادن به کارگیری واژگان بیگانه، انتخاب نام های مستعار بیگانه برای خود و دیگران، استفاده از برچسب عکس هنرپیشگان غربی روی دفترها و کیف ها، دست به دست کردن دفترچه های خاطرات با عکس های نامناسب، دیدن فیلم ها و برنامه های مبتذل ماهواره ای، دست به دست کردن مجله های تهییج کننده غریزه جنسی، پخش نوارهای موسیقی مبتذلِ خوانندگان فراری، تکثیر و دیدن فیلم های ویدئویی مبتذل، مزاحمت های خیابانی، تجمّع پسرانْ در مسیر عبور دختران دانش آموز، نامه نگاری و نامه پراکنی، مزاحمت های تلفنی، حضور کنترل نشده در گردش گاه ها، پارک ها، سینماها و مراکز ورزشی، زمینه سازی برای ارتباط نامناسب، خودنمایی در کشیدن سیگار، مصرف مواد تهییج کننده نیروهای جسمانی، خواندن رمان های غربی، پخش کتاب ها و مجله هایی با تصویرها و مضمون های جنسی و

غیراخلاقی، خوانـدن و حفظ کردن شـعر و قصه شاعران و نویسـندگان غربی، پرخوری یا رژیم های سـخت غـذایی برای حفظ تناسب اندام، بزرگداشت سنّت های نادرست گذشته، مانند: برپایی چهارشنبه سوری و پریدن از روی آتش(۱).

آنان هنگام گرد هم آمـدن در خیابان ها، با صدای بلند می خندند و متلک می گویند و واژه های زشت و رکیک بر زبان می آورنـد. نگـاه هایشـان به جنس مخـالف، گسـتاخ و بی شـرمانه است. در گفت وگوهـا به جـای به کارگیری واژگان، بیشتر از حرکت ها و ژست های بدنی بهره می گیرند. صـحبت هایشان سرشار از کنایه و اصطلاحات بیگانه یا واژه های مرموزی است که خودشان آن را ساخته و پرداخته اند. ارزش های اخلاقی را نادیده می گیرند. راه رفتن آنان زننده است. دست ها و شانه ها و بدنشان را زیاد تکان می دهند. هنگام گذشتن از کنار دختران با صدای بلند، شوخی های رکیک می کنند و یکدیگر را هل می دهند. مقرّرات راهنمایی را زیر پا می گذارند. در وسـیله نقلیه عمومی مانند: اتوبوس، سـنّت ها و آداب اجتماعی را رعایت نمی کننـد هنگام سـخن گفتن، خنـده های بی هنگام و شادی های نامناسب از خود بروز می دهند. حرکت هایشان به رقص و صحبت هایشان به دعوا و اهانت شباهت دارد. نسبت به عواطف دیگران بی قیدند. معرفت عمومی آنان از حد فیلم های سینما، برنـامه هـای تلویزیون، نوارهـای موسـیقی و رفتار اجتماعی ایشان از رفتن به کوچه و بازار، پوشـیدن لباس های تازه برای جلب توجه دیگران، آرایش موها، رفتن به سینما و ترتیب دادن مجالس شب نشینی، فراتر نمی رود.

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۳۸.

این گروه بـا خـانواده، توانـایی هـا و شـرایط آن، اختلاف فاحشـی دارنـد؛ زبان و کلامشان برای پـدر و مادر قابل فهم نیست و اندیشه شان، در خانواده، مدرسه و جامعه هرگز به راه درست رهنمون نمی شود.(۱)

۱- بحران ارزش ها، علی اصغر حاج سیدجوادی، ص ۵۹.

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه

اشاره

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه

برای مقابله با ترویج فرهنگ غرب در جامعه اسلامی به موارد زیر باید بیشتر توجه کرد:

۱. تقویت بینش دینی

۱. تقویت بینش دینی

امام علی علیه السلام می فرماید:

فانّما البصیرُ مَن سَمِعَ فتفکَّرَ، و نَظَرَ فأبْصَر، و انتفعَ بالعِبَر، ثم سَلَکَ جَدَدا واضحا یَتَجنّبُ فیه الصرعَهَ فی المَهاوی.(۱)

با بصیرت کسی است که بشنود و بیاندیشد، نگاه کند و بصیرت یابد و از عبرت ها بهره گیرد، آن گاه راه های روشن را بپیماید و بدین ترتیب، از افتادن در پرتگاه ها دوری کند.

یقین داشتن به حقایقی هم چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز، نوعی تعهّد در انسان پدید می آورد و هویّت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان پایدار نگاه می دارد. تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست بر پایه مذهب مانند سنگری نفوذناپذیر، مردم را در برابر هجوم فرهنگی دشمن حفظ می کند و استکبار غرب را ناکام و ناامید می سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری درست رهنمون می سازد و از کژ روی ها و ناهنجاری ها باز می دارد. قرآن در این

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۰۵.

باره می فرماید: «یَهْدیهِمْ رَبُّهُمْ بایمانهم؛ پروردگار آنان را به سبب ایمانشان، هدایت می کند.»(۱)

زندگی کسانی که سال ها در اروپا و امریکا به دانش اندوزی پرداخته و هم چنان پای بندی خود را به اصول اعتقادی و مبانی فکری خود حفظ کرده و پس از بازگشت به میهن اسلامی نیز مردم را به پیروی از آن فرا خوانده اند؛ به خوبی روشن گر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر فرهنگ بی بند و بار غرب مقاوم می سازد. بر این اساس، نهادهای مذهبی مانند حوزه های علوم دینی، رسالت سختی بر عهده دارند و بیش از گذشته باید به تقویت باورهای مردم، توجّه کنند.

۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن

۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن

قرآن می فرماید:

ای اهل ایمان! از غیر هم کیشان خود، دوست صمیمی و هم راز مگیرید؛ زیرا ایشان از تباه کردن کار شما هیچ کوتاهی نمی کنند. دوست دارند که شما در رنج و زحمت باشید. دشمنی آنان از گفتارشان آشکار است و آن چه در سینه هایشان پنهان می دارند، بیشتر است.(۲)

بی تردید، شناسایی دشمن و هدف های او، نخستین گام مبارزه است. برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ مهاجم و ویژگی های آن بررسی شود. در پرتو چنین تحقیق گسترده و همه جانبه ای است که اندیشمندان جامعه می توانند مردم را در شناخت ردّ پای انحراف یاری دهند.

۱- یونس، ۶.

۲- آل عمران، ۱۱۸.

آگـاهی از ابزار و شـیوه هـای مـورد اسـتفاده یـورش گران، می توانـد مسؤولاـن و رزمنـدگان جبهه فرهنگی را در خلع سـلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد.(۱)

۳. زدودن فقر اقتصادی

۳. زدودن فقر اقتصادی

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم می فرمایـد: «کـاد الفقر ان یکون کفرا؛ فقر و تنـگ دستی، ممکن است انسـان را کـافر کند.»(۲) شاید بتوان تنگ دستی را از پلیدترین پدیده های اجتماع به شمار آورد؛ حقیقت ناگواری که پیشوایان دین، آن را به کفر نزدیک دانسته و دانشمندان بسیاری، از آن به عنوان عاملی برای آغاز انحراف و بزه کاری یاد کرده اند.

بی تردیـد، بسیاری از ناهنجـاری های اجتماعی هم چون: دزدی، ول گردی، گـدایی و اعتیاد به دلیل تنگ دستی و بی چیزی پدیـد می آیـد. نگـاهی گـذرا به بزه کاران و ساکنان نـدامت گاه ها، ما را بـدین حقیقت دردآور رهنمون می سازد که شـمار بسیاری از آنان، در اثر تهی دستی، در این راه بـدفرجام پای نهاده انـد. پدیـده فقر در هر جامعه ای نمایان گردد، ماننـد سـیلی بنیـان کن، زیربنـای تمـامی ارزش هـای انسـانی را از بن ویران می سـازد و کاخ های کرامت و شـرافت آدمی را به ویرانه های ننگ و بـدنامی تبدیل می کند. فقر در کنار پدیده های اجتماعی خطرناکی هم چون: رشوه دهی و رشوه گیری، فریب کاری، دزدی، آزمندی، دست اندازی به دارایی دیگران و کم فروشـی، ارزش های فرهنگی جامعه را در کام شعله های سرکش خود خواهد سوزاند.(۳)

۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری

۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۴۱ _ ۱۴۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۷.

۳- تهاجم فرهنگی، صص ۱۴۴ _ ۱۴۵.

از راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی، زنده کردن روحیه عزّت نفسِ دینی در میان قشرهای مختلف مردم است. بنابراین، باید با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی، مردم مسلمان را از تقلید کورکورانه روش های زندگی بیگانگان باز داشت.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا تلبسوا لباسَ اعْدائی، و لا تطْعَموا مطاعِمَ أعدائی، و لا تَسلُكُوا مَسالِكَ اعدائی، فتكونوا اعدائی كما هم اعدائی(۱)

لباس دشمن مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به روش دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزء دشمنان من خواهید شد!

۵. مبارزه با تجمّل گرایی

۵. مبارزه با تجمّل گرایی

امام علی علیه السلام در این باره به عثمان بن حنیف ـ استاندار خود در بصره ـ می نویسد:

أَلا و اِنَّ لِكُلِّ مأمومٍ اماما يَقْتَدی به وَ يَسْتَضیی ءُ بنور عِلمِهِ، ألا و اِنَّ امامَكُمْ قَدْ اِكْتَفی مِنْ دنياهُ بِطِمْرَيْهَ، و مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصَيهِ.(۲)

آگاه باش، برای هر پیروی، پیشوایی است که باید از او پیروی کند و از دانش او نور بگیرد. هشیار باش، امام شما از دنیایش، به دو لباس کهنه و از خوراکش، به دو قرص نان کفایت کرده است.

امام خمینی رحمه الله در زمینه ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی می فرماید:

امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل گرایی از واردات کالاهای مصرفی لوکس پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و

۱- وسائل الشیعه، محمدبن حسن، حرّ عاملی، ج ۳، ص ۲۷۹، ابواب لباس المصلی، باب ۱۹، حدیث ۸.

۲- ترجمه نهج البلاغه، محمدتقی جعفری، ص ۹۱۴.

ارزش های غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست. نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد، نشانگر این واقعیت است که پیروی از مُد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه جویی و تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی شود، بلکه در بالا ـ رفتن میزان بزه کاری ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته های افراد که در سایه چنین روحیه ای پدید می آید، انگیزه ای نیرومند برای سرقت، کلاه برداری، رشوه و ... به شمار می آیند.(۱)

از این رو، در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیه تجمّل گرایی از اجتماع باید به طور جدّی مورد توجّه قرار گیرد و آثار منفی آن برای جامعه تبیین شود تا جامعه آگاهانه به مسایل بیاندیشد و از تسلیم شدن بی چون و چرا در برابر امواج ویران گر این شبیخون فرهنگی در امان بماند.(۲)

۶. ازدواج

۶. ازدواج

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

أَیُّما شابٍّ تَزَوجَ فی حَداثَهِ سِنِّهِ عَجَّ شیطانُهُ: یا وَیْلَهُ! عَصَمَ مِنّی دینَهُ.(۳)

هر جوانی که در دوره جوانی اش ازدواج کند، شیطانش فریاد برمی آورد: ای وای (بر من)! او دین خود را از (گزند) من حفظ کرد.

نیروی جنسی یکی از نیرومندترین غریزه های انسانی است. این نیرو که از کودکی در وجود آدمی نهفته است، تا زمان بروز نشانه های بلوغ، هم چنان آرام و بی حرکت می ماند. با آغاز دوران نوجوانی، آرام آرام زمان بیداری و شگفتگی آن فرا رسد و نوجوان را زیر تأثیر شدید خود

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۴۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۱.

قرار می دهد، به گونه ای که جوان، خود را در چنگال این غریزه، تقریبا بی دفاع و ناتوان و بی اراده احساس می کند.

اگر این غریزه به صورت معقول و شرعی برآورده شود، سبب آرامش خاطر، رشد عاطفی، سلامت روانی و استمرار حیات بشری می گردد و اگر امکان ارضای صحیح و آگاهانه آن فراهم نیاید، به صورت انحراف جنسی، کام جویی، خودارضایی، استمنا، هم جنس گرایی، بی بند و باری جنسی (آنارشیسم جنسی) و در نتیجه دوری از خدا و روی آوری به کارهای خلاف شرع ظهور می یابد.این وضعیت، سلامت روانی و جسمی فرد و جامعه را بر هم می زند و پی آمدهای ناگواری را به همراه خواهد داشت.

غربیان با شناخت دقیق این شرایط و ویژگی های سنی، عاطفی و روانی نوجوانان و جوانان و شناخت شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه کوشیده اند از این نیاز طبیعی انسان، برای عملی کردن اهداف خویش بیشترین سوء استفاده را به عمل آورند. آنان با بهره گیری از امکاناتی مانند: ماهواره، فیلم های ویدئویی و سینمایی، رمان ها و مجله ها و عکس های مبتذل، امکانات رایانه ای [اینترنت]، تبلیغات تجاری و حتی مواد غذایی تهییج کننده غریزه های جنسی می کوشند هویّت فرهنگی و تعادل شخصیّتی افراد را مسخ کنند و زمینه را برای سلطه فرهنگی خویش هموار سازند. این جنبه از هجوم بیگانگان در سال های اخیر به گونه ای گسترش یافته است که بسیاری از مردم، تهاجم فرهنگی را همان بی بند و باری جنسی می دانند.(۱)

۷. پیش گیری از نفوذ دشمن

۷. پیش گیری از نفوذ دشمن

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۰۹.

امام علی علیه السلام می فرماید:

هر کس در برآوردن نیاز خود از دشمن یاری جوید، از رسیدن به آن نیاز، باز می ماند.(۱)

عناصر خود فروخته فرهنگی، روزنامه ها و مجله های گمراه کننده، و... فیلم های مبتذل نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می آیند. نگاهبانی از ارزش های الهی، نیازمند بینشی ژرف است تا در پرتو آن، همه عوامل فرهنگی غرب، شناسایی و در صورت لزوم، منزوی شوند. هم چنین مطبوعات باید در چارچوب قانون فعالیت کنند و هرگز نباید عامل ترویج فرهنگ غرب باشند. امام امّت رحمه الله در این باره می فرماید:

اکنون وصیّت من آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجلّه ها، از اسلام و مصالح کشور، منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتاب ها و مجلّاتِ برخلاف اسلام و عفّت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن ها واجب است و از آزادی های مخرّب باید جلوگیری شود. از آن چه در نظر شرع حرام و آن چه بر خلاف مسیر ملّت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیّت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسؤول می باشند. اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند.(۲)

۸. به کارگیری ابزارهای دفاعی

۸. به کارگیری ابزارهای دفاعی

در قرآن آمده است:

۱- الحیاه، محمدرضا حکیمی و دیگران، برگردان: احمد آرام، ص ۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

و اَعِدّوا لَهُمْ ما اسْتَطَعْتُمْ مِن قوَّهِ (انفال: ۶۰)

هرچه در توان دارید، برای مقابله با آنان [= دشمنان] آماده سازید.

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ممکن چنگ می زند، ما نیز باید از هر وسیله مشروع برای پاسداری از فرهنگ اسلامی خویش بهره گیریم. برای این هدف باید از یک سو، امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی توسعه یابد تا جوانان به تفریح های سالم روی آورند و از سوی دیگر، باید همه کوشش های فرهنگی در دفاع از ارزش های الهی به کار رود. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

در رژیم سابق تمام چیزها خصوصا فرهنگ و هنر، محتوایش عوض شده بود؛ یعنی کسی که نام سینما را می شنید، خیال می کرد که آن جا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتذلی بود که از آن بهره فساد برده شود. هکذا همه چیز دیگر. عمده این است که ذهن این جوان ها و حتّی پیرها و روشن فکرنماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم ... بنابراین، مدّت ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش های اسلامی هستیم. اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکّر عادت کرده است. لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی ــ اسلامی باشد، زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدّت ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشد.(۱)

۹ ــ تدوین معیارهای جدید

۹ ــ تدوین معیارهای جدید

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، صص ۱۶۱ ــ ۱۶۲.

بی تردید، هدایت کوشش های جامعه در مسیر فرهنگ الهی، تلاشی همه جانبه و دیرپا می طلبد. دست اندرکاران فرهنگی، برای دست یابی به این هدف باید معیارهای جدیدی برای ارزیابی آثار فرهنگی ــ هنری فراهم کنند؛ زیرا هرگز معیارهای دشمن با معیارهای فرهنگی جامعه ما یکسان نیست. هم چنین باید از توانایی جوانان مؤمن در پاسداری از ارزش های الهی سود برد و از منزوی ساختن آنان به دلیل تازه کار بودن و به دست نیاوردن جایزه در جشنواره های غربیان پرهیز کرد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

میدان بدهید به همه و هر کسی که می خواهد برای این امّت کار کند. ما می گوییم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید ... من می گویم اگر می خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه بکنید. او می تواند از اسلام و انقلاب و کشور دفاع کند.(۱)

۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

پیش گیری از سقوط سنگرهای فرهنگی در برابر یورش دشمنان، نیازمند بیداری امت اسلامی است. قرآن می فرماید:

ولْتَكُنْ مِنكم اُمَّهٌ يَدْعُونَ الی الْخَيْرِ وَ يأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهُونَ عنِ الْمُنْكَرِ وَ اُولئكَ هُمُ الْمُفْلِحون. (آل عمران: ۱۰۴)

باید از شما (مسلمانان) گروهی باشند که (مردم را) به کردار نیک فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان رستگاران اند.

بی تردید، اگر همه مردم به این اصل مهم پای بند باشند و هر کس در حوزه زندگی خویش، زشت کاران را از زشتی باز دارد و به کردار نیک سفارش کند، دشمن هرگز در نفوذ فرهنگی خود موفّق نخواهد بود. رهبر

۱- اطلاعات، ۸/۵/۷۱.

فرزانه انقلاب حضرت آیت اللّه خامنه ای با اشاره به اهمیّت این موضوع می فرماید:

مسأله امر به معروف، تکلیف همیشگی مسلمان هاست. جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. منکرات، هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است. همه جا هم جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم، نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند.(۱)

۱۱. بهره برداری مناسب از هنر

۱۱. بهره برداری مناسب از هنر

امام علی علیه السلام می فرماید:

اِنَّ اللّه ٓجمیلٌ و یحبُّ الجَمالَ و یُحِبُّ أَنْ یَری اَثَرَ نِعمَتِهِ علی عبدِه.(۲)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند.

فطرت زیبایی جویی و کمال خواهی، موهبتی است الهی که در سرشت انسان ها، به امانت نهاده شده است. همه انسان ها در هر زمان و مکانی و در هر موقعیّت اجتماعی و شرایط سنّی، زیبایی را دوست دارند، ولی کودکان و نوجوانان بیش از دیگران، از زیبایی های ظاهری لذّت می برند و از لطافت آن بهره مند می شوند. روح لطیف و فطرت پاک نوجوانان و جوانان در همه حال، پذیرای زیبایی است.

در آموزش و پرورش جدید، با درک ضرورت نیاز عاطفی و روانی

۱- اطلاعات، ۸/۵/۷۱.

۲- الوافی، فیض کاشانی، جزء ۱۱، ص ۹۳.

دانش آموزان، بر گسترش زیبایی و استفاده از هنر و فعالیّت های هنری تأکید فراوان می شود. هنر می تواند به عنوان یک روش فرهنگی و تربیتی مورد بهره برداری قرار گیرد. بسیاری از پیام های مهم را می توان با استفاده از برنامه های هنری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به دانش آموزان عرضه کرد؛ حتی فراتر از آن، امروزه از هنر در تأمین و گسترش بهداشت روانی دانش آموزان استفاده می شود. هم چنین از آن برای شناخت و درمان ناهنجاری های روحی و روانی نوجوانان و جوانان بهره می گیرند. چنان که روان شناسان و روان کاوان مباحث روان شناسی هنر، هنر درمانی و به کارگیری نمایش را در روان درمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.(۱)

دست اندرکاران فرهنگ مهاجم غرب با درک توانایی های فراوان هنر و برنامه های هنری کوشیده اند پیام های زهرآگین خویش را در قالب زیبا و گیرای هنری عرضه کنند. آنان همان گونه که کالاهای تولیدی خود را در بهترین بسته بندی ها و جذاب ترین رنگ ها و فریبنده ترین تبلیغات ارایه می کنند، اندیشه های گوناگون انسان مدارانه و دنیاپرستانه خود را به شکلی فریبنده و تحریک آمیز به ذهن ملّت های دیگر القا می کنند. آنان به طور معمول برای پرجاذبه تر شدن آثار هنری خود، آن ها را با مسایل جنسی و شهوانی یا عوامل خشونت آمیز و نگران کننده همراه می سازند، به گونه ای که هنر امروز غرب، با بی بندوباری، سکس و خشونت مترادف شده و وجه تمایز آن از دیگر هنرها است.(۲)

برای مقابله با هجوم فرهنگی غرب، باید از هنر و برنامه های هنری بیشترین بهره را گرفت و باور داشت که هیچ پیامی تا در قالب هنری

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۱۵.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۱۶.

عرضه نشود، پایدار و جاوید نخواهد ماند. پیام زیبا، قالب زیبا هم می خواهد تا بر دل نشیند.

۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی

۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی

تربیت بدنی و پرورش سلامت جسمی، نیاز طبیعی هر فرد و جامعه سالمی است و می تواند زمینه ساز سلامت روانی و عاطفی آنان گردد. در روایت ها نیز به ورزش هایی مانند اسب سواری، تیراندازی و شنا سفارش شده است. معمولاً سستی بدن، به آسیب پذیری روان می انجامد و خمودی، بی حوصلگی، کسالت و زبونی را به همراه می آورد.

گفته اند: «عقل سالم در بدن سالم است.» به همین دلیل، تأمین بهداشت و سلامت جسمی دانش آموزان در دوران تحصیل، از وظیفه های اصلی آموزش و پرورش به شمار می آید.(۱) اساسا تمام فعالیت های آموزشی و تربیتی در مدرسه ها با فرض سلامت جسمی و روحی دانش آموزان طراحی و اجرا می شود و برای کودکان و نوجوانانی که از نعمت سلامت محروم اند، آموزش و پرورش کودکان استثنایی تدارک دیده شده است. میزان سلامت دانش آموزان در پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد. هرچه دانش آموز سالم تر، بانشاط تر و شاداب تر باشد، فراگیری و رشد، سریع تر و متعادل تر صورت می گیرد و زحمت های اولیای خانه و مدرسه و سرمایه گذاری های ملّی، بیشتر به نتیجه می رسد و بهره وری بالاتر می رود. در مقابل، هرچه این گروه، سلامت کم تری داشته باشند، کسالت و خمودی بیشتر می گردد. در نتیجه، افت تحصیلی

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۱۹.

و مشکلات رفتاری افزون تر می شود. انباشت انرژی جوانی و برآورده نشدن معقول آن، می تواند زمینه ساز ناهنجاری های فردی و اجتماعی باشد.

غربیان از گذشته های دور، از ورزش و میدان های ورزشی به عنوان ابزار تهاجمی خویش بهره گرفته اند. آنان با به کارگیری ابزارهای تبلیغاتی گوناگون و پیشرفته، فضای ورزشی مورد نظرشان را به وجود آورده و پیام های فرهنگی، تجاری و اجتماعی خود را با استفاده از قهرمانان ورزشی، به جهانیان القا می کنند. بنابراین، یکی از روش هایی که می تواند در برخورد با هجوم بیگانگان و تأمین سلامت فردی و اجتماعی مؤثر باشد، فعالیت های ورزشی است که برای بهره گیری مناسب از این روش در مدرسه ها، موارد ذیر پیشنهاد می شود:

۱. جدّی گرفتن درس ورزش؛

۲. مناسب سازی حیاط مدرسه برای ورزش؛

۳. ساخت مکان های مناسب ورزشی در خارج از مدرسه؛ مانند سالن ها و کانون های ورزشی فعّال؛

۴. تشویق ورزش همگانی؛

۵. تشکیل انجمن ها و گردهمایی های ورزشی.(۱)

۱۳. کارآفرینی سازنده

۱۳. کارآفرینی سازنده

در فرهنگ اسلامی مسلمان نباید بی کار باشد و از دست رنج دیگران بخورد. هم چنین اسلام از این که انسان خود را اجیر دیگران گرداند، نهی

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص ۱۲۱ _ ۱۲۲.

کرده است و برخی از عالمان آن را مکروه دانسته اند.

روزی عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام پرسید: «مردی که بازرگانی می کند، اگر خود را به اجاره دهد، به او آن مقداری که در تجارت به دست می آورد، داده می شود. تکلیف چیست؟» حضرت فرمود: «خود را اجیر نکند، بلکه از خداوند بلندمرتبه، روزی بخواهد و تجارت کند؛ زیرا اگر او خود را اجاره دهد، روزی را بر خود منع کرده است.»(۱)

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، کارسازنده و سودمند است. کار و تلاش سازنده، زمینه شکوفایی استعدادها و نوآوری های فرد را فراهم می آورد و شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه هموار می سازد. در مقابل، بی کاری زمینه تنبلی، سستی، افسردگی و سنگ دلی را فراهم می آورد و گسترش آن در جامعه به افزایش فقر و ناتوانی مالی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا و کفر می انجامد. نداشتن اشتغال ذهنی؛ تخیل گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و نداشتن اشتغال جسمی؛ رکود، سستی، تنبلی و بیماری جسمی را در پی می آورد. به همین دلیل، در فرهنگ تربیتی اسلام، کار یک عامل بسیار سازنده قلمداد گشته و بی کاری و فقر به شدت نفی شده است.(۲)

چگونگی گذران اوقات فراغت می تواند دو نتیجه متضاد بر جای گذارد: اگر فراغت جوانان و نوجوانان مانند تعطیلی های تابستانی، بدون برنامه ریزی و هدایت نشده سپری گردد، آسیب های فراوان روانی، اجتماعی و حتّی سیاسی به همراه می آورد و اگر تعطیلی ها با برنامه و

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۹۰، باب کراهیه اجاره الرجل نفسه، ح ۳.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۵۸.

هدایت شده سپری شوند، زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی شخصیت ها فراهم می آید.

۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی

۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

اَلْعالِمُ بِزَمانِهِ لا تَهْجُمُ عَلَیهِ اللَّوابِس.(۱)

فردی که آگاه به زمان خویش است، مورد تهاجم دشواری ها و کژی ها قرار نمی گیرد.

استقلال سیاسی همانند استقلال اجتماعی و اقتصادی در پرتو استقلال فرهنگی به وجود می آید و دوام می یابد. بی تردید، کسی که دلداده و شیفته فرهنگ و ارزش های اجتماعی بیگانگان است، توان و نیروی دفاع از منافع خویش را از دست می دهد. از سوی دیگر، استقلال سیاسی نیازمند حضور آگاهانه مردم در صحنه های سیاسی ـ اجتماعی و مشارکت آزادانه و همراه با شعور و آگاهی آنان در کارهای مهم جامعه است تا در پرتو این مشارکت و ارتباط نزدیک و صمیمی حاکمان با مردم، دولت مردان بتوانند با قدرت، از استقلال سیاسی کشور پاسداری کنند.

در فرهنگ اسلامی، دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است. البته «همبستگی دین و سیاست به معنی وابستگی سیاست به دین است.»(۲) مسلمان واقعی، از جریان های سیاسی ـ اجتماعی جامعه خویش آگاه است و با عقلانیّت و تدبّر، در برابر آن ها واکنش نشان می دهد. از این رو، نخست باید جوانان را با اطلاع رسانی سالم و به موقع از راه

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

۲- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص ۹۳.

رسانه های گروهی و سخنرانی های دینی و سیاسی، آگاه ساخت و آنان را نسبت به تصمیم های گرفته شده، توجیه کرد.

جوانی که از مسایل کشور و هدف ها و آرمان های انقلابی کشورش آگاهی داشته باشد، مسؤولیت خویش را در جامعه باز می شناسد و برای اجرای آن تلاش می کند. هم چنین به عملکرد حاکمیت و حاکمان جامعه، حساسیت نشان می دهد و در برابر رویدادهای مسلمانان و جهان اسلام بی اعتنا نخواهد ماند.

۱۵. گسترش فرهنگ نماز

۱۵. گسترش فرهنگ نماز

در قرآن آمده است:

اِنَّ الصَّلوهَ تَنْهی عَنِ الفَحْشاءِ وَ المُنْکَر. (عنکبوت: ۴۵)

به یقین، نماز از بدی ها و زشتی ها باز می دارد.

نماز، تجلّی دوستی و محبت به خداوند کریم است. نماز، فریاد انسان گناه کار و اعلان پذیرش مطلق حاکمیت الهی است. نماز، نفی اله ها و معبودهای غیر حقیقی، خیالی، عاطفی و کفرآمیز است. نمازگزار، به زیور خوبی ها و زیبایی ها آراسته و از غبار کژی ها و زشتی ها پیراسته است. در مکتب توحید، اقامه نماز، روشی برای بازداری از فحشا و فساد است و نمازگزار به کج اندیشی، سُست باوری و بدرفتاری دچار نمی شود. اجتماع نمازگزاران نیز ضعف و زبونی و سلطه پذیری را نخواهد پذیرفت.

بنابراین، بر اساس آموزه قرآن کریم، برای ایستادگی در برابر هجوم ویرانگر دشمنان، باید به نماز تمسک جست و برای برپاداشتن آن در زندگی فردی و اجتماعی کوشید.

روش شناسی هدایت نسل جوان

اشاره

روش شناسی هدایت نسل جوان

مسأله هدایت نسل جوان، مسؤولیّتی همگانی است که به ویژه بر دوش رهبران دینی جامعه اسلامی سنگینی می کند. در دین مقدس اسلام، مسؤولیت ها مشترک است؛ یعنی افراد مسؤول یکدیگرند و در مسؤولیت های یکدیگر شریکند: «کُلّکُم راعٍ و کُلُّکُم مسئول عن رَعیَّتِهِ»(۱) حتی می توان گفت نسل ها مسؤول یکدیگرند. هر نسل، مسؤول نسل بعدی است که دین خدا و مکتب الهی را که از نسل های گذشته به دست آن ها رسیده است، حفظ کنند و به نسل های آینده برسانند. باید دانست هدایت یک فرد یا یک نسل در همه احوال و شرایط یکسان نیست، بلکه شکل ها و شرایط گوناگون دارد؛ یعنی درباره همه افراد و همه نسل ها و در همه زمان ها یک نسخه مشخص ندارد از این رو، در هر زمان و شرایطی باید در روش هدایت فرد یا جامعه، به دقّت اندیشید.(۲)

شهید مطهری، مسؤولیت دین داران و عالمان دینی را بر دو نوع می داند:

۱. مسؤولیت شکلی: یعنی شارع مقدس، بعضی از تکلیف های دینی را با شکل، اجزا و شرایط مشخص از دین داران خواسته است و دین داران بایستی بدون تصرف در آن، به همان شکلی که دین از آنان خواسته است، آن تکلیف را به جا آورند؛ مانند: نماز، روزه و حج. این گونه تکالیف را تعبّدی گویند.

۲. مسؤولیت نتیجه ای: شارع مقدس از دین دار و عالم دینی تنها نتیجه خواسته است. فرد دین دار و عالم دینی مسؤول به دست آوردن نتیجه

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- ده گفتار، ص ۱۶۳.

است؛ یعنی دین برای رسیدن به نتیجه، روش ثابت و معیّنی را تعیین نکرده است. به اعتقاد شهید مطهری، رهبری نسل جوان از نوع دوم است. به دیگر سخن دین از دین داران و عالمان دینی تنها رهبری نسل جوان را خواسته و برای هدایت او، وسیله و روش ثابت و همیشگی معین نکرده است، بلکه یافتن روش های رهبری را در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی، بر عهده عالمان دینی نهاده است. نمونه آن جهاد در اسلام است که مسلمانان موظف اند از حوزه اسلام دفاع کنند، ولی ابزار و وسیله آن که با شمشیر، تفنگ یا وسایل دیگر باشد، مشخّص نشده است. مسلمانان موظف اند به فراخور زمان و مکان و شرایط، بهترین وسیله را برای این کار فراهم کنند: «و اعِدُّوا لهم ما استطعتم من قوهٍ».

عالمان دینی باید با بهره گیری از هدایت های دین و شناختن نیازها، پرسش ها و خواسته های نسل جوان، روش هایی را برای هدایت این نسل برگزینند. پس هدایت نسل جوان، با توجه به زمان، مکان، فرهنگ، شرایط و افراد؛ گوناگون خواهدبود. قرآن کریم برای رهبری و هدایت انسان، سه روش حکمت، موعظه و جدل را پیشنهاد می کند:

اُدعُ اِلی سبیل رَبِّکَ بالحکمهِ و المَوْعظهِ الحَسَنهِ و جادِلْهُم بالّتی هِی أَحْسَن. (نحل: ۱۲۵)

راز اختلاف معجزه های پیامبران الهی را نیز در همین نکته باید جست وجو کرد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

اِنّا معاشِرَ الْاَنْبیاء اُمِرْنا أَنْ نُکَلِّمَ الناسَ علی قَدْرِ عُقُولهم.

مأموریت ما گروه پیامبران این است که با مردم به اندازه فهم و درکشان سخن بگوییم.

بنابراین، پیامبران با همه، به یک روش و زبان سخن نگفته اند. به قول مولوی:

پست می گویم به اندازه عقول

عیب نَبوَد این، بُود کار رسول

به همین دلیل، استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید:

مهم تر از این که طرحی برای این نسل تهیه کنیم، این است که این فکر در ما قوّت بگیرد که مسأله رهبری و هدایت از لحاظ کیفیت عمل در زمان های متفاوت و در مورد اشخاص متفاوت فرق می کند و ما باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان مِتد قدیم رهبری کنیم.

مسایل رهبری با روان بشر سر و کار دارد. جلب همکاری روان ها و به حرکت درآوردن آن ها به سوی هدفی مقدس و عالی، مهارت و ظرافت فوق العاده می خواهد. امروزه پس از پیشرفت های حیرت انگیز روان شناسی و جامعه شناسی و انسان شناسی، هنگامی که سیر رهبری اولیا را مطالعه می کنیم، می بینیم بر دقیق ترین ملاحظات روانی و به اصول دقیق علمی رهبری منطبق است.(۱)

فهم زبان و منطق نسل جوان

فهم زبان و منطق نسل جوان

داستان آن سه مرد ترک و فارس و عرب را درباره انگور از زبان مولوی شنیده ایم که به دلیل نفهمیدن زبان یکدیگر و نبود زبان واحد، با یکدیگر درگیر شده بودند، در حالی که هر سه، یک مطلب را می گفتند. از این رو، برای ایجاد ارتباط با جوان، فرا گرفتن منطق و زبان او ضروری است؛ زیرا اگر عالم دینی، زبان و منطق نسل جوان خود را نداند، با دو مشکل روبه رو می شود:

۱ ــ نمی تواند گفته ها و خواسته های او را بفهمد و به پرسش و نیاز او پاسخ بگوید؛

۱- ده گفتار، صص ۱۷۹ و ۱۴۳.

۲ _ به دلیل درک نکردن خواسته های جوان، ممکن است با او درگیر شود و با او دشمنی کند. در نتیجه، نمی تواند او را هدایت و رهبری کند.

اگر مشکلی در راهنمایی این نسل باشد، بیشتر در فهمیدن زبان و منطق او و روبه رو نشدن با او، با منطق و زبان خودش است. به اعتقاد شهیدمطهری اگر عالمان دینی، با نسل جوان آشنا باشند، خواهند یافت که این نسل برخلاف آن چه در نگاه نخست به نظر می رسد، لجوج نیست و آمادگی زیادی برای دریافت حقایق دینی دارد. ایشان در تأیید این مطلب می نویسد:

این بنده، خدا را سپاس گزار است که احساس می کند فعالیت های قلمی ناقابل او چه در جراید و مجلات و چه به وسیله کتاب مسأله حجاب اثر خوبی داشته است. نشر این کتاب تأثیر فراوانی در اصلاح عقاید و افکار این نسل داشته است. حتی بعضی از بانوان به اصطلاح متجدد، در وضع خود تجدیدنظر کرده اند.(۱)

الگوی عملی

الگوی عملی

نکته مهم دیگری که استاد مطهری برای هدایت نسل جوان مورد توجه قرار می دهد، اهل عمل بودن هدایت کنندگان نسل جوان است. قرآن کریم می فرماید:

یا اَیُّها الَّذینَ آمَنوا لِمَ تَقولونَ ما لا تَفْعَلون کَبُرَ مَقْتا عِنْدَاللّه اَنْ تَقولوا ما لا تَفعلون. (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟! خداوند بسیار خشمگین می شود که سخنی بگویید و عمل نکنید!

۱- مسأله حجاب، صص ۱۳ _ ۱۴.

راز روی آوردن نسل جوان به امام خمینی رحمه الله در اهل عمل بودن ایشان است. جوانان می دیدنـد که حضـرت امام رحمه الله تنها سـخن نمی گویـد، بلکه پیش از سـخن گفتن، خود عمل می کند. رهبران نسل جوان پیش از این که الگوی فکر دینی باشـند، بایـد الگوی عمل دینی شونـد تا جوان به راحتی بتوانـد فکر ایشان را نیز بپذیرد. اگر جوان میان گفتار و کردار هدایت کنندگانش تضاد و تعارض ببیند، نمی تواند به اندیشه آنان اعتماد و از اندیشه های ایشان پیروی کند.(۱)

موقّتی بودن وسیله ها

موقّتی بودن وسیله ها

گاهی چیزی در جایی وسیله هدایت است، ولی چه بسا همان چیز در جای دیگر وسیله گمراهی باشد. شاید منطقی که شخص عـادی را مؤمن می کنـد، در مورد شـخص تحصـیل کرده کارآیی نداشـته باشـد. شایـد یک کتاب در یک زمان با فضای روز جامعه و سطح فکر زمان متناسب بوده و وسیله هدایت مردم باشد، ولی همان کتاب در زمانی دیگر، چنین اثری نداشته باشد.

آیه شـریفه «اُدْعُ الی سَبیـلَ رَبِّکَ ...»،(۲) سه وسـیله متفـاوت برای دعـوت و هـدایت مردم آورده است که هر یـک از این سـه وسـیله، برای یـک مورد مخصوص است. واژه رب هر جـا که به کـار می رود، به معنای تربیت است، در این جا نیز چون مقام، مقـام دعوت و تربیت است، با واژه رب تعبیر شـده است. مردم را به راه پروردگارت بخوان؛ آن راهی که مردم بایـد به آن راه تربیت شوند. مردم را به وسیله حکمت، دعوت کن.

۱- ده گفتار، صص ۲۲۱ ـ ۲۲۲.

۲- نحل، ۱۲۵.

حکمت یعنی؛ سخن متقن و محکم که خدشه بردار و تشکیک پذیر نیست. به عبارت دیگر، سخن بر پایه علم صددرصد خالص است. مفسران گفته اند دعوت کردن با حکمت و برهان عقلی و علمی، برای گروه ویژه ای است که استعداد آن را دارند. «و المَوعِظَهِ الحسنه»؛ یعنی مردم را با پند و اندرزهای خوب و دل پسند به راه پروردگارت بخوان. بعضی از مردم، استعداد بیان عقلی و علمی ندارند و اگر مسایل علمی برای آنان مطرح شود، نمی فهمند. پند و اندرز دادن به وسیله تمثیل و داستان و حکایت و چیزهایی که دل آنان را نرم کند، راه هدایت آنان است.

«و جادلهم بالتی هی أحْسَنُ»؛ یعنی اگر با کسی روبه رو شدید که هدفش کشف حقیقت نبود و غرضش این نبود که حقیقتی را بفهمد، بلکه برای مجادله و ایراد گرفتن آمده و در کمین است که واژه ای بشنود تا آن را مستمسک قرار دهد و مجادله کند، تو نیز با چنین شخصی مجادله کن. البته تو به گونه ای نیک و پسندیده مجادله کن. این آیه، راه های گوناگون هدایت را آورده است. بنابراین، راه های هدایت یکسان و یکنواخت نیست.(۱)

روش رفتار با جوان

اشاره

روش رفتار با جوان

پیش از طرح اصل مطلب، به نکاتی اشاره می کنیم که ما را در بازشناسی موضوع بحث کمک کند. آن گاه شیوه ها و اصول رابطه با نسل جوان را به اختصار شرح خواهیم داد.

الف) فصل جوانی، فصلی پیچیده و معمّاگونه است.دوران جوانی،

۱- ده گفتار، ص ۲۲۲.

کوران دیگرگون شـدن است. در این دوره، گویی آدمی می میرد و آدمی دیگر زاده می شود. نوجوان همـان «کودک بزرگ شده نیست» و جوان همان «نوجوان رشد یافته» نیست؛ او انسان دیگری است.

ب) سرّ پیچیـدگی و معمّـاگونگی دوران جوانی، گوناگونی مؤلّفه های شـناخته شـده و ناشـناخته ای است که هویت جوان را شکـل می دهـد. هویت جوان، به ویژه جوان امروزی، تحت تأثیر عوامل شـناخته و ناشـناخته اعم از بیرونی و درونی شـکل می گیرد. برخی از این عوامل به قرار زیر است: وراثت، خانواده، جامعه، ملیّت، زیست بوم، طبقه اجتماعی، فرهنگ عصـری ملی و جهانی، دیانت، گرایش سیاسی، میزان تحصیلات، نوع تخصص.

عوامل پیچیده و ناشناخته بسیار دیگری نیز هست که باید با بررسی دقیق علمی کشف شوند. هر کدام از این عوامل، منشأ بروز ویژگی هایی در شخصیت جوان است. هر کدام از این ویژگی ها نیز مقتضیاتی دارد که در برقراری رابطه با جوان باید در نظر گرفت.

ج) برای این که به مقتضـیات دوره جوانی، پاسخ درستی داده شود و ویژگی های وجودی او را به درستی سامان بخشـیم و در خدمت اهداف الهی ـ انسانی درآوریم، باید مناسبات خود را با نسل نو در چهارچوب قواعد و شیوه های دقیقی تنظیم کنیم تا بتوانیم ارتباطی منطقی، کارساز و مطلوب با جوان برقرار کنیم.(۱)

برای فهم نسل جوان و تنظیم مناسـبات سازنده با آنان، اسـتادان و مربیان امور تربیتی به ویژه روحانیان باید عالمانه و دردمندانه ویژگی ها و

۱- جوان و رسالت حوزه (مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه)، صص ۴۶ ـ ۴۷.

مقتضیات جوانی را در چهار گرایش زیست شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و مردم شناختی بررسی کنند.

از نظر روان شناختی؛ ذهنیت شناسی، فاصله زدایی و جلب اعتماد مخاطب، یکی از بایسته های کارآمدسازی مناسبات است. شیوه هایی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، بیشتر در جهت بسترسازی برای دست یابی به همین بایستگی ها است. ذهنیت شناسی مخاطب، این است که بدانیم مخاطب ما به چه می اندیشد و درباره ما چگونه می اندیشد. تا وقتی ذهن مخاطب را درنیابیم، تلاش ما نتیجه منفی و معکوس بر جای خواهد گذاشت.

فاصله زدایی؛ یعنی هم دل و هم احساس شدن با مخاطب و ابراز این هم دلی با مخاطب. متأسفانه در چند سال گذشته، در ارتباط مربیان و مبلّغان فرهنگی با جوانان، مشکلی پدید آمده است که اگر این مشکل برطرف نشود، تلاش ایشان برای برقراری ارتباط سازنده با نسل جوان کارساز نخواهد بود. این مشکل همان «احساس بیگانگی میان مربیان و نسل جوان است». هم برخی مربیان فرهنگی، جوانان را غریبه می انگارند و احساس می کنند که نمی توانند با آن ها هم دل و هم گام شوند و هم نسل جوان دچار بیگانه انگاری شده است. از این رو، تا این دیوار بیگانه انگاری از میان برداشته نشود، هرگز پیام عالمان دینی به گوش نسل جوان نخواهد رسید.

برای ایجاد ارتباط با جوانان، آنان باید ما را بپذیرند و احساس کنند که ما با دست پر به سوی آن ها رفته ایم و حرفی برای گفتن داریم. جوان باید دریابد که به حوزه دین نیازمند است و ما آن چه را او می خواهد ـ در قلمرو مباحث فکری و نظری و عاطفی ـ در دست داریم و می توانیم

برای او فراهم کنیم. جوان باید روحانیان را پناه گاه علمی، معنوی و عاطفی خود بداند.

در مناسبات میان جوانان و مربیان تربیتی، اصول و روش هایی بایـد مورد توجه قرار گیرد. که آن ها را به چهار دسته تقسیم کرده ایم:

۱. اصول و قواعد شکلی؛

۲. اصول تکوینی و وجودی؛

۳. روش های برخورد با جوانان؛

۴. شیوه های گفت وگو.

اکنون این اصول و شیوه ها را به اختصار شرح می دهیم.

۱. اصول و قواعد شکلی

۱. اصول و قواعد شکلی

این دسته به ظاهر کم ارزش به نظر می رسند، ولی در تنظیم روابط با جوان، بسیار کار سازند.

الف ــ جاذبه های ظاهری

مربّی تربیتی در برخورد بـا جوان، بایـد بـا استفاده از زیبـایی و پاکیزگی لباس و آرایش و با رفتار خوب و مناسب خود در دل جوانان پاک دل رخنه کنـد تا بتوانـد در همان برخورد نخست، جوان را به سوی خود جـذب کند. لباس و رفتار نامناسب پیش از هر چیز، نخستین پل رابطه با جوان را ویران می کنـد. اگر همین ظرافت، رعایت گردد، نسل جوان به صورت ناخودآگاه، به برقراری ارتبـاط بـا مربی خود احسـاس نیاز خواهـد کرد. از این رو، مناسب است برای امور تربیتی جوانان، مربیانی را برگزینیم که از ویژگی ظاهری خوبی برخوردار باشند.

ب ــ برخورد بانشـاط: گفت وگـو به لفـظ و صـورت نیست، بلکه به نَفَس و نظر است. نخسـتین گفت وگـو میـان دو انسـان، ماندگارترین خاطره میان

آن ها نیز هست. برخورد خشک و بی روح و گرفته، حجاب نفوذناپذیر در رابطه میان جوان و مربّی تربیتی است.

ج ــ به کار گیری ادبیات دلنشین: ادبیات پر اصطلاح، پیچیده، تخصصی و کهنه نمی تواند نسل جوان را به سمت دین بکشاند. امروز، طلبه فاضل حوزه باید به فراگیری ادبیات معاصر و درست سخن گفتن و زیبا نگاشتن همت گمارد. به کار بردن یک واژه غلط یا ترکیب نادرست، کافی است تا جوان با متوجه شدن آن خطا، از مربّی فاضلِ خود چشم بپوشد و او را بی سواد و بی هنر قلمداد کند.

۲. اصول تکوینی و باطنی

۲. اصول تکوینی و باطنی

منظور از اصول تکوینی، اصول و قواعدی است که مربّی فرهنگی و دینی باید به دور از هرگونه ظاهرسازی، به طور واقعی بدان ها معتقد و ملتزم باشد. این اصول نکاتی است که رعایت واقعی و خالصانه آن ها، اثر وضعی درونی در پی خواهد داشت. بدین دلیل، از آن ها به اصول تکوینی و وجودی تعبیر می کنیم. برخی از این اصول به قرار زیر است:

الف ــ خیرخواهی و اخلاص: مربیان تربیتی باید به طور تکوینی و نیک خواهانه و از سر احسان، با نسل نو روبه رو شوند. خیرخواهی حقیقی، اثر وضعی معجزه آسایی برای مردم و مخاطبان دارد.

ب ــ راست گویی و کردار شایسته: امام صادق علیه السلام از آن به دعوت غیرلسانی تعبیر فرموده است. راست گویی باید با کردار مناسب تأیید شود و با ظاهرسازی و ریا نمی سازد. جوان، با ذکاوت و ادراکی درونی و ذاتی می فهمد که چه کسی راست می گوید و چه کسی راست نمی گوید. بنابراین، راست گفتاری ما باید با رفتار ما تأیید گردد.

ج ــ ایمان به توانایی و شایستگی جوان: وقتی انسان به بلوغ می رسد،

روحیه، توان، استعداد، خردورزی و عواطفِ او دگرگون می شوند. بنابراین، باید به منزلت و شخصیت و توانایی های جوان ایمان و اذعان داشت. بی اعتنایی به جوان، همان چیزی است که در سال های پس از جنگ اتفاق افتاده است و امروز به پی آمدهای شوم آن گرفتار شده ایم تا به جوان حرمت ننهیم و او را به رسمیت نشناسیم، نمی توانیم با او ارتباط برقرار کنیم زیرا این یک اصل تکوینی است.

د ــ پرهیز از خود برتربینی: اگر جوان احساس کند که ما فروتن هستیم، او نیز تواضع می کند. اگر احساس کند که در پی اثبات برتری خود هستیم، چون این حس در او قوی تر است، او نیز تکبر خواهد ورزید. غرور یکی از ویژگی های دوران بلوغ است یعنی جوان هرگز حاضر نیست در برابر کسی فروتنی کند مگر در مقابل افراد فروتن. این تصور که چون من استاد یا روحانی هستم، پس باید جوان به من احترام کند، پنداری غلط است. تا با جوان اُنس نگیریم، دیوارهای فاصله میان ما و جوانان فرو نخواهد ریخت، بلکه بر استواری و بلندی آن هم چنان افزوده خواهد شد.

ه ــ حق پذیری: باید به راستی حق پرست و حق پذیر باشیم. گفتن حق هر چند تلخ و سخت باشد و شنیدن حق هر چند دشوار و ناگوار باشد، باید برنامه عمل ما قرار گیرد.

اگر حق مدار باشیم، حق؛ شیرین، پذیرفتنی و گوارا خواهد نمود و سرانجام کامیاب و محبوب خواهیم شد. اگر یک سخن حق را از جوان پذیرفتیم، منتظر باشیم که او سخنانِ حق ما را خواهد پذیرفت، ولی اگر یک مطلب حق را از او نپذیرفتیم، باید بدانیم که سخنان حق ما را نیز باطل خواهد انگاشت.

۳. اصول رفتاری

۳. اصول رفتاری

الف ــ صبوری و رویارویی فراجریانی: اگر جوان احساس کند که مربّی از موضع یک حزب و جریان و طبقه ممتاز با او سخن می گوید، اسیر پیش فرض ها و چارچوب انعطاف ناپذیر خاصی می شود. از این رو، کلام حق او، باطل جلوه خواهد کرد. باید گوش شنوا داشته باشیم تا زبان گویا بیابیم. باید در برابر هرگونه تندی و هجمه ای صبور باشیم. تنها با صبر و سعه صدر است که می توان جوان را به فروتنی و پذیرش ادعاها و پیام هایمان وا داریم.

ب ــ اعتماد به نفس در گفتار و رفتار: چنین حالتی پی آمد آمادگی و مطالعه علمی است. اگر با دست پر در مجامع حضور بیابیم، می توانیم با اعتماد به نفس، سخن بگوییم. بدون اعتماد به نفس هرگز نمی توانیم تأثیر بگذاریم. هر چند متأسفانه نظام علمی و تحصیلی کشور ما، جوان را چندان عالم و آگاه بار نمی آورد، ولی دانستنی های عمومی و گوناگون نسل امروز، اقتضا می کند که افزون بر دقت در طرح مطالب و مباحث، از تنوع علمی برخوردار باشیم و ناسنجیده سخن نگوییم. جامعه ما به حضور مربیان روحانی نیازمند است و این عزیزان نیز توانایی لازم را دارا هستند. در عین حال، تأکید می کنیم که گفتن «نمی دانم» از علم «ادّعایی» کارسازتر است. با اعتراف به ندانستن مسأله ای، طمأنینه و اعتماد به نفس خود را هم چنان حفظ خواهیم کرد، ولی اگر اقرار به ندانستن را عیب دانستیم، به محض درماندگی در یک مورد به دلیل جهل به مسأله، همه سازمان ذهنی ما به هم می ریزد.

ج ــ به کارگیری دل بستگی های معقول جوان: جوانان دارای گرایش ها و سلیقه های معقول و طبیعی هستند. مربی باید تدبیری بیاندیشد که این

عوامل را برای رساندن پیام خود به استخدام درآورد. در آن صورت، دل بستگی های جوانان به جای این که نقش مخالف را در برابر پیام ایفا کند، همراه و پشتیبان او خواهد شد. تجدد و نوگرایی، جرأت و جسارت، تلاش و تحرک، آزادی خواهی و آزادگی، امید و آرمان گرایی، نشاط و طراوت، عاطفه و لطافت، غرور و غلبه جویی، احساس شخصیت و منزلت طبیعی، از ویژگی های دوران جوانی است. مشارکت دادن جوانان در فرآیند گفت وگو بسیار ضرورت دارد؛ زیرا او باید احساس کند که در طرح و اداره بحث، سهیم است. بیش از نیمی از جلسه را باید به بحث و طرح مطلب خودمان بپردازیم و در کم تر از نیمه دیگر بحث، میدان بدهیم که مخاطب سخن بگوید تا جوان بر سر حرف بیاید و درد دل کند و عقده بگشاید. آن گاه جلسه های ما پر جاذبه، با نشاط و بس تأثیرگذار خواهد شد.

د ــ تبلیغ غیر مستقیم: سخن گفتن مستقیم و صریح در جایگاه پند و نصیحت و نقد و توبیخ سم خطرناکی در برقراری رابطه با جوان است.

۴. اصول گفت وگو

۴. اصول گفت وگو

هنگام سخن گفتن چگونه بگوییم؟ از چه بگوییم؟ از چه نگوییم و چه چیزهایی را در نظر بگیریم؟

الف ــ سنجش مخاطب: باید دانست که با چه گروه سنّی سخن می گوییم. مخاطبان ما در چه سطحی از دانش هستند و از چه بینش و گرایش هایی برخوردارند و چه پرسش هایی در ذهن آنان پرسه می زند؟ باید مطالب تنظیم شود وگرنه مانند آن است که پزشکی در یک سو نشسته باشد و گروهی بیمار هم در سویی دیگر و پزشک بی آن که بداند بیماران در چه شرایطی از وضعیت سنی و جنسی هستند و بیماری آنان چیست و

عوارض بیماری آنان کدام است، یک مشت دارو در کیسه بریزد و در اختیارشان بگذارد. این نه تنها مثبت نیست، بلکه زیان آور هم هست. زیان این نوع رفتار این نیست که ما به هدفمان نمی رسیم و داروی ما کارگر نمی افتد، بلکه داروی ما دردافزا و هلاکت زا خواهد شد.

ب ــ آغاز گفت وگو از نقطه مشترک: باید از نقطه اختلاف و مطلب غیرمسلّم آغاز نکنیم، بلکه از آن چه میان ما و او مشترک بوده و نزد او پذیرفته است، آغاز کنیم. مخاطب باید ما را هم اندیشه و هم دل خود بیانگارد تا به بیان ما گوش جان بسپارد. مخاطب جوان باید از ما مطالب آرام بخش قطعی بشنود، نه دیدگاه های حیرت آور و پریشانی زا.

ج ــ تبیین نمودهای آسان گیر و خوش آیند دینی: از کجا آغاز کنیم؟ از بهشت بگوییم یا از جهنم؟ باید از بهشت آغاز کرد و جنبه های دل پذیر و محبّت آمیز دین. به راستی، دین آسان و روان است؛ آن را سخت جلوه ندهیم و با توجه به سطح فهم مخاطب از لطایف عرفانی و ظرایف روحانی سخن بگوییم. پیش تر و بیش تر، از «آری»های دین حرف بزنیم. سلیقه در گزینش مطلب بسیار مهم است. روح لطیف جوان و گرایش ها و بینش های او خوشی و دل پذیری می طلبد. سخن از سختی ها و تلخی ها آن هم به نام دین که گاه مبالغه آمیز می شود، بسیار زیان بار است.بهتر است «امر به معروف» را بر «نهی از منکر» مقدم بداریم. از «نه» آغاز نکنیم، بلکه از «آری» آغاز کنیم. حتی در برخی موارد، پاسخ منفی را نیز باید با عبارت های مثبت القا کرد. هر جا که به ناچار باید نهی کرد، در قبال هر مورد نهی شده، باید جای گزین مثبت آن نیز ارایه شود. این همان روش تبلیغ به سبک قرآن است.

د ــ پرهیز از افراط و تفریط در گفتار و رفتار: منظور از این نکته (این مطلب

بـا دیگر اصول گروه هـای چهارگـانه پیش گفته هم عرض نیست)، پرهیز از تبیین هـای افراط آمیز و تفریـط آلود آموزه هـا و گزاره های دینی و خودداری از افراط و تفریط در رفتار است. گفتیم که باید لباس زیبا و لطیف پوشـید، آرایش ظاهری زیبا و دل پـذیر داشت، گشاده رو بود و با نسل جوان، به خوبی و خوش رویی رفتار کرد. با این حال، این روش نیز انـدازه ای دارد و نبایـد به جایی برسـد که به ضـد خود تبـدیل شود. البته آسان معرفی کردن دین و از جنبه های دل پذیر آموزه های دینی آغاز کردن، به معنی ابـاحه گری و روا انگـاری نیست. در رفتـار نیز نبایـد آن چنان عمل کنیم که موجب سرشکسـتگی و سـبکی و کاسته شدن از ارزش فرهنگ دینی در جامعه گردد!

امروز برای حوزویان، مسأله ای با اهمیّت تر از اندیشـیدن به مسأله جوان و تـدبیر درست در روابط حوزه و روحانیت با جوانان وجود نـدارد. این مسأله سـرنوشت سازتر از هر فکر و عملی است. اگر دلسوز انقلاب و اسـلام هستیم، مهم ترین مسأله ما باید پرداختن به نسل جوان باشد.

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

گفتار اوّل: رسانه و تبلیغات جهانی

گفتار دوّم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه(۱)

گفتار سوم: مسؤولیت های رسانه دینی

پرسش ها و پاسخ ها

۱-

گفتار اوّل: رسانه و تبلیغات جهانی

اشاره

گفتار اوّل: رسانه و تبلیغات جهانی

زیر فصل ها

تبلیغات در جهان معاصر

تبلیغات در جهان معاصر

امروزه، تبلیغات آن چنان پیچیده شده است که در مقایسه با تاریخ گذشته، این حجم از تبلیغات بی مانند است. در عصر کنونی، تبلیغات و اعمال فشار چنان به یکدیگر آمیخته اند که مرز تبلیغ وتحمیل مشخص نیست.

هنگامی که ژنرالی، نیروی نظامی خود را به نمایش می گذارد تا موجب رعب و هراس گروه دیگری شود، وقتی کودتاگری با رسته ای کوچک از نظامیان وفادار خود در سایه حمایت قدرت های بزرگ قرار می گیرد و زمانی که ابرقدرت ها، برای سرکوبی قیام ملت های محروم، نیروهای نظامی و ناوهای جنگی به کشورها گسیل می دارند، تبلیغ و زور مرز مشخصی ندارند.

اهمیّت افکار عمومی و شیوه های تبلیغ به اندازه ای است که هر ساله مبلغ هنگفتی صرف مدیریت و هدایت افکار عمومی و آموزش مدیران و دست اندرکاران آن در عرصه جهانی می شود.

به گفته فیلیپ بونونسکی ـ نویسنده امریکایی ـ جهان سرشار از کتاب هایی است که عاملان سیا نوشته و منتشر کرده اند. افزون بر این، سازمان سیا، در کشورهای گوناگون، بنگاه های انتشاراتی و شبکه های

پخش کتاب و روزنامه دایر کرده است. مهم ترین و بزرگ ترین خبرگزاری ها در جهان، یونایتد پرس و آسوشیتد پرس (امریکا)، رویتر (انگلیس)، تاس (شوروی سابق) و فرانس پرس (فرانسه)، روزانه بیش از ۴۵ میلیون کلمه به ۱۱۲ کشور جهان مخابره می کنند. بر اساس آمار یونسکو، جریان انتقال اخبار از این کشورها به ملت های زیر سلطه، صد بار بیشتر از انتقال اطلاعات از کشورهای زیر سلطه یاد شده به کشورهای بزرگ است. بیشتر کشورها در نتیجه اخبار و اطلاعات نادرست، به بازی گرفته می شوند و به دام فریب تبلیغاتی می افتند.

آژانس ارتباطات بین المللی امریکا ــ همکار نزدیک سازمان سیا ــ مرکز اصلی شبکه تبلیغاتی غرب در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. بودجه این سازمان در سال ۱۹۷۹م. بیش از چهار صد میلیون دلار بود. بخشی از فعالیت های این آژانس به شرح زیر است:

انتشار ۱۲ مجله به ۲۲ زبان؛ تهیه و پخش ۹۰۰ فیلم در سال؛ نمایش برنامه های تلویزیونی در ۱۰۰ کشور دنیا؛ ساخت کتاب خانه ها و مراکز فرهنگی و تبلیغی در کشورهای گوناگون؛ پخش سالانه، ۵ میلیون نسخه کتاب، در ۲۵ زبان؛ پخش برنامه ها و پیام های رادیو صدای امریکا در بیش از ۵ هزار ایستگاه در تمام جهان.

گفتنی است صدای امریکا در مجموع، هفته ای ۸۲۲ ساعت برنامه به ۳۸ زبان دارد که از ایستگاه مرکزی واشنگتن، پخش و به وسیله ماهواره یا به طور مستقیم به ۱۱۵ تقویت کننده در آلمان، یونان، سری لانکا، فیلیپین و جزیره اوکیناوا در ژاپن فرستاده می شود.

در سال های اخیر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزون بر برنامه های ماهواره و اینترنت، توجه صدای امریکا به کشورهای مسلمان

معطوف گشته و زمان برنامه های فارسی آن به شش برابر افزایش یافته است. هم چنین این رادیو، برنامه های شبانه روزی به زبان عربی دارد.

مجموعه این دستگاه ها، سازمان ها و امکانات سبب شده است که یک نویسنده امریکایی، ماشین تبلیغات امریکا را نیرومندترین شبکه شست وشوی مغزی جهان بداند.

در نظام های غیر الهی از گذشته تاکنون، هدف اصلی از تبلیغات، نفوذ در افکار عمومی بوده است. آنان می خواسته اند ذهن را به خود جلب کنند و انسان ها را از فطرت الهی شان دور سازند و آزادانه به استعمار، استثمار، استضعاف و غارت و چپاول ثروت ها، دست زنند. تهاجم تبلیغاتی از خشونت های فیزیکی بی رحمانه تر است؛ زیرا می توان آن را بدون توقف برای تجدید انرژی هم چنان ادامه داد.

در مقابل، هدف و انگیزه تبلیغ در اسلام، به حرکت در آوردن مردم به سوی خدا و گسترش ارزش های الهی ــ انسانی، شناساندن ارزش های رهایی بخش اسلام، زدودن زنگار تبلیغات شرق و غرب از روح انسان ها و نجات بشر از منجلاب فساد و تباهی است.(۱) البته مسلمانان باید از بهترین، پیشرفته ترین و جدیدترین شیوه های تبلیغاتی درست، برای هدایت همه انسان ها بهره گیرند تا بتوانند فطرت انسان های الهی را بیدار کرده و در دل و ذهن آنان نفوذ کنند.

ابزار تبلیغات در جهان معاصر

ابزار تبلیغات در جهان معاصر

ما در عصری زندگی می کنیم که ارتباطات گسترده و تبلیغات پیچیده

۱- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، صص ۲۰ ــ ۲۲.

بسیاری از کارها را بهبود بخشیده، ولی هم چون شمشیری دو لبه، شرایط مطلوب تری را برای استعمارگران فراهم کرده است.

اگر استعمارگران در گذشته مجبور بودند با لشکرکشی های فراوان و تحمل دشواری های بسیار به سرزمینی یورش برند، امروزه به مدد ابزارهای پیشرفته، به راحتی می توانند تا عمق خانه های مردم نفوذ کنند و به آسانی، بنیان های مستحکم فرهنگ های دیگر ملت ها را بسوزانند.

صهیونیسم به عنوان یکی از مظاهر استعمار جدید با اتکا بر پشتوانه های اقتصادی و ابزارهای تبلیغی و پشتیبانی همه جانبه امریکا، حرکت گسترده ای را برای تفرقه افکنی میان مسلمانان تدارک دیده است. صهیونیست ها با نفوذ در خبرگزاری ها، برنامه های ماهواره ای، پایگاه های اینترنتی و مطبوعات جهان، شاه راه اطلاع رسانی بین المللی را در اختیار گرفته و با گذشت مدتی کوتاه، چنان بر کشورهای جهان چیره شده اند که اکنون کمتر مجله و روزنامه ای را می یابیم که صهیونیست ها، آن را از بیرون هدایت نکنند. هم چنین با سلطه بر سینما، تلویزیون، تئاتر و دیگر رسانه های هنری و تبلیغی جهان کوشیده اند دقّت و حساسیت جوانان و نیروهای کارآمد کشورها را نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش از میان ببرند و آنان را به موجوداتی بی تفاوت و سطحی نگر بدل سازند. نگاهی گذرا به جوامع گوناگون به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای شمال امریکا و آسیا گواهی بر ادعای ماست.

اگر مسلمانان یکپارچه به ندای وحدت بخش امام خمینی رحمه الله گوش فرا می دادند و نیروهای پراکنده خویش را برای نابودی دشمن مشترکشان بسیج می کردند، آیا باز هم جهان اسلام شاهد این همه فجایع دردناک و

جانسوز بود؟ آیا زمان آن فرا نرسیده است که آگاهانه و هوشیارانه، دوست را از دشمن بازشناسیم و تاوان آن چه را در گذشته بر ملت ها و بنیان های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ما رفته است، باز ستانیم؟(۱)

جمال عبدالناصر؛ رییس جمهور فقید مصر در بخشی از سخنانش به دانشجویان دانشگاه الازهر (۱۹۶۱ م.) می گوید:

هر زمان که به عظمت اسلام در گذشته فکر می کنیم، می بینیم مسلمانان در پرتو نیروی ایمان توانستند آیین خود را در شرق و غرب دنیای آن روز، گسترش دهند. آیا روزی می رسد که آن عظمت تجدید شود؟... من به چنین روزی امیدوارم.(۲)

۱- نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمان های بین المللی، فؤاد بن سید عبدالرحمن الرفاعی، بر گردان: حسین سرو قامت، صص ۳ _ ۴.

۲- فلسفه اسلام، جمال عبدالناصر، برگردان: حسن فرامرزی، بنگاه انتشارات آرمان، ۱۳۵۷.

گفتار دوّم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه۱

اشاره

گفتار دوّم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه(۱)

غرب در پی آن است تا فرهنگ توسعه یافته خود را فرهنگ برتر معرفی کند به گونه ای که همه در آن غرق شوند. به همین دلیل است که غرب گرایان؛ نوگرا، کارآمد و مترقّی و مخالفان فرهنگ غرب؛ واپس گرا و مخالف دموکراسی معرفی خواهند شد. عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه را می توان چنین برشمرد:

۱. عوامل روانی

۱. عوامل روانی

نوجوانان و جوانان به دلیل پویایی و تنوع خواهی، نسبت به سالمندان که از نظر فرهنگی و روانی، حالت ایستایی دارند، فرهنگ بیگانه را راحت تر پذیرا می شوند. از این رو، باید نیازهای روحی و روانی این قشر را شناخت، و به درستی برآورده کرد.

یکی از این عوامل، غرور ناشی از رُشد جسمانی است که رسانه می تواند با ساخت برنامه های حماسی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و نیز چهره های شاخص ملّی مانند پوریای ولی و تختی، مظهر انسانیت و جوان مردی و قهرمانی را در کنار پهلوانی نمایش دهد. به یقین اگر زندگی شخصیت های ملّی و دینی جامعه به تصویر کشیده شود، تأثیر به مراتب بیشتری از مجموعه هایی مانند: جنگ جویان کوهستان و افسانه شجاعان خواهد داشت.

۱- تهاجم فرهنگی غرب، پژوهش های کاربردی، معاونت برون مرزی صدا و سیما، صص ۱۴۱ _ ۱۶۰.

۲. عوامل اجتماعی

۲. عوامل اجتماعی

عملکرد احزاب و گروههای فعال اجتماعی در پذیرش فرهنگ بیگانه نقش زیادی دارد؛ زیرا تنش های سیاسی و اجتماعی، آسیب های اجتماعی شکننده ای را به بار می آورند. بدین سان تقویت وفاق ملی و کاستن از تنش های اجتماعی و سیاسی باید از سیاست های برنامه ای صدا و سیما باشد.

معرفی شخصیت های اجتماعی از دیگر کارهایی است که رسانه باید بدان اهتمام ورزد. برای نمونه، در قرون وسطی، فردی اروپایی به نام مارکوپولو به جهان و کشورهای شرقی سفر کرد که غربیان، ماجرای او را بارها و بارها در کتاب ها، فیلم ها، سریال ها و کارتون های خود نمایش داده اند. در مقابل، ما که در آن عصر، جهانگردان بزرگی داشته ایم، هنوز نتوانسته ایم آنان را به جوانان کشورمان، معرفی کنیم. سفرنامه هایی مانند: تحقیق ماللهند از ابوریحان بیرونی، سفرنامه ناصرخسرو و سفرنامه ابن بطوطه شاهد این ادعاست. گذشته از اینان، مفاخر بزرگ و جوان مردان غیوری در زمان جنگ داشته ایم که حماسه های شگفتی آفریده اند، مانند: حاج همت ها، خرازی ها، زین الدین ها و فهمیده ها و... .

در این راستا، تبلیغ نمادهای ملی و اجتماعی که با آموزه های دینی مخالفتی ندارند، مانند: پرچم، سرود جمهوری اسلامی ایران، خط، زبان و... که زمینه ساز فرهنگ دوستی و دفاع از فرهنگ خودی خواهند بود، مثبت است.

۳. عوامل سیاسی

۳. عوامل سیاسی

یکی از راه های تقویت و رشد بینش نوجوانان و جوانان درباره فرهنگ خودی، آگاه ساختن آنان از مسایل منطقه ای و جریان های سیاسی ـ

اجتماعی منطقه و کشور خویش است؛ چون جوانان همواره به مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه خود و جهان حساس بوده و نسبت به آن بی تفاوت نیستند. در پرتو این حس، می توان اهتمام به امور مسلمین و انجام وظیفه شخصی در برابر مسلمانان دیگر را آموزش داد؛ یعنی جوان، فرهنگ بیگانه را با توجه به آموزه های دینی خود نقد و ارزیابی می کند و نسبت به انواع فرهنگ ها در جهان و میزان تأثیرگذاری آن ها بر ملّت ها، حسّاسیت پیدا خواهد کرد. البته این امر ممکن نیست مگر این که از عملکرد حاکمیت و حاکمان جامعه خود شناخت کافی داشته باشد. بنابراین، برنامه سازی، پردازش و توجیه مسایل منطقه ای و کشوری در واکنش متعهدانه نوجوانان و جوانان نقش مهمّی ایفا می کنند. در غیر این صورت، جوان به امور سیاسی بی تفاوت می شود و در اثر تبلیغات بیگانگان، دورنمای مثبتی از فرهنگ سیاسی غرب پیش خود ترسیم خواهد کرد.

بی تفاوتی سیاسی آفتی است که می تواند موفقیت های سیاسی جامعه را بی اهمیت جلوه دهد و غرور مردم به ویژه قشر جوان را خاموش سازد. از این رو، فراهم کردن زمینه های مشارکت سیاسی جوانان از دیگر فعالیت های رسانه است. جوانان یک کشور وقتی نسبت به مسایل سیاسی داخلی و بین المللی حساسیت نشان خواهند داد که خود را به طور واقعی و فعّال در آن مسایل، دخیل بدانند.

۴. عوامل فرهنگی

۴. عوامل فرهنگی

مهم ترین شاخص های فرهنگی که در گرایش به فرهنگ بیگانه تأثیرگذارند، عبارت است از:

الف ــ پوشاک: لباس، هویت فرهنگی یک ملّت را مشخص می کند.

غربیـان به سـبب عینی و ملموس بودن این پدیـده فرهنگی، همواره نسـبت به آن حسـاس بوده انـد. در این میـان، پوشاک زنان بیشتر مورد نظر آنـان است. از این رو، نمایش لباس های گوناگون و اسـتفاده بازیگران تلویزیون از آخرین مُـدهای لباس های غربی، ضرورتی ندارد و حتی به بدآموزی می انجامد.

ب ــ زبان و خط: رسانه باید در حفظ زبان فارسـی (به دلیل ادبیات غنی و شدت علاقه مردم) بیشتر بکوشد وگرنه زبان و خط بیگانه برای جوان خوش جلوه می کند. از این رو، رسانه باید اصـطلاحات و واژگان بیگانه را کم تر به کار گیرد. هم چنین در برنامه ها نبایـد از کارشـناسان علمی در یک زمینه خاص، بیش از حدّ لازم اسـتفاده شود به ویژه اگر آنان از کسانی باشـند که واژه های بیگانه را زیاد به کار می برند. مطرح کردن چنین افرادی در خوش جلوه دادن زبان های بیگانه تأثیر دارد.

تا آن جا که ممکن است باید از نمایش خط و زبان بیگانه پرهیز کرد. اگر برنامه ای می تواند با نمایش خط های فارسـی اجرا شود، باید از به کار بردن خط های بیگانه پرهیز کرد.

ج ــ هنر: رسانه باید بکوشد هرچه بیشتر از نام های ایرانی و اسـلامی برای هنرپیشه ها اسـتفاده کند. نام گذاری نام های ایرانی و اسـلامی در تبلیغ و ترویـج این گونه اسم ها نقش زیادی دارد. متأسـفانه برخی افراد به کاربردن نام های غربی برای فرزنـدان خود و محـل کسب و کارشـان را افتخار می داننـد. بنابراین، پرداختن به آداب و رسوم اجتماعی و اسـتفاده از نام های فرهنگ خودی می تواند تا حد زیادی از گرایش جوانان و نوجوانان به فرهنگ بیگانه بکاهد.

گفتار سوم: مسؤولیت های رسانه دینی

اشاره

گفتار سوم: مسؤولیت های رسانه دینی

امروزه جادوی الکترونیک (حرکت، تصویر و نور) به جای واژگان و گفتار نشسته است. این تحوّل که در مسیر رشد و تکامل خرد و اندیشه ورزی بشری است، گسترش شعور و آگاهی مردم را در پی داشته است و رفته رفته اختلال های فرهنگی و انحطاط های فرهنگی را پدید می آورد. نیل پستمن، این تحول را در جامعه امریکا چنین توصیف می کند:

در حالی که در عصر کتاب و کتاب خوانی، منظره های مردمی و افکار عامه غالبا هماهنگ و منسجم، جدی و منطقی و عاقلانه بوده است، امروزه در پی این تبدیل جادویی، سراسر ناهموار، ناهماهنگ، بی محتوا و بیهوده شده است... .(۱)

او انحراف های تلویزیون را در برخی جامعه ها گوشزد می کند و می نویسد:

انحطاط و زوال معرفت شناسی مبتنی بر کتاب و کتاب خوانی و طلوع و رشد معرفت شناسی استوار بر پایه تلویزیون، ردپای ناگواری بر زندگی اجتماعی ما بر جای گذارده است.(۲)

معرفت شناسی برخاسته از فرهنگ الکترونیکی و تلویزیون نه تنها بی مایه تر از معرفت شناسی برخاسته از چاپ و کتاب است، بلکه بسیار خطرناک و نابخردانه بوده و با عقل و اندیشه در ستیز است. در این میان

۱- تکنوپولی، نیل پستمن، برگردان: صادق طباطبایی، ص ۷۷.

۲- تکنوپولی، نیل پستمن، برگردان: صادق طباطبایی، ص ۸۰.

نکته مهم این است که وظیفه رسانه اسلامی ما چیست؟ چگونه یک رسانه اسلامی باید در این جهان سرشار از شگردهای تبلیغی، برنامه ریزی و برنامه سازی داشته باشد؟

با وجود پاک سازی نظام آموزشی و پرورشی از مظاهر فرهنگ غرب، به دلیل طولانی بودن زمان سلطه استعمارگران غربی و تبلیغات گسترده آن ها، برای زدودن فرهنگ غربی از چهره کشور، تلاش فراوانی لازم است. ابزارهای فرهنگی غرب در عرصه رسانه و تبلیغ، چنان گسترده و گوناگون است که عیب های فرهنگ بیگانه پوشیده می ماند و عیب های فرهنگ خودی به طور چشم گیری پیش روی نوجوانان و جوانان قرار می گیرد. نمایش بدون جاذبه فرهنگِ خودی از سوی متولیان فرهنگی نیز بر مشکل می افزاید. رسانه با بهره گیری از آموزه های اسلام و راه کارهای تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام ، می تواند در حذف سردرگمی ها و گرایش های نادرست قشر جوان، نقش مهمی داشته باشد. باید به فرهنگ غنی اسلام روی آورد و شیوه های کار آمد آن را جُست و به کار بَست.

در هدایت این نسلِ آگاه، باید اصول و شیوه های مناسب تربیتی را به کار ببندیم. نخست باید به فرهنگ اسلامی و ملی خود پی ببریم و آن چه را که با فرهنگ ما ناهماهنگ است، از آن جدا کنیم تا ناخواسته به فرهنگ اسلامی و ملی خود ضربه نزنیم.

در شرایط کنونی، جامعه ما بیشتر نیازمند فعالیت های فرهنگی از سوی رسانه است؛ چون با وجود منابع پربار فرهنگی، بزرگ ترین کمبود انقلاب ما، کمبود فرهنگی است. اکنون زمان آن است که به شعارهای اولیه انقلاب برگردیم که همان بازسازی فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب است و همگان باید در این بازسازی شرکت کنند: «کُلُّکم

راع و کُلُکُّم مسؤول عن رَعیّته».(۱)

در این میان، صدا و سیما مسؤولیت بیشتری دارد؛ چون گسترده ترین دستگاه تبلیغی کشور است. امروزه ما باید بینش های صحیح اسلامی را به جامعه آموزش دهیم و ارزش های اسلامی را زنده نگه داریم. بنابراین، در دوره بازسازی فرهنگی و معنوی باید بر فرهنگ اصیل اسلامی تکیه کرد.

توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان

توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان

بر بیگانگان نمی توان خرده گرفت که چرا چنین می کنید و در پی شکار نیروهای فعال کشورهای دیگر هستید؛ زیرا از آنان به جز این، انتظاری نیست. این جامعه اسلامی و رسانه اسلامی است که باید برای نوجوانان و جوانان خود تدبیری بیاندیشد تا در دام بیگانگان اسیر نشوند. در این راستا، صدا و سیما باید به امور زیر توجه کند:

۱. افزایش سطح فکری و فرهنگی جوانان و آگاه کردن آنان از ویژگی های فرهنگ پربار و نجات بخش اسلام.

۲. شناخت راه های نفوذ فرهنگ غرب در میان نوجوانان و جوانان و شناخت برنامه هایی برای مبارزه با آن ها به گونه ای که قشر جوان از قدرت تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی و فرهنگی برخوردار شود.

۳. توجه به اصل جدایی ناپذیری دین از سیاست.

۴. افزایش حساسیت مردم در برابر سرنوشت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خویش.

۵. برنامه سازی در زمینه هایی که به گونه ای در هویت بخشی جوانان

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

نقش دارند مانند: ازدواج و کار.

۶. اختصاص شبکه هایی در رادیو و تلویزیون به نوجوانان و جوانان.

۷. تجزیه و تحلیل فرهنگ غرب از سوی غرب شناسان، مثل برنامه های: هویت و حُباب .

۸. تشویق و ترغیب جوانان به درس، مطالعه و پژوهش.

نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی

اشاره

نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی

تبلیغ درست معارف اسلامی از روش های بسیار با اهمیت در افزایش سطح فرهنگ عمومی است که زمینه پاسداری از فرهنگ خودی و هویت ملی را فراهم می آورد. البته رسانه در ارایه روش هایی که پیش رو دارد. باید مسایل فرهنگی ــ تربیتی، شرایط سنی و شرایط زمانی و مکانی فرهنگ مخاطب را در نظر بگیرد تا آن برنامه، کارآیی و اثر بخشی بیشتری داشته باشد. در سامان بخشی روش های رسانه ای و ارایه چهره مناسب از فرهنگ خودی، باید به اصولی توجه کرد که در گیرایی فرهنگ خودی نقش بسزایی دارند!

۱. نهادینه کردن باورهای دینی

۱. نهادینه کردن باورهای دینی

نهادینه کردن باورهای دینی سبب می شود انسان هرچه بیشتر خود را در محضر خداوند ببیند. انسان هر اندازه که به خدا نزدیک می شود و خدا باوری را در خود آشکار می سازد، به همان میزان، خودآگاهی و خود باوری خویش را ارتقا می بخشد. به یقین، چنین انسانی، شیفته فرهنگ کفرآمیز بیگانه نمی شود. انسانی که می خواهد رنگ خدایی بگیرد، باید ایمان را در سه بخش دانش، بینش و گرایش خود جلوه گر سازد. برنامه ای می تواند تکامل آفرین باشد که به این سه نیاز توجه داشته باشد.

۲. بهره گیری از روش های الگویی

۲. بهره گیری از روش های الگویی

روش الگویی از مهم ترین روش های تربیتی در اسلام است. معرفی الگوهای موفق مذهبی و ملی فرهنگ خودی می تواند گرایش نوجوانان و جوانان را به فرهنگ خودی بیشتر کند. وقتی تاریخ زندگانی شخصیت های این مرز و بوم را بررسی می کنیم، می بینیم بیشتر یا همگی آنان از افراد مذهبی و علاقه مند به فرهنگ و دین خود بوده اند. بنابراین، برنامه هایی که در این زمینه تهیه می شوند، باید به چنان شخصیت هایی مربوط باشد؛ یعنی در برنامه های کودکان و نوجوانان از الگوهای کودک و نوجوان استفاده شود. برای مثال، دعوت از آقای سیدمحمّدحسین طباطبایی یا آقای وزیری یا خانم منصوری که در کودکی، حافظ کل قرآن و کارشناس علوم قرآنی هستند، بسیار تأثیرگذار است. در برنامه مربوط به جوانان نیز باید از الگوهای موفق در عرصه فرهنگ و علم و حماسه استفاده کرد، مانند: دعوت از جوانان ممتاز در المپیادها و رتبه های برتر کنکور و فرزندان شهیدان.

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای

نشان دادن جذابیت های استانی و منطقه ای و محلّی در تبلور احساس وابستگی انسان ها به فرهنگ های بومی شان نقش زیادی دارد. فرهنگ عامه، همواره برای همگان جالب توجه بوده است. هر انسانی نسبت به فرهنگ و منطقه خود، حالتی تعصب گونه دارد. از این رو، بخشی از هویت ملی خود را وابسته به آن می داند به ویژه اگر این خرده فرهنگ در سطح رسانه، معرفی و تبلیغ شود.

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت

دیده ایم که تبلیغات بیگانگان، جوانان را به سوی فرهنگ غیر خودی

می کشانـد، به گونه ای که بسـیاری از جوانان راهی غربت می شونـد تا کاری هر چنـد پست، ولی پردرآمد بیابند. باید ارزش کـارکردن برای ملت خود را ــ هر چنـد کوچـک باشـد ــ تبلیغ و ترویـج کرد تـا کـار کردن برای بیگانگان، نوعی غفلت و از خودباختگی شمرده شود.

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه

ویژگی هـای سـنی، عـاطفی، روانی نوجوانـان و جوانـان و شـرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسـی جامعه، در گرایش به فرهنگ بیگـانه، نقش دارد. کـارگزاران فرهنـگ بیگانه با آگاهی از این شـرایط، با ابزارهای گوناگون ماننـد: ماهواره، ویـدئو، سـینما، کتـاب هـای داسـتان و رمـان، مجله ها، عکس های مبتـذل و رایانه، در کمین شـکار اسـتعدادهای درخشان هسـتند. از این رو، رسانه باید از تبلیغ مفاهیم بیگانه در داخل کشور پرهیز کند؛ یعنی به گونه ای عمل نشود که در انتقال مفاهیم علمی و فرهنگی از فرهنگ بیگانه، نوعی گرایش به فرهنگ بیگانه پدید آید. البته این سـخن به معنای نفی اسـتفاده از دست آوردهای فرهنگی و علمی بیگانگـان نیست، بلکه بایـد از تلاـش هـای آنـان در زمینه هـای گونـاگون برای افزایش سـطح دانش و فرهنـگ خـود استفاده کرد.

۶. گسترش فرهنگ ازدواج

۶. گسترش فرهنگ ازدواج

ازدواج جوانان در بر انگیختن آنان به برخورداری از ویژگی های فرهنگ خویش سـهم بسـزایی دارد. برآوردن این نیاز طبیعی در پاک سازی و پالایش آگاهانه احساسات چنان اهمیتی دارد که اسلام، ازدواج را مقـدس می داند. از این رو، مقدس جلوه دادن ازدواج و تبلیغ مناسب ازدواج های موفق از رسانه، بسیار مطلوب است.

پرسش ها و پاسخ ها

پرسش ها و پاسخ ها

۱ ــ دوره نوجوانی و جوانی را تعریف کنید؟

دوره نوجوانی از ۱۳ تا ۱۸ سالگی و دوران جوانی از ۱۸ تا ۲۵ سالگی است.

۲ ــ ویژ گی های دوران نوجوانی و جوانی چیست؟

۱. مهم و پر حادثه بودن؛ ۲. تغییر و تحول فراوان؛ ۳. هویت جویی؛ ۴. تجلی عواطفی چون: خشم، یأس، ترس، محبّت؛ ۵. آرمان گرایی؛ ۶. نظم، پاکیزگی و توجه به ویژگی های شخصی برای انتخاب دوست؛ ۷. دوست داشتن عدالت و انصاف؛ ۸. نفرت از رفتار ناعادلانه؛ ۹. حسّاسیت داشتن به بسیاری چیزها؛ ۱۰. پیروی از گروه هم سالان؛ ۱۱. سرکشی به دلیل فردمنشی، خودمحوری و استقلال طلبی؛ ۱۲. پای بندی به خرد شخصی؛ ۱۳. گرایش دینی؛ ۱۴. دنیاپسندی؛ ۱۵. علاقه به محیط مساعد برای رشد ذهنی؛ ۱۶. حبّ ذات؛ ۱۷. الگوپذیری و تقلید؛ ۱۸. افتخار به شخصیّت؛ ۱۹. میل به آزادی؛ ۲۰. تعادل اجتماعی؛ ۲۱. تحول جسمی.

۳ ــ عوامل پیدایش ناهنجاری ها در جوانان چیست؟

۱. درک نکردن روحیه جوان؛ ۲. رفتار ناشایست الگوها؛ ۳. تضاد در روش تربیتی خانواده، آموزشگاه و جامعه؛ ۴. فاصله طبقاتی؛ ۵. سهل انگاری پدر و مادر؛ ۶. فقر فرهنگی؛ ۷. بی پاسخ ماندن پرسش های دینی نوجوانان و جوانان؛ ۸. ناکارآمدی کانون های دینی؛ ۹. برداشت های نادرست و استفاده ابزاری از دین؛ ۱۰. بدعمل کردن یا تسامح و تساهل برخی از خواص.

۴ ــ برخی عوامل دین گریزی نسل جوان را نام ببرید؟

۱. بیان نامعقول برخی مفاهیم دینی؛ ۲. توزیع ناعادلانه قدرت و

ثروت؛ ۳. بی توجهی به نیازهای اساسی نسل جوان، مانند: ازدواج، کار و مسکن؛ ۴. تقابل حق و تکلیف. ۵. استفاده ابزاری از دین به دست سیاست بازان؛ ۶. برنامه ریزی نادرست فرهنگی؛ ۷. تهاجم فرهنگی.

۵ ــ برخی شیوه هایی را که فرهنگ سلطه گر برای به بند کشیدن کشورهای دیگر در قالب تهاجم فرهنگی به کار می برد، نام ببرید؟

۱. تربیت دست آموزها؛ ۲. معرفی الگوهای فرهنگ سلطه گر؛ ۳. تضعیف دین و باورهای دینی؛ ۴. تخریب و ترور شخصیّت های فرهنگ خودی؛ ۵. تبلیغ دموکراسی غربی؛ ۶. استفاده از مذهب علیه مذهب؛ ۷. توجه به اطلاع رسانی آزاد و هواداری از آزادی مطبوعات؛ ۸. ادعای طرفداری از مردم؛ ۹. ایجاد گسست تاریخی؛ ۱۰. تبلیغ معیارهای ارزشی فرهنگ غرب؛ ۱۱. نفوذ شرکت های چند ملیّتی؛ ۱۲. اعزام مستشاران نظامی، اقتصادی و مبلغان فرهنگی و دینی؛ ۱۳. گسترش فساد، ابتذال و بی بندوباری؛ ۱۴. دور کردن مردم از هویّت و ملیّت خود؛ ۱۵. فرقه سازی و تفرقه افکنی.

۶ــ رابطه هویت دینی با هویت ملی در کشور ما چگونه است؟

در حقیقت هویت ملی، یگانگی هویت ایرانی و اسلامی را به نمایش می گذارد. هرگاه مردم بیشتر از آموزش های دینی برخوردار شدند و دین در جامعه نفوذ کرد، دفاع از کیان ایران و میهن دوستی بیشتر شده است که نقطه عطف آن را در حماسه دفاع مقدّس می توان دید. این درحالی است که در گذشته، هرگاه جنگی بر ایران تحمیل می شد، همواره بخشی از خاک ایران از دست می رفت، ولی پس از انقلاب و در جنگ تحمیلی، حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی در اشغال بیگانگان باقی نماند و ایستادگی ملّت مسلمان ایران در این جنگ، ضرب المثل جهانیان شد.

۷ــ برخی ابزارهای تهاجم فرهنگی را برشمارید؟

۱. خبرگزاری هـای بین المللی؛ ۲. مطبوعات؛ ۳. رادیو و تلویزیون؛ ۴. سینما و تئاتر؛ ۵. موادّ مخدّر؛ ۶. کالاهای صادراتی؛ ۷. ادبیات و هنر؛ ۸. سازمـان ها و بنیادهای بین المللی و منطقه ای؛ ۹. ورزش؛ ۱۰. استفاده ابزاری از زنان؛ ۱۱. فن آوری پیشرفته مانند: رایانه و اینترنت.

۸ ــ اسلام برای جلوگیری از سلطه فرهنگ بیگانه، چه راه کارهایی را پیشنهاد می کند؟

۱. ارایه بینش صـحیح دینی و سیاسـی و تقویت آن؛ ۲. شـناخت فرهنـگ غرب و برنامه ریزی برای مقابله با پی آمـدهای منفی آن؛ ۳. زدودن فقر اقتصـادی؛ ۴. کـارآفرینی برای جوانان؛ ۵. احیـای عزّت نفس جوانان؛ ۶. مبـارزه با روحیه تجمل گرایی؛ ۷. فراهم کردن زمینه هـای ازدواج؛ ۸. پیش گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشـمن؛ ۹. اسـتفاده بهینه از ابزارهای فرهنگی در برابر تهـاجم فرهنگی؛ ۱۰. تـدوین معیارهـای جدیـد برای ارزیـابی آثـار فرهنگی؛ ۱۱. گســترش امر بــه معروف و نهی از منکر و طرفـداری از امر بـه معروف و نهی از منکر کننـدگان؛ ۱۲. بهره گیری از هنر در دفـاع فرهنگی؛ ۱۳. اسـتفاده از تربیت بدنی و گسترش ورزش پهلوانی؛ ۱۴. بهبود تربیت سیاسی و اجتماعی؛ ۱۵. ترویج فرهنگ خداباوری.

۹ ــ یک مربی دینی در امر تربیت چه اصولی را باید رعایت کند؟

۱. خیرخواهی و خلوص نیت در برخورد؛ ۲. رعایت جاذبه های شکلی مانند: نظم در پوشش، گفتار و رفتار؛ ۳. برخورد گشاده رویانه؛ ۴. به کارگیری ادبیات دل نشین و فراخور طبع و سطح مخاطب؛ ۵. راست گویی و تصدیقِ گفتار صحیح دیگران؛ ۶. ایمان و باور حقیقی به توانایی های جوان و شایستگی های او؛ ۷. پرهیز از برخورد تند و قرار

گرفتن در موضع برتر؛ ۸. حق پرستی و حق پذیری؛ ۹. بردباری؛ ۱۰. آرامش در رفتار و اعتماد به نفس در گفتار؛ ۱۱. توجه به علاقه ها و سلیقه های معقول و انگیزه های فطری نسل جوان؛ ۱۲. تبلیغ غیر مستقیم؛ ۱۳. توجه به نیازهای مخاطب؛ ۱۴. بیان آموزه های شورانگیز، خوش آیند و دل پذیر دین؛ ۱۵. پرهیز از افراط و تفریط در گفتار و رفتار.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱ _ آقاپور، مهدی؛ جامعه شناسی ورزشی، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۶۸.

۲ _ اسماعیلی، حمید؛ والدین و تربیت نسل جوان، قم، مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳ _ الرفاعی فؤاد بن سید، عبدالرحمن، نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمان های بین المللی، برگردان: حسین سروقامت، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۴ _ براون ادوارد؛ تاریخ ادبی ایران، برگردان: رشید یاسمی، ابن سینا.

۵ _ جاودان، محمدعلی؛ تحلیل استعمار فرهنگی

۶ _ جعفری، محمدتقی؛ فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

۷ _ جوان و رسالت حوزه (مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اوّل، ۱۳۷۹.

۸ _ چگونه اسلام را نابود کنیم، خاطرات هِمفِر؛ جاسوس انگلیس.

۹ _ حاج سیدجوادی، علی اصغر؛ در بحران ارزش ها، تهران، جاویدان.

۱۰ _ حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۷۲.

۱۱ _ حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه.

۱۲ _ خرم، مسعود؛ هویت، ناشر مؤسسه فرهنگی _ انتشاراتی حیان، ۱۳۷۶.

۱۳ _ خمینی، روح اللّه رحمه الله ، صحیفه نور.

۱۴ _ دژاکام، علی؛ معرفت دینی از دیدگاه شهید مطهری، مرکز پژوهش های اسلامی،۱۳۷۷.

۱۵ _ دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، تهران، نشررامین، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۱۶ _ زندگی در عیش، مردن در خوشی، برگردان: صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوّم، ۱۳۷۵.

۱۷ _ شریعتمداری، علی؛ تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، چاپ اوّل، ۱۳۷۶.

۱۸ _ شکوهی، غلام حسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

۱۹ _ صادقی، نبی؛ شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر؛ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

۲۰ _ طباطبایی، صادق؛ طلوع ماهواره و افول فرهنگ؛ چه باید کرد؟ انتشارات اطلاعات،۱۳۷۷.

۲۱ _ عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی.

۲۲ _ عبدالناصر، جمال؛ فلسفه اسلام، برگردان: حسن فرامرزی، بنگاه انتشارات آرمان،۱۳۵۷.

۲۳ _ علاقه مند، علی؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات فروردین، ۱۳۶۰.

۲۴ _ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.

۲۵ _ فانون؛ فرانتس، دوزخیان روی زمین.

۲۶ _ فرهنگ و تهاجم فرهنگی (سخنان مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

۲۷ _ کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی.

۲۸ ــ مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱، ۱۵ و ۷۲.

۲۹ ــ محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ اوّل، ۱۳۷۷.

۳۰ ــ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ تهاجم فرهنگی، معاونت فرهنگی سپاه، چاپ سوّم، ۱۳۷۸.

۳۱ ــ مصباح یزدی، محمدتقی؛ تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، چاپ اوّل، ۱۳۷۶.

۳۲ ــ مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه،۱۳۶۲.

۳۳ ــ مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، الزهراء، ۱۳۶۵.

۳۴ ــ ______________________؛ ده گفتار، قم، صدرا.

۳۵ ــ ______________________؛ مسأله حجاب، تهران، ۱۳۵۳.

۳۶ ــ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثاراللّه؛ نفوذ و استحاله، تهران، چاپ اوّل،۱۳۷۷.

۳۷ ــ معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

۳۸ ــ منصوری، جواد؛ جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.

۳۹ ــ نفیسی، علی اکبر؛ فرهنگ نفیسی، تهران، امیرکبیر.

۴۰ ــ نوید، مهدی؛ فرهنگ و مقاومت فرهنگی، فلق، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۴۱ ــ نیل پستمن؛ تکنوپولی، برگردان: صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوّم،۱۳۷۵.

۴۲ ــ هدایت خواه، ستاره؛ تهاجم فرهنگی، اداره آموزش و پرورش استان خراسان.

۴۳ ــ یعقوبی، احمدبن یعقوب؛ تاریخ یعقوبی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹